

کتابی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه - ابو العباس احمد بن ابی الخیر زر کوب شیرازی

معراجنامه - شیخ رئیس ابو علی سینا

نظام التواریخ - قاضی بیضاوی

جامع التواریخ - رشید الدین فضل الله جلد دوم طبع بلوشه

نهرساله از ملامحسن فیض بفارسی و عربی

الف - ترجمة الصلوة

ب - ترجمة الشريعة

ج - مفتاح الخیر

د - ترجمة الزکوة

هـ - ترجمة العقاید

و - شرایط الايمان

ط - زاد السالکین

ح - الفت نامه

ل - آئینه شاهی

- راهنمای آثار تاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راههای باستانی و پایتختهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین القضاة همدانی

ذیل ظفر نامه شامی حافظ ابرو

کامل جامع التواریخ رشید الدین فضل الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع - کاتمر - بلوشه - برزین - یان وسایر تواریخ دیگر

که جمع آوری شده)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فَسَخَّهِيَ مِنْحَصْرٍ بَفَرْدٍ

تقدیم از باب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور امام حاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه یکی از کتب منحصر بفرد: علم الرجال علم تاریخ و جغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصر بفرد که در بوسرا عکس برداری شده و بعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته و نسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاصله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سمرغ افتاده و یکوه قافر فته است با تحقیق و تتبع و مطالعه سه سال بزور طبع آراسته گردیده و بدوستان و پاسداران علم تقدیم میشود امید است بر زلاتش قلم غفو و اغماض کشیده و از فوائدهش بهره مند گردند

و بِاللّٰهِ التَّوْفِیْقِ

فہرست مطالب کتاب تاریخ نیشاپور

صفحہ	مطلب
۱	مقدمہ
۳	ذکر مفاخر خراسان باشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف
۴	الاحادیث
۵	آثار سلف عظام رضی عنہم
۷	ذکر صحابہ کبار رضوان اللہ علیہم بہ نیشاپور
۱۳	ذکر بزرگان کی بنیساپور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان اللہ علیہم اجمعین و ساکن شدہ اند یا گذشتہ اند
۱۵	ذکر اتباع التابعین من النساپوریین و من وردها او سكنها او حدث بها
۲۷	اتباع الاتباع بعد الصحابہ وهو القرن الرابع بعد النبوة و الثالث بعد الصحابہ
۳۴	ذکر مصنفاتہ
۳۹	ذکر الطبقة الحامسه من علماء نيسابور و من دخل و نشر علمہ
۶۱	ذکر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين و من سكنها و حدث فيها من علماء المسلمين رضی اللہ عنہم
۷۵	قال الحاكم رضی اللہ عنہ ہنہ اسامی المشايخ الذين مارزقت السماع منهم من ہنہ الطبقة فشرع الان فی اسامی الذين ادرکهم و رزقت السماع منهم بنساپور من ہنہ الطبقة ايضاً علی الترتیب المذكور

قال الحالم الامام ابو عبد الله الحافظ النيسابوري وقع لفراع بعون الله و حسن تقديره

شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه

۱۱۳

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و مخولات

۱۱۷

نيسابور و آنچه تعلق بامثال اين امور دارد

۱۱۸

ذکر حفر خندق قهندز

۱۱۸

ذکر بناء شهر قدیم

۱۱۹

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

۱۲۰

ذکر ارتفاع زمین نيسابور نسبت بابلاد ديگر

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود بازدياد عمارت دز شهر و سور داخل

۱۲۱

شد و باغات و بساتین محلات شهر کشت

۱۲۲

ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

۱۲۵

ذکر فتح نيسابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله عليهم

۱۲۶

روایة اخرى

۱۳۷

ذکر وادیهای نيسابور

۱۳۸

اما ارباع نيسابور جارست

ذکر ولايات کی از نواحی و اقطار خراسان بنيسابور نسبة دادندی اشراف و اکابر

۱۳۹

آنرا نساپوری خواندندی

۱۴۱

اما مسجد جامع بزرگ و مقصوره بزرگ

۱۴۲

ذکر دو منار جامع

ذکر مسجدهاء متبرک شهر قدیمی که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی ۱۴۳

۱۴۴

ذکر میادین نيسابور

۱۴۴

ذکر مقابر و قبور کی مزارات نيسابور بود

۱۴۶

فایده

۱۴۸

مقدمه

۱۴۹

اسامی سادات کبار

۱۴۹

اسامی صحابه رضی الله عنهم

۱۴۹

اسامی هشایخ طبقات

۱۵۰

اسامی علماء بزرگ

اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگان و بعضی

۱۵۰

غیر ایشان

اسامی بزرگانی که در شهر نسا بود مدفون اند نقل از خط جواجه قطب الدین

۱۵۱

رحمة الله

۱۵۳

مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵۴

الطبقة الاولى منهم

۱۵۵

الطبقة الثانية

۱۵۷

الطبقة الثالثة

۱۵۸

الطبقة الرابعة

۱۶۰

الطبقة الخامسة

الف

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمة المصحح

الحمد لله الموفق من شاء من عباده لخدمة العلم والدين ،
و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة تشهد لصاحبها
بحسن اليقين ؛ واشهد ان سيدنا محمداً عبده ورسوله الى الناس
اجمعين ، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وصحبه والتابعين باحسان
الى يوم الدين .

سألهاست که گنجینه ها و خزائن کتب قدیمی ، مورد توجه و تدقیق علمای
بزرگ دنیا و متبعین با ذوق قرار گرفته و تشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه
و قریحه برای سیراب ساختن روان و ارضای غوغای درونی خود باین گنجینه ها روی
آورده اند و هر کس بحد امکان مادی و معنوی خویش از آن دریای بیکران بهره ای بر
گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی فارسی و عربی را تشکیل میدهد دست
قهار طبیعت آنها را از سرزمین خود دور انداخته در تقاطعی غیر مانوس بر روی هم
انباشته و از این جهت است که محققین برای تتبع و بحث درباره کتابی مجبورند یکی
از آن نقاط سفر کرده و از منابع کتب آنجا استفاده نمایند ، یا الاقل فهرست کتابخانه های
مختلف را بررسی کامل نموده تا از وجود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع
کافی بدست آورند .

یکی از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این درر گرانها را در اعماق خود

پنهان داشته و از آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول میباشد .

در هر يك از این کتابخانه‌ها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی و فارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده و یا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت که جز مستشرقین معدود، دیگران و بخصوص محققین ما، یا از وجود آنها بیخبرند و یا دسترسی بدانها نداشتند و از این جهت در مقدمه هیچیک از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح و طبع شده و اقدم و اصح آن در استانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده و حتی اسمی هم از آن نبرده‌اند، و همین امر سبب شده که با همه دقتی که در تطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید و باید تامین نشده است .

این کتب پر بها، یادز زمان مولف و یا اندکی بعد از آن تحریر یافته و اغلب حاوی تاریخ تحریر و نام کاتب است .

از این لحاظ نگارنده با سرمایه مزجاة در مدت اقامت در استانبول بكمك دوستان ترك و استادان دانشگاه و زوسای مسئول و مكاتبه با حضرت استاد فقیه مرحوم قزوینی از یکصد جلد کتب فارسی و عربی که همگی اقدام و اصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست . عکس برداری نموده و برای استفاده علماء و متتبعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تا بابت آوردن فرصت یکی را پس از دیگری بزیر طبع بیاریم :

کتاب تاریخ نیشابور امام! الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله نیشابوری:

که مولف آن در سال ۴۰۵ هجری قمری در نیشابور وفات یافته و یکی از مهمترین و نفیس‌ترین کتاب در تاریخ نیشابور است: از همان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلو جامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهر زمانی هم پایتخت ترکیه بوده است عکس برداری کرده و اکنون پس از مدت سه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم .

دکتر فریدون فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکا) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و متذکر شدم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بمقادیر کمی تاخیر آفات ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همسفری هم شد چندین قیل بدبختانه شنیده شد که بورس طعمه خریق گزیدند و دیگر چیزی در یافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و بیامانده است

۱۵۱۴ هـ. ق (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز به همین دروازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علماء و اشخاص و معارف و وزراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که با احتمال قوی این کتاب از همین رده و آثاری هم از آن در دست نیست (۲) کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است که

- (۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاروارد در شهر وینستون (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از تمام دنیا محصلین میسرور این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه پوست است
- دانشگاه دیگری در بوسطن بنام هاروارد میباشد این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریباً دو بیست سال و کمی قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را مزیدی وارد و مطلع دیدم زبان فارسی را بزحمت میزد اما با وضاع و احوال ایران وارد بود
- برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده
- (۲) امام الحاکمه تألیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی المشائخ - تراجم الشیوخ - علوم الحدیث - کتاب العلم - کتاب الامالی و غیر ذلک

شخصی بنام احمد بن محمد بن حسن بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری
یا یک قسمت از آن کتاب بزرگ را ترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده
است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و در هیچیک از تذکره‌ها نام او را نیافتیم.
تاریخ نیشابور حاضره و قسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف - فهرستی از اسامی مهاجرین - انصار - تابعین -
علماء - فضلاء - ادبا و سایر کسانی که به نیشابور آمده و رفته و زیسته و مرده‌اند.
و این قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب:

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات و احادیث و اخبار
سلف را ذکر میکند.

آنوقت فضائل نیشابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار
نیشابور را شرح میدهد و یکایک را بنام صحابی اول و صحابی دیگر و غیره توضیح تشریح
می‌نماید از این موضوع که میگذرد در خصوص بزرگان نیشابور اعم از علماء و اشراف و
تابعین قلم فرسائی میکند

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود.
بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است به عبارتی
فهرست اسامی رجال و اماکن تهیه نشد چه در هر یک از طبقات خود مولف این سبک
را رعایت کرده و هر طبقه را از الف (احمد) شروع و به (ی) (یحیی) ختم نموده است
مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند. اگر
سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یاد آور شود و
حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور و مساجد و قلاع و قصبات و مقابر آن است

البته مختصرتر بدین ترتیب (۱)

ذکر بنای قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع محلات و باروها و وادیها - بنای

شهر قدیم - حفز خندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نیشابور -

مفاخر نیشابور قدیم - مقام خدام نیشابور - روایات دیگری از این قبیل

برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسما رجالات و اماکن تهیه شد

ناگفته نماند که در حد امکان طرف مدت سه سال تتبع و تحقیق بعمل آمد تا

نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل و ادب گردد : ولی چون

نسخه منحصراً بر فرد آنهم عکس برداری شده و از طرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز

اغلاطی در طبع پیدا شد

این نیز باید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاد از رساله

استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است

در خانمه باید از زحمات آقای رمضان مدیر کتابخانه ابن سینا که

سالهای متمادی در راه نشر و توسعه فرهنگ زحمات فراوان کشیده و رنج بسیار برده

و این کتاب هم یسک نمونه از فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم

و همچنین بشونه خود از چاپخانه صبح امروز کارکنان آن سپاسگزاری نمایم

امید دارم که صاحبان فضل و ادب از زلاتش غمض عین فرمایند

والله المستعان و علیہ التکلان

تهران - دکتر کریمی

(بهمن میرزا)

هفتم مهر ماه ۱۳۳۷

(۱) نگارنده در سال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیراز نامه تالیف ابو العباس احمد بن ابی الخیر

ذرکوب شیرازی بهمن سبک و بهمن روش تصحیح نمودم و با مقدمه مفصلی در شرح

شیراز و بناهای قدیمی آثار و ابنیه و سایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم

خراسان (۱)

در باب اینکه مهاجرت ارین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ و بچه منوال بوده ما اطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیبا ذکر می‌شود در سال (۸۳۵ قبل از میلاد) در کتیبه سائمانسار دوم پادشاه آشور است و ضمناً معلوم نشده که آیا مدیبا از نژاد آرین بوده‌اند و یا اینکه فاتحین آریائی اسم ساکنین سابق مملکت را اختیار کرده‌اند اسمی خاص آریائی فقط در کتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ ق.م) دیده می‌شود و نیز ما نمی‌دانیم که آیا مهاجرت آرین‌ها فقط از راه شمال یعنی همان راهی که مدیبا رفته بودند بعد آمده یا اینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان و از آنجا بفارس میرفت صورت گرفته است. شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هر دوت گویند: همدوس‌ها (در اصل متن: ده رومیایوی) و کرمان‌ها (در اصل متن: کرمانی اوی) در جزو ایرانیانی بشمار می‌روند که در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی ایران کنونی را یک شاخه از ایرانیانی که خود را پارسه می‌نامیدند اشغال کرده بودند چون مدیبا در ورود بعرضه تاریخ بایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی می‌رود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است.

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

خاموش کنند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .
استر این گوید: سلاطین ایران در مواقع سیاحت و گردش در ممالک خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر از پارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه قهروبی چیزی قادر نبود آذوقه موکب پر جمعیت شاهان را فراهم سازد ولی بواسطه همین فقر و لزوم دفع حملات کوچ نشینان ملت پارت نسبت بطرز زندگی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مرفعی داشتند وفادار مانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی پارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده و حتی با احراز موقعیت حملات جهانگیرانه روم را دفع کنند، جبال بلخان بزرگ و کوچک و کوه کورن داغ و کیت داغ و جبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان و حوضه بحر خزر را تشکیل می دهند .
گرن گوید: هیچ چیز نمی تواند با منظره تیره و تار این کوههای بی نمر که جز گیاه هرزه در آنها نرود و فقط چشمه های معدودی از آنها جاری است طرف مقایسه واقع شود.

در عهد قدیم و هکذا در قرون وسطی سکنه واحه های واقعه در امتداد دامنه های این جبال را ایرانیان تشکیل می دادند ولی بدیهی است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیائی خود ناچار میبایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترک واقع شده و بتصرف آنان در آید از همین تاریخ است که این سرزمین با اسم ترکی (اتک) و یا بطور اصح (ایتاک) که بمعنای ولایت دامنه کوه پایه است نامیده شد. از جمله بلاد این سرزمین در قرون وسطی از نسا و ایورد بیش از سایر بلاد اسم می برند .

شهر نسا در نزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود و ایورده در این زمان هم بشکل
قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابرجاست.

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر در قرن نهم میلادی بنا کرده و مرکب
از سه قلعه متصل بهم بود در ناحیه نسا با فاصله چهار روز راه از شهر نسا واقع بود از این
رباط راه مستقیمی از وسط صحرا بشهر گور گنج (در نزدیکی شهر قدیمی ارد گنج
کنونی) می رفت.

درفوق گفته شد که (اتک) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت و تاز
کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بر آن ملوک آسیای وسطی یعنی
ملوک خوارزم که نزدیک ترین همسایه آتک بودند همواره برای تصرف این ولایت
میکوشیدند.

هرودوت می نویسد: ما خبری میخوانیم که هنوز بطور رضایت بخش توضیح
نشده است این خبر راجع است به ولای که محصور بیچال بوده و پنج معبر داشته
و رود اکسس از وسط آن جاری بوده و بین ممالک خوارزمیان و هیرکانیا و پارتها
در سرنگان و تمانیها واقع شده و در ابتدا تعلق بخوارزمیان داشت
خبر فوق میرساند که مدتها قبل از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا
ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

در قرن دهم میلادی نوح بن منصور سامانی نارا به مامون حکمران قسمت
شمالی خوارزم و ایورده را به عبدالله خوارزمشاه فرمانروای خوارزم جنوبی بخشید
لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیر خراسان بود بتحصیل این عطیه
نائل نگردید.

پس از آنکه در قرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید نسا و فراوه در تصرف خوارزمیان (۱) بود تا زمانی که سلطان محمد و غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم راه سبخر ساخت بعد که در سال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه در تحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نسا و فراوه را با آنها گذار نماید.

در قرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل از سایر بلاد خراسان در جزو قلمرو آن زن در آمد در تاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شهرستان ذکر می شود که در مسیر راه خوارزم بنسبا و بفاصله يك فرسنگ از نسا در کنار ریگزار واقع بود.

یاقوت که سال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کند در حوالی شهرستان بواسطه قرب ریگزار باغانی وجود نداشت و جزروعات دره سافت بعدی دور از شهر واقع بودند ولایت خوارزم بعد از قتل و غارت مغول اگر دوره کوچکی را در قرن چهاردهم بحساب نیاوریم تا زمان استیاری ازبک ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

در قرن شانزدهم و هفدهم بلاد (اتک) معمولاً در زیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت می دهد در آن زمان برای تشخیص اتک کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطاح بوده و این کلمه در مقابل سو بویی (استعمال) میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم در معنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

در عین حال خوانین خیره همواره سعی بودند که طوایف ترکمن را بطبع خود سازند و طوایف مزبور که در قرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

(۱) این خوارزمشاهیان با سلسله خوارزمشاهیان که سرسلسله ایشان اتیز خوارزمشاه و آخرین ایشان سلطان محمد سلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیزخان منقرض شده اند فرق دارند و دو سلسله مجری هستند، ایشان خوارزمیان و مأمونیان اند.

گرگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران و خوانین خیوه و بضعف گذاشت
تدریجاً سلطه خود را رو بطرف شرق تا مرز وسط دادند.

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی) بنا بر روایت ایت: در واقع از آنکس صرف نظر
کرد هر چند که جانشینانش ملوک ازبک را اسم آماج گزار و مطیع خود نمودند.
شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز تراکمه از بکان تصمیم بدان گرفت
که اگر اد جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و بر اثر این تصمیم پنج
ولایت کرد نشین در امتداد سرحد از (استرآباد تا چناران) تشکیل داد و از ولایات
پنجگانه مزبور در این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان و زورگزر یا برجاس است و
ضمناً حکومت در گزنه با سلسله کردی بل با خاندان ترک است. مقتدرترین حکام
مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلیخانی ملقب شد.

قوچان در قرون وسطی با اسم خموشان (هر چند که در کتاب مقدسی بشکل
خوجان دیده میشود) معروف بوده است.

ایزیدور خاراکسی ذکر میکند که: در قرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین
بلاد ناحیه استوا بود و استوا مطابق آستانه و یا آستانه است.

در قرن دوازدهم در دوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی از مهمترین نقاطی
بود که در سر راه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور در کسب اهمیت
خود علاوه بر موقعیت جغرافیائیش مرهون حاصلخیزی برجسته حومه
خود بود.

کرزن مینویسد: ولایات شمالی ایران در حاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر
از قوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اگر اد از تاخت و تاز تراکمه جلوگیری نکرد این
دو حریف لایق هم بودند و هیچ یک از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند

کردها فقط می توانستند مزارع اتانک راتار و مار کرده انتقام تراکمه را از این
راه بکشند

شهر قوچان در سال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایلیخانی اشتغال
داشت و بعد در زلزله های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدهای فراوان دیده است

کرزن نقل میکند: جمعیت شهر بد ۱۲۰۰ نفر نمی رسید زلزله سال ۱۸۹۵
میلادی بکلی شهر را خراب کرد و قوچان جدید در دو فرسنگی شهر قدیم
بناشده است.

نقطه سرحدی دیگر که بانام نادرشاه توأم است قلعه مهم کلات است که در
آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب الوصولی بنا کرده است محوطه ای که قریب
به ۲۵۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷
میل عرض و از هر طرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه ها و صخره های تیز و
عریان با ارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت از سطح وادی تشکیل یافته است.

این دیوار فقط دارای دو معبر تنگ میباشد ولی علاوه بر آن راه هاریکی از
کمرکش جبال موجود است که میتوان بقلعه داخل شد، دروازه عمده بدر بند ارغون
شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی از صخره های صاف نقش کرده و از بنای خود ذکر
میکند معروف میباشد.

کرزن و دیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴-
۱۲۹۱ میلادی) میدانند در باره ارغون شاه مینویسند که وی قبل از جلوس بساطنت از
عموی خود احمد شکست خورده و در کلات پناهنده شد لکن قلعه در زمان وی خراب
بود و همین که عساکر احمد نزدیک قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت با احمد تسلیم شد.
حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود از ارغون شاه پادشاه

محلای و بدر علی بیگ بود که با تیمور مخاربه کرده است. این امر را در تاریخ
 شرف الدین گویند: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن
 تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میرد که یکی از آنها در بند ارغوشاه
 است. علی اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور در مقابل
 کلات قلعه قهقهه را بین کلات و ایبورد و ظاهراً در جائی که امروز استگاه راه آهن با اسم
 قهقهه واقع است بنا نهاد. البته در این باره در تاریخ کلات و ایبورد
 نادر از موقعیت قلعه کاملاً استفاده نمود و از زمان وی قلعه با اسم کنونی کلات
 نادر شاه یا کلات نادری موسوم گردید. سال ۱۳۸۲ در تاریخ کلات و ایبورد

گمرزن می نویسند: که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و
 خزائن امنی برای گنجینه هائی که از هندوستان آورده بود دایر سازد شرح و تعریف
 قلعه کلات در کتاب واسیل و اتاس سیاح یونانی که معاصر نادر شاه بود مندرج است.
 بنا بقول سیاح مذکور نادر شاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد و تمام
 اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواستند بدون احتیاج باجنای وارد از خارج در خود
 شهر بیابند برای استهلاك مخارج ساختمان شهر غنائم هند بکار رفت صخره ها را از
 خارج و داخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنا
 کرده بودند

بعد از نادر شاه کلات تا سال ۱۸۸۵ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً
 مطیع ایران بودند بماند و تا زمان تجدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی
 ایبورد و اتک در جزو خانی مرزبوز بودند. این امر را در تاریخ کلات و ایبورد
 گمرزن قسمت کوهستانی عرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی در سمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق و تنگی که در قعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جدا کرده و در سمت جنوب جای دره‌ها را وادی‌هایی گرفته که رودهای کوهستانی از وسط آنها جاری و قراء و دهات در آنها واقع شده و گاهی جلگه‌های وسیع و پرتروتی دیده میشود مانند جلگه قوچان در شمال و جلگه نیشابور در جنوب بینالود کوه

سلسله‌های جبال را دره‌هایی در طول کوه قطع میکنند و همین دره‌ها راه ارتباط بین وادی‌ها میباشند دره‌ها اغلب منظره طبیعی زیبایی تشکیل داده و صورت يك سلسله مواقع صعب الوصولی را دارند. مشکل است در جایی از دنیا جبال باشد که بجز برف دائمی رسیده و تا این درجه پرده‌های زیبایی از طبیعت و حسی کوهستانی جلوه گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آنها مسکین‌ترین نباتات کوهستانی بندرت دیده میشود و ذرات فقط در قعر وادیا مقدور است و منوط بوجود چشمه‌سارهای قلیلی است که آب آنها را برای شرب اراضی قابل زرع آورده‌اند هر دهی گوتی واحه است که در زمینه خاکی تنگ کویر واقع شده است

اراضی مزرعه در دامنه جبال هم دیده میشود و از دامنه‌های جبال چشمه‌هایی بوادى سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکنند در مرتفع‌ترین نقاط هم زراعت میکنند اراضی مزرعه که در دامنه‌های کوه واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده و عده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

در اینجا هم مثل سایر نقاط ایران سبزه‌زاری گسره دیده نمیشود قطعات آبادی فاصله‌های مختصری از یکدیگر واقع شده‌اند رودی که از پهلوی نیشابور میگذرد بمناسبت مژه

شور و تلخ آبش بشوره رود معروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم از حیث وسعت و فضا و عدد نفوس بقدری با پایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق و تشخیص نقشه آن با مشکلات بزرگی توأم است.

د مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهر ظاهراً در زمان ساسانیان بدست شاپور اول یا شاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده اند. این شهر در سال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابر شهر بوده و نیز در دوم این شهر را محل اقامت خود قرار داده و بورجین مهر که یکی از سه آتشکده معروف ساسانیان باشد در نزدیکی این شهر قرار داشته است

شهر مزبور در سال (۳۱ هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده و در سال (۳۲ هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو و بلخ و غیره جزو آن بوده) بدست غیث بن الحسام که یکی از اشخاص معروف آن زمان بوده است اداره شده و این خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تا قبل از قرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را از طرف مشرق دازا بوده و مرو و بهرات و بلخ نیز جزو این قسمت بشمار میرفته ولی فعلاً نیشابور تنها شهری است که جزو ناحیه خراسان محسوب می شود و تقریباً تا چند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

در اوائل قرن هشتم میلادی ابو مسلم خراسانی نهضتی در خراسان برضد خلافت بنی امیه ایجاد کرد و در سال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نیشابور شد و حاکم آن شهر گردید و در مدت حکومت خود مسجدی در نیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغداد بتحریک منصور خلیفه مقتول ساختند

کز

پس از این قضیه خراسان در اوایل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) در حیطه اقتدار طاهر بن حسین در آمد

طاهر حاکمی بود که از طرف مامون خلیفه در سال (۲۰۵ هجری) (۸۲۰ میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد و در زمان او فر اولادش ناحیه خراسان حالت استقلال بخود گرفت او عبداللّه بن طاهر نیشابور را پایتخت خود قرار داد و باغ معروفی بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بود که شهر نیشابور فوق العاده اهمیت پیدا کرد و ساختمان جدید و دهات زیاد در اطراف آن شهر بنا گردید

در اواخر قرن مزبور سلسله صفاریان خراسان را در تحت تصرف گرفتند و در سال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمرو بن لیث صفاری حکومت آنرا عهده دار شد و او نیز نیشابور را پایتخت خود قرار داد

اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عبارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی در جامع آن رخ داده است

بعد از عمرو لیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بود و تنها ناحیه مرکزی خراسان بشمار میرفت از شهرستان نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصّلی توسط ابن حوقل و استخری نقل شده است و این اشخاص چنین می نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هر سه میل یک فرسنگ) و بچهل پاسگاه تقسیم میشده است کوچه های آن صاف و تقریباً عده آنها به پنجاه میرسیده و این کوچه ها یکدیگر را طوری قطع میکردند که چهار راه های متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب از مستشرقین که کوچه های قدیمی بعضی از شهرها همیشه کوتاه و دارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه ها بسیار مستقیم و مطابق اسلوب

کج

معماری ساخته شده بود خود شهر نیشابور بسه قسمت تقسیم میشده است

۱- شهر خاص

۲- نواحی خارج شهر

۳- پاسدارخانه ها

۱- شهر خاص : دارای برج و حصار و چهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده که آنها نیز دارای دروازهها بودند و خرابه آنها باغلب احتمال همان تپه الب ارسالان است

قسمت خاص شهر عبارت بود از تمام نواحی خارج که دارای دیوارها بوده است و اینجاست که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : و عمرو بن لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته و آنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستونهایی از مرمر سینه و سفید بوده و تمام آنها بانضمام طاق مسجد نقاشی و مجسمه کاری شده بوده است و نزدیک آن محوطه بازار و خانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمرو بن لیث صفار مرمت گردیده است .

تزدبک بازار بزرگ شهر بازار کوچک دیگری بوده که محبس ها در آن قرار داشته است و اهمیت این بازارها از نظر تجارت بسیار مهم بوده و اینکه شهر مزبور و نواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل بر این بوده است که مردم احتیاج بامنیت و حفاظت داشته اند

چون در شهر نیشابور خاص بنای قابل ذکری ساخته نشده است میتوان آنرا دلیل بر این دانست که با وجودیکه شهر مزبور بتوسط ساسانیان بنا شده ولی کم کم

کط

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متار که گردیده و بنای مهمی در آن بنا نشده است. و آنچه بعد از اسلام در این ناحیه بنا گردیده در خارج شهر خاص بوده است ولی این تنها يك قضیه بیش نیست و تا اکتشافات بیشتری از جهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایگس را نمیتوان معتمد شمرد پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از يك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك در آمد و طغرل بيك (۳۲۹ هجری) (۱۰۳۷ میلادی) شهر را گرفت و پایتخت خود قرار داد و الباسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

در زمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده ای بخود گرفت و برای بار دوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد.

در زمان خواجه نظام الملك وزیر الباسلان و ملک شاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد و مدارس متعدد در آن بنا شد و مرکز علم و نظامیه ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور در این زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آنها پنج هزار جلد کتاب داشته است.

عمر خیام شاعر و دانشمند و فیلسوف و مورخ و ریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

در سال (۵۳۰ هجری) (۱۱۳۵ میلادی) نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور در سال (۵۳۸ هجری) (۱۱۵۳ میلادی) آتش گرفت و در همین موقع بود که طهمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بودند بنا نمودند

یا قوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکنند و این واقعه را بسال (۶۱۳ هجری)

ل

(۱۲۱۶ میلاد) می‌داند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در

شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال (۵۲۳۱ هجری) (۱۳۳۰ میلادی) و این بطوطه طنجی در سال

(۵۷۵۷ هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت -

ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نقل

میکنند .

عقاید مورخین و علما و مستشرقین در خصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولد که گوید:

راجع به نیشابور قدیم قبل از اسلام همیقدر معلوم است که ابرشهر نام داشته و نام کنونی رایکی از سلاطین ساسانی یعنی شاپور اول (قرن سوم میلادی) و یا شاپور دوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده است.

مطلب اخیر عقیده ای را که غالباً اظهار میشد راجع باینکه نیشابور همان شهر نسیای پارت است تردیدی کند در زمان ساسانیان وهم در دوره امرای اول عرب شهر عمده خراسان مر بوده نیشابور فقط در زمان سلسله طاهریان در قرن نهم میلادی اهمیت یک پایتخت را کسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله بن طاهر (۸۳۰-۸۴۲ میلادی) برابر است

بنابر قول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری در خراسان حکومت کرده که قبل از وی کسی نکرده بود چه وی بتأمین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است با مروی مجموعه قواعدی برای استفاده از شرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد:

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع با اهمیت علم از عصر خود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

ب

وسیه بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خود علم
واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را در سال (۸۷۳ میلادی) از سلطنت
خلع کردند پایتخت خود را بنشاپور انتقال دادند .

عمرولیت صفاری بسال (۹۰۰ میلادی) از اسمعیل بن احمد سامانی شکست
خورد و از آن پس خراسان در جزو مملکت سامانیان درآمد و چنان که معلوم است
پایتخت سامانیان بخارا بود . و اراضی جنوب آمو دریا (جیحون) در تحت سلطه
امیر مخصوص بود که لقب سپهسالار داشت و در نیشابور مقیم بود . (استاد بار تولد)
جغرافیا نویسان ، نیشابور دوره سامانی را مفصل تعریف کرده اند : شهر در
جلگه ولی بلا واسطه در قرب کوه واقع شده بود .

ابن رسته

جنب شهر از یکطرف کوه بلندی سرکشیده بود محوطه شهر طولاً و عرضاً یک
فرسنگ و خود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز
یعنی ارك - و شهرستان یعنی شهر - و ربض یعنی خارج شهر .

ارك جز و شهرستان نبود ولی بین آن و شهرستان فقط خندقی حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی تجارت و صنعت به ربض که در قسمت

جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

اصطخری

در ضمن توصیف بازارهای نیشابور مینویسد که بازار در سمت شمالی شهر
تاراس القنطره میرسید و پیش از آن در جزو دروازه های شهرستان که مانند شهرهای
بزرگ چهارباب بود از دروازه راس القنطره اسم میبرد عده دروازه های ربض بسیار
زیاد بود .

مقدسی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم
بمربعه الکبیره بود که از آنجا به هر چهار سمت ردیف دکا کین و کاروانسراها ممتد
میشد بدین طریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع بسوی شمال تاشهرستان بطرف
غرب تاپشت میدان چهارگوش کوچک «مربعه الصغیره» و جنوب تامقابر اولاد حسین؛
بازار امتداد داشت.

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچک قصری بود که عمرولیت میدان
الحسینین بنا کرده بود و هم در جنب قصر زندان واقع شده بود
مسجد جامع رامینویسند که در اردو گاه قشونی واقع شده بود
مقدسی

شرحی در توصیف این بنا نوشته است که نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بود عمارت عمده مسجد که منبر امام
در آنجا بود قسمتی از آنرا در اواسط قرن هشتم ابو مسلم خراسانی مسبب سلطنت
عباسیان ساخت و قسمت دیگرش را در اواخر قرن نهم عمرولیت صفاری بنا کرد بنای
ابو مسلم به تیرهای چوبی و بنای عمرولیت بستونهای مدور آجری متکی بود.
در اطراف این قسمت سه رواق و در وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها
دارای یازده درب و ستونهای از مرمر رنگارنگ.

قنواتی را که بشهر آب میدادند غالباً زیر زمین میکشیدند. عده پله هائی که
برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسید در خارج شهر آب در سطح زمین
جاری و برای شرب اراضی بکار میرفت. شهر بداشتن پارچه های ابریشمی و نخی
معروف بود.

و بطوریکه اصطخری میگوید این پارچه ها را بماوراء ممالک اسلامی هم حمل
میکردند.

ابن حوقل

دکاکین و مهمانخانه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بود در حوالی شهر مس و آهن و نقره و فیروزه و معادن دیگر استخراج میکردند معادن فیروزه که در کوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا به امروز در اهمیت خود باقی و در دنیا یگانه معادن فیروزه است . نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان هم با وجودیکه بعضی از سلاطین اخیر مرور از رجیع میدادند معینا مهمترین شهر خراسان بود .

در سال (۱۱۵۳ میلادی) نیشابور معرض قتل و غارت عشایر غز گردید که بر علیه سلطان سنجر شورش کرده بودند .

غزها شهر نیشابور را غارت کرده و خراب نمودند خاقانی شاعر معروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خود را بیابند .

شهر جدید در سمت غربی شهر قدیم در محل موسوم به شادیاخ آباد شده است .

محل شادیاخ در زمان سابق هم دایر بود و آنرا عبدالله بن طاهر بنا کرده بود .

یعقوبی

در شادیاخ تپه بزرگی بود که بر روی آن ارگی ساخته بودند در همان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادت مند خود بسر منزل رونق و تعالی رسید و ابنیه و عمارات تمام محوطه را از تپه تا خط قدیم اشغال کرد

یاقوت :

نیشابور دوباره اعرام بلاد الله گردید و پر ثروت ترین و پر جمعیت ترین بلاد شد .

مقدسی

نیشابور انبار گاه مال التجاره فارس و کرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و

همچنین ری و جرجان و خوارزم بود

باقوت

علت ترمیم سریع و تجدید عمارت شهر را همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند
نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و
وارد شهر نشوند.

قتل عام چنگیز خان (۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدتر از حمله غز بودشش ماه قبل از
این واقعه داماد چنگیز خان هدف تیر و کشته شد بدین جهت تولوی پسر چنگیز شهر
را محاصره کرد و آنچه اهل شهر عجز و الحاح و التماس عفو کردند اثر نداشت و ردد شد
شهر به یورش متصرف گردید و تمام سکنه آن باستثنای چهارصد نفر صنعتگر که باسیری
بردند بقتل رسیدند

اینکه و عمارات شهر را از بیخ خراب و زمینش را شخم کردند و در محل خرابه
های شهر چهارصد نفر مغول گماشتند تا بقیه السیف اهالی را که توانسته بودند در موقع
قتل و غارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیز خان در خراسان پایدار نشدند و جانشین چنگیز خان
مجبور شد دوباره مملکت را مسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که
جراحات وارده به مملکت از حمله مغول التیام پذیرد و شهرهای خراسان پیش از بلاد
ماورالنهر بحال خرابی مانند.

پس از انقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که
ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان را خان بزرگ معین
میکرد ولی نمایندگان و جوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند.
در اواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی در ایران تشکیل
دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

حمدا له قزوینی مستوفی:

اداره کشوری و مالی مخصوصی داشت عایدات این ملک در جزو عایدات

عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد .

بعد از سقوط سلسله مغول ایران نیشابور (در حدود عشر سوم قرن چهاردهم

میلادی) در جزو قلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد

در سال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیمور را گردن

نهاده و بدین جهت نیشابور بی رحمی های این جهانگشا را نچشید رونق هرات در

دوره تیموریان و اهمیت مذهبی شهر در زمان صفویه می بایستی که نیشابور تحت الشعاع

قرارداده باشد لیکن تا اواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست

احمد شاه افغان خراب و ویران گردید .

استاد بار تو لند گوید :

بعد از این قتل و غارت يك منزل قابل سکونت در شهر نمانده بود احمد شاه

شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر و تجدید عمارت آن

اقدامی کرد .

در اواخر همان قرن نیشابور بتصرف قاجاریه درآمد مساعی عباسقلیخان و گسان

دیگر اهمیت سابق شهر را عودت ندادند .

فریزر :

در سال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر ۴۰۰۰ قدم بود اگر تمام این محوطه

مسکون می بود عده نفوس آن به ۳۰ هزار یا ۴۰ هزار می رسید لیکن قسمت عمده شهر خراب

بود ایرانیان خانه های مسکون شهر را قریب بدو هزار باب می دانستند لیکن فریزر

از روی تاثیراتی که شهر در او بخشیده بود تصور میکند که عده نفوس از پنجهزار نفر

تجاوز نمی کند .

لز

استاد بارتولد گوید:

پارچه هایی که در شهر می یافتند فقط برای حوائج محلی تهیه می شد یگانه جنس صادره فیروزه بود.

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی و خراب و بد بود خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حدود بازارها و مسجد جامع وسعتی نداشت در زمان سیاحت گرز ن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرز ن احتمال می دهد که در زمان وی جمعیت شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات و مفصلی در دست نیست. در این باب فریزر و در زمان اخیر هم ایت بعضی اطلاعاتی می نویسند از اطلاعات تاریخی و وضع کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می شود که شهر مانند مرو و بلخ از سمت شرقی بغربی متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هایی نمایان بوده که قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بارتولد

ارک شهر سابق در این مکان بوده

فریزر نمی نویسد:

که بلندی هم در این مکان بوده یا نه

بطوریکه ایت تعریف میکنند:

خرابه های مزبور دیگر وجود ندارد و آثار شهر سابق بفاصله يك ميل انگلیسی در سمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می شود در زوایه جنوب غربی خرابه های

لح

مذکور ارک بر روی تپه بلند واقع است.

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارک نیشابور قدیم که در دوره ساسانیان بنا شده بود در این مکان بوده ولی مشکل است این مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطار صوفی معروف که در موقع تصرف شهر بدست متوابع مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارک واقع است سنگی از مرمر سیاه که خط فارسی روی آن نقش کرده اند در وسط دیوار آجری واقع شده.

این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی در نیشابور باقی مانده و ممکن است تاریخ بنای آن بصحت معلوم شود این مقبره را در زمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی و امیر علیر شاعر و وزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی معروف و مشهور است بنا نهاده و نیز مقبره یکی از آل عالی که در قرن شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته در همان نزدیکی است.

استاد بار تو لد گوید :

امامزاده محمد مجروح برادر علی بن موسی الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه

است در این مکان مدفون است.

پهلوی این مکان مقدس در وسط باغی که درختانش بهم پیچیده و علفهای هرزه در آن روئیده. مقبره عمر خیام منجم و شاعر فکر آزاد او ایل قرن دوازدهم میلادی واقع شده است.

اینک بطور مختصر ترجمه ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متروپولیتین آمریکا را ذیلا درج میکنم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در اطراف نیشابور نموده اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت مزبور میخواستند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یامشاپور دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی در ضمن کاوش اشیائی بدست آمد که ابدأ مربوط به دوره قبل از اسلام نبود و اثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که هیئت مزبور میدهد عبارت است :

۱ - شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ - شرح ظروف سفالین و کتیبه های پیدا شده در این ناحیه

۳ - مختصری از نوع و تاریخ سکه های مکشوفه و خلاصه هر یک

از آنها

۱ - هیئت نامبرده در شش موضع نزدیک نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن نقل کرده اند) شروع بحفاریات نموده و کاسه و کوزه و کتیبه های بدست آورده اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورک ضبط است

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هایی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری در این ناحیه بنمایند و شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود.

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده و سکه‌هایی که از این سرزمین بدست آمده است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌ها و خود خرابه‌ها کمک کرده ذکر بشود.

کاسه‌هایی که از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف و دارای لبه‌های نازک و ته‌های محکم‌اند و در ساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته و اغلب آنها از گل سرخ ساخته شده و در بعضی از آنها خط کوفی که بارنگ سرخ شفاف و حاشیه سیاه است دیده میشود و از هر حیث بی شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه قهوه‌ای رنگ آمیزی شده و شبیه بکاسه‌های سازه و سامره و حیره‌اند دیده میشود و این کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم هجری (هشتم میلادی) نسبت داد و نیز کاسه‌های بسیار قشنگ و ظریفی بدست آمده که از هر حیث شباهت کامل بکاسه‌های عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذ ساسانیان در این ناحیه بعد از اسلام بوده است و کاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهند بدست آمده است و البته نباید ته‌چوب کرد زیرا که نفوذ چینی در این سرزمین و آن زمان بسیار بوده چه تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی و صنایع دیگر چینی در عراق و ایران و مصر رونق یافت و ما بخوبی میدانیم که در زمان سلطنت این پادشاه و سعت چین بترکستان

رسید و رابطه چینیه با خلیج فارس بسیار بود و همینکه چینیها با اعراب مواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیک تاشکند شکست داد و بقول خود اعراب بیست هزار اسیر از آنها گرفت و بگفته ثعالبی این چینیه با ساکنین سمرقند کاغذسازی را تعلیم دادند و بگفته این فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خود را با اهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی و بخصوص کاسه سازی در ایران دیده میشود ولی رویه مرفه ثابت شده است که این ناحیه کمتر در تحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره و نقاط دیگر واقع شده و کاسه های نیشابور دارای ممیزات خاص و مشخص است که اصلی و متعلق به همین ناحیه است و شاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲- در ناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومک فوق العاده ای بتاریخ اشیاء پیدا شده نموده است مثلاً در یک ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷ عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳-۲۰۰ هجری) (۲۷۰-۸۱۵ میلادی) است و یکی از آنها متعلق بعهد طاهریان و یکی در حدود سال (۵۹۸ هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است و دو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳ هجری) (۷۷۰ میلادی) است و از روی این سکه می توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (در نیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطاق باقی مانده باشد و این ساختمان را در قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) - خسارتی وارد آمده و آنهم در مواقع و کشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است و پس از ساختمان و تعمیر دوباره دیوار محراب بدو تقسیم شده و محراب را دوباره کرده بطوریکه یک گنبد در این محل ایجاد شده است و در این جا کتیبه ها و نقاشی های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیک (۳۲۹ هجری) (۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد و در سال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵ میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد و در حوالی این محل تپه ایست که با نام تپه‌ی الب ارسالان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون بیقین و پس از دقت و مطالعه معلوم میشود که ممیزات ساختمان تپه سبز پوشان ابدأ شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد و اگر نظری بقبر جلال‌الدین در اوز کند ترگستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) و با مقایسه از حیدریه قزوین بعمل آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد و تا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به سبز پوشان داشته باشد مگر چند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه این محل دارد اگر چه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی ممیزات مخصوص این ناحیه مثلاً اگر حروف گنبد مسجد نائین را که با خط کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم یک رابطه و شباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه (یوم‌الدین) دال آنها با هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین درست معلوم نشده و (Flury) (فلوری) تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت میدهد و از حدسش از روی شباهت خطاطی این ناحیه با سامره و این تولون در قاهره است و بعلاوه در سبز پوشان سکه یا علامت دیگری به دست نیامد که از سلجوقی باشد چه سکه‌های بدست آمده را میتوان سه دوره

تقسیم نمود

اول - قرن دوم و سوم هجری - قرن هشتم و نهم میلادی

میج

دوم - نیمه دوم قرن چهارم هجری - نیمه قرن دهم میلادی

سوم - قرن ششم بیعد - دوازدهم بیعد

و چون دوره اول مہمند و مطابقت با سایر علایم میکنند میتوان گفت که سکه‌های دوره سوم از دست رعایا که در حدود قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس از غارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت و تنها سکه‌های دوره دوم مہمند که در زمان صلح و صفا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول و نوح دوم در آنجا حکومت میکرده بوده است .

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین سنوات (۳۰۵-۳۲۱ هجری) (۹۶۱-۹۸۱ میلادی) نوشته شده است.

خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸ سکه پیدا شده در سبزپوشان ۳۱ سکه آن تاریخ دوم و سوم هجری - (هشتم و نهم میلادی) را دارد و دو سکه آن متعلق با اواخر سامانی است و چهار سکه آن تاریخ معین ندارد.

از ۱۳ سکه تپه الب ارسالان ۹ سکه آن متعلق بقرن هشتم و نهم و بقیه بدون اهمیت اند .

خلاصه از روی سکه هائیکه توسط ابو مسلم باسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱ هجری) (۲۵۸ - ۲۶۸ میلادی) و از سکه ضرب شده در بخارا (۱۶۰ هجری) (۲۲۶ میلادی) توسط عبدالملک بن یزید الخراسانی که حاکم نیشابور بوده و دیگر از موحد بن

مد

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیداشده است میتوان ثابت کرد که ساختمان
وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط
با کشفیات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رب يسر وتمم

حمد و سپاس لایق بعد دانش و انفس خلاق مرخالق قدیم را که
جوهر روحانی و عناصر جسمانی از مکان عدم در میادین وجود، بقدرت بدیع
ابداع کرد. و بسایط فسطاط خضراء، و بساط بسیطه غیرا را محتوی برغرایب حکم
بحکمة منیع اختراع فرمود. و باختلاف احوال سال بشتا و مصیف، و اتفاق ایام و لیل
بربیع و خریف صحاری و براری و جبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجناس از هار،
و انتشار انواع انوار ساخت. و بباينات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن
بطیب هوا و تطیب غذا بر صنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً در خراسان،
خور آسان کرد، و قطر نسا بود صینت عن الفتور باعتدال هوا و فسحت فضا و تزهة اماکن
و خلقة معادن بر اماکن و مساکن اقطار هر دیار فضیلت بخشید، و طینت طیبه و تربت
طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام و علماء هداة و ادباء نقاة داشت.
درود بیغایت و سلام و تحية بی نهایت کی آن خلص کرام باوقبات و لیالی و ایام باد
فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین
و خاتم النبیین صلوة الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه اجمعین کردند
سبب رفعت مقام، و قربت علی الدوام، و حلول منازل هدایة عظمی، و صعود
مدارج ولایة کبری ایشان گردانید: صلوة الله و تحياته علی المصطفی حبیب الله
محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.
غرض از عرض این تقریب آنکه در سالف زمان، و سابق اوان و قرون ماضیه،

سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوه اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابو عبدالله النیسابوری رضی الله عنه. بوصف نسابور قدیم ، کتابی کریم بلغت فصیح صریح ، ثبت فرموده اند ، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابه ذکر اسامی کرام صحابه و عظام تابعین و اولیا ، و اصفیاء امت است که بآن بلدة نفیسه وارد و صادر شده اند و در آن شهر نشو و ظهور یافته و بذکر وقت ولاده ، و صفت نشاء ، و بیان نسبت ، و اراده و سلوک و ریاضه ، و کیفیه صحبت و خلوة ، و شرح کرامه و مدة حیوة و سنه وفات و مدفن هریک از آن ارباب الباب ، آن کتاب باجاده مجلد اطناب یافته و برسیل مذیل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهر و بانی و بنا و بنیان و تقلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد و مساجد و بعضی مفاخر و مآثر آن بیان فرموده ، و باشاره آیه و حدیث نفیس و آثار ائمه کبار موشح گردانیده ، بعدها بعضی از اجله کرام و ائمه اسلام رضی الله عنه و عنهم از آن کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تازی مشتمل بر اسامی کرام اولیا و اعلام اصفیا و بعضی از آن مزیلات انتخابی فرموده بعد الاستجازات آن اختصار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگر آیات تنزیل و احادیث نیل که بهمان نظم فصیح صریح کتابه یافت و رمزی از آن بفارسی معروض گشت.

نکته که کشف بعضی مقاصد آن کتاب بآن منوط و فهم مراد بآن مربوط است ، آنست که بعرف فصحاء عرب و مسکان غرب ، خراسان عبارت از طرف شرق است تاغایت که : خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنک هر متکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فارس اشاره بآن بعضی بلاد معلومه است چنانچ سلمان رضی الله عنه با آنک اتفاق جمهور است که از اصبهان بود و اصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده‌اند و کلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بوجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی از جانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و بالله العصمة والتوفیق ذکر مفخر خراسان باشارت آیات و احادیث

و اخبار کبار سلف

عن ابی هریره رضی الله عنه فلما نزلت هذه الآية « و آخرین منهم لما یلحقوا بهم » کلهم فیها الناس فاقبل رسول الله صلی الله علیه وسلم الی سلمان فقال هم قوم هذا « لو کان الدین بالثریا لئاوله رجال هو الاء »

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی الله عنه مذکور است مفهوم آیه و ما قبل آن والعلم عند الله : اوست آن خدائی که بعث فرمود در عرب رسولی از ایشان که میخواند بریشان آیات او ، و پاک میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه ، و تعلیم میدهد ایشان را قرآن و احکام شریعت و سنت ، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالی آشکار و در کسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و در کسان دیگر آن رسول را و آن کسان ذکر قولی است که همه مؤمنان اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت . و قولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنک چون این آیه نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرة صلوة الله علیه و سلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی الله عنه حاضر بود حضرة صلوة الله علیه و سلم دست مبارک بر سلمان نهادند و فرمودند این قوم او ، و در حدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه قوم این اند . اگر ایمان معلق بودی بیروین هر آئینه دریافتی او را مردانی از قوم او

و جهی دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشان را قرآن

وسنت و تعلیم میدهند آن کسانرا قرآن و شریعت و سنة و تحقیق آیه چنان مینماید که هر پاك و عالم بكتاب و سنة که بود و باشد تا قیامت پاك کننده و تعلیم فرمایند همه نور مقدس حضرت مصطفی اند صلوة الله و سلامه علیهم بسلامان فارسی و یاد کردن ایشان قوم او را اشارت است بهمه کسانی که بفارسی سخن میگویند تا اقصی بلاد خراسان این آیه در شان این جماعت نازل است. و ایضا در حدیث است که . چون حضرة صلوة الله و سلامه علیهم این آیت خواندند که : ان تتولوا يستبدل قوم غیر کم ثم لا یكونوا امثالکم مفهوم آیه و العلم عند الله اگر روی بگردانید یعنی از ایمان و طاعة بدل آورد خدای تعالی قومی غیر شما . پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی از ایمان نبگردانند و طاعت کنند. صحابه گفتند یا رسول الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند و نباشد امثال ما حضرت صلوة الله و سلامه دست مبارك بران سلمان زدند پس فرمودند هذا قومه این و قوم او. لو كان الدين عند الثريا لناوله رجال من الفرس اگر بودی دین نزدیک پروین هر آینه فرا گرفتی آنرا مردانی از فرس یعنی فارسیان

عن ابن عباس. قال ذكرت فارس عند النبي صلوة الله و سلامه

الاحادیث

عليه قال فارس عصبنا اهل البيت قلنا ولم يارسول الله قال لان

اسماعيل عم ولد اسحق - واسحق عم ولد اسمعيل

عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیش حضرت نبی صلوة الله و سلامه علیه فرمودند که فارس عصبه ما اند اهل البيت ، گفتیم چرا یا رسول الله فرمودند برای آنک اسمعيل عم فرزندان اسحق اند ، و اسحق عم فرزندان اسمعيل. عصبه اقربارا گویند که از طرف پدر باشد چون برادر پدر و مادری و پدري و پسران ایشان و عم همچنین و پسران ایشان گویند که این طایفه از اولاد اسحق اند علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله وسلامه عليه اعظم الناس نصيبا في الاسلام اهل فارس
مفهوم حدیث و العالم عند الله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

آثار صلف و نظام رضی هنهم

حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: و العلم عند الله ترجمه
این است بدرستی که خدایا بخراسان شهریست که آنرا مرو گویند اسس آن
ذوالقرنین کرد و عزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جو بهاء آب روان نهاده
وزمین آن گشاده بر هر دری از دره‌های آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر
بلار اتار و زقیام ساعت. و بدرستی که خدایا بخراسان شهریست آنرا طالقان گویند چه
گنجها است در آن شهر، لا از نقره و زر لکن مردان ایمان دار، دین پرور، ایشان در مصلی
بطاعت قائم و خلق در بستر نائم. و بدرستی که خدایا بخراسان شهریست که آنرا اشاش
گویند قایم او در حجرات و نام در جامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون است در
راه خدای بطلب ثواب. و بدرستی که خدایا بخراسان شهریست که آنرا بخارا گویند
و چه مردانند بیخارا ایمن از فریاد هنگام فتور، ساعه اندوه خندان از سرور، خوش
باد بخارا را اطلاع فرمایند: خدای تعالی برایشان هر روز اطلاعی پس بیامر زهر کس
را که خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هر که توبه کند از ایشان. و بدرستی که
خدای تعالی را بخراسان شهریست آنرا سمرقند گویند بنا نهاد آنرا شمر بن برعش در
گذرد خدای تعالی از گناهان ایشان و قبول کند فریاد و اندوه ایشان منادی می کند
بایشان هر شب منادی خوش باد شما را و خوش باد شما را جنة عیش خوش و گوارنده
باد سمرقند را، و هر که را در حوالی اوست ایمن آید از عذاب خدای تعالی در روز
قیامت. اگر فرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه عليه، پس فرمودند حضرت

امیر المؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی الله عنه که ای ابن کوا چندست میان فوشنج و هرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست يك ميل و کم نیست يك ميل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة اللہ علیہ بعد از آن فرمود بدرستیکه خدای تعالی را بخراسان. شهر است آنرا طوس گویند و چه مردانند بطوس مؤمنان در میان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او و احیا کنند سنت نبی او صلوة الله و سلامه علیه. و بدرستیکه خدای را بخراسان شهر است آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان. بدرستیکه خدای را بخراسان شهر است آنرا جرجان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیر است آبهای او، وسیع است بر خوردن گان مایه های او، او امر خدا را متر صد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی که خدای را بخراسان شهر است آنرا قوس گویند و چه کوهها است بر جوانب قوس. و بدرستیکه در قوس اعتبار و منزلت است ارباب الباب را.

و امام شعبی رضی الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان

و عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت چون برون آید علماء سپاه از خراسان آن

مار است اهل البیت.

و روایت است از شریک بن عبدالله که او گفت خراسان کنانه خدای است

عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدای تعالی بر قومی تیرزند

ایشان را بکنانه خویش و عبدالله مبارک گفت که بیرون نیامد از

خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش از آنکه فتح و نصرت یابد و

امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که بدرستیکه مر پدر ما ابراهیم را علیه السلام

نشانهها بود در کوهها خراسان، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنا نهاد، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی از کدام شهری گفت از اهل خراسانم گفت از کدام شهری گفت از هراته گفت از کدام موضع هراته گفت از فوشنج گفت مرا ابراهیم را علیه السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج. پس از درختی که نزدیک مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت بر حال خودست. فرمود که پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه مرا گفت که بسیار در سایه آن درخت چاشتگاه خواب کرده ام.

ذکر فضائل نیشابور شیخ ابن جریر از کبار تابعین فرمودند که بهترین

خراسان نیشابور است پرسیدند که برای خود فرمودید گفت بل که شنیده ام در حدیث، امام حاکم فرمود این آن حدیث است که مروی است از ابن مخارق عن النبی صلوٰة الله وسلامه علیه: قال خیر خراسان نسابور و روایت است از شیخ ابراهیم بن طهمان و ایشان نیز از کبار تابعین اند که خیر خراسان نسابور است و شیخ عبدالله مؤذن نسابوری رحمه الله گفت حضرت خواجه را صلوٰة الله وسلامه علیه بخواب دیدم که فرمودند که من این انت از کجائی تو، گفتم از نسابور فرمودند صلی الله علیه وسلم نعم البلد نسابور. نیک شهر است نیشابور

ذکر صحابه کبار رضو الله علیهم
رسیده اند یا گذشته اند یا ساکن شده و روضها،
مبارک ایشان آنجا است: قال صلوٰة الله وسلامه علیه
به نیشابور

مامن احد من اصحابی يموت بارض الابعث
قائداً او نورالهم يوم القيامة: العلم عند الله فرمودند که نیست هیچ یکی از اصحاب
ما که فوت شود در زمینی مگر که برانگیزند او را پیش رو اهل آن زمین یا نور ایشان
روز قیامت. راوی راشک است که قاید فرمودند یا نور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند
فرود آمده اند به نیشابور آمده اند در رفتن و آمدن و یارفتن یا آمدن .

اول- ابوالفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف عم حضرت خواجه
ماصلوة الله و سلامه علیه و حاصل قصه ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند
واز دیار مکه بخراسان میآمدند و اجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان
بهراته و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر
درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی را دید از خراسان گفت از
کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (؟) است
میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه
کردم و فرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه میبرد ابن منخلد میگوید که
شیخ من بمکه مرا گفت کسی را دید جامه های عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست
گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از ایشان پرسیدم که این
جامه از کجاست فرمود که بهرته بودم از آنجا آوردم این جامه هارا

صحابی دیگر: بریده بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ماصلوة الله
و سلامه علیه از غزاه بدر مراجعت فرمودند او اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک
حصارک مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی
صلوة الله و سلامه علیه فرمود یا بریده: انه سيبعث بعدی يعوث فاذا بعثت تلك البعوث فكن
فی بعث المشرق ثم كن فی بعث خراسان ثم كن فی بعث ارض يقال له مرو فاذا اتيتها فانزل
مدینها فانها بناها ذا القرنین و صلی فیها عزیزانها تجری بالبركة علی کل باب منها
ملك شاهر هاسیقه يدفع السوء عن اهلها الی یوم القیامه . مفهوم حدیث و العلم عند الله

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش در لشکر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشکر زمینی که گفته میشود مر آنرا مرو پس چون یسائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیز جو بهای آن می رود بیرکت. بر هر دری از آن ملکی است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت. و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله و سلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عند الله بریده چاریک اسلام است و مؤید این حدیث است آنج روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از مکه هجرت فرمودند با امیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریده آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما جو بر نبی آمد و پی روی کرد باین بی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بر وی تافت و اسلام آورد و چون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله و سلامه علیه او را ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه در نیائیم مگر با علمی و جامه خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مر کب حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریده بود رضی الله عنه و ارضاه و بریده و این قصه و بودن او در خراسان فضلة و مفاخرة است اهل خراسان را

و روایت است که خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مرا او را یا بریده لایکل بصرک ولا یذهب سمعک انت نور الاهل المشرق مفهوم حدیث و العلم عند الله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نور و سمع تو و تو نور ای اهل مشرق را وصیت کرد که چون فوت شود او را بر میان راه جاده دفن کنند و چون قبر کنند و لحد ساختند از همه جوانب دیوارها و لحد در هم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده بر میان راه گذر روضه او مرتب کردند رضی الله عنه

صحابی دیگر - عبدالله بن حبیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی الله عنهما
 صحابی دیگر: الحکم عمر و الغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن
 ابی سفیان حکم را بر مال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه با کفار جهاد کرد و
 غنیمت‌ها بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمت‌ها بسیار بسیار گرفتم معاویه با او
 نوشت که نیک بنگر هر ج از صفرا و بیضا یعنی زرو نقره یابی همه را با امیر المؤمنین
 بفرست و باقی بر لشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کرد و گفت
 حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهاد دست
 مگر خمسی که از آن سادات و دیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حتی
 نمی بینیم حکم رضی الله عنه بمعاویه نامه نوشت که نامه تو با کتاب خدای عرض کردم
 موافق نبود متابعت کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه بر لشکر
 قسمت کردم معاویه فرستاد تا او را حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته
 شد و در آن فوت شد بوقت وفات وصیه کرد که او را با سلاسل و بند دفن کنند تا مخاصمه
 کند با معاویه روز قیامت که او را برای چه امر بند کرده است و او را پهلوی بریده
 دفن کردند چنانکه میان ایشان یک ذراع یش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیه بن عمر و الغفاری برادر حکم که ذکر رفت و او نیز مدفونست
 بمر و نزدیک برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابو زرد اسلمی رضی الله عنه و نام او گفته اند عبدالله و ساکن
 مدینه می بود از آنجا بصره آمد بس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او
 اولاد او مروانند بدرستی که روایت است که به نیشابور فوت شد اینجا آسوده است
 رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم

بود کرم الله وجهه سه مقدمه علم نحو از ایشان تعلیم گرفت و علم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت و اقوام دیگر بس این علم منتشر، ختخام را بمر و اولاد و آثار است.

صحابی: العباس بن عباس السلمی الشاعر باحضرت صلوة الله وسلامه علیه صحبت داشت و او را در مر و فرزندان بودند

صحابی: اقرع و ورقه پسران حابس تمیمی.

صحابی: محقر بن اوس باحضرة صلوة الله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت.

صحابی: قاسم بن عباس بن عبدالمطلب با لشکر اسلام بغزا بخراسان آمد و بالمر المؤمنین حسن کرم الله وجهه برادر رضاعی بود و او بمر قند فوت شد و او را بحضرة صلوة الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسر عم بود.

صحابی دیگر: اس بن ثعلبة التمیمی باسعید بن عثمان بغزا بخراسان آمد

صحابی دیگر: کعب بن عتیه او را بمر و اولاد بود

صحابی: عبدالله بن خازم سلمی والی نسا بود از جانب عبدالله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم قوی بودند و هاقین.

صحابی: ابو عمرو انصاری در مر و در قریه بایشان ساکن شد و او را اولاد بودند علما و فقها

صحابی دیگر محمد مولی حضرت خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه و از مر و بود تجارت میکرد نام او ماناهیه بود مجوسی نمودی خود را ناگاه نام حضرت ما شنود صلوة الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد صلوة الله و سلامه علیه او را محمد نام نهادند و مولی حضرت شد صلوة الله و سلامه علیه و سلمان بمر و مراجعه

کرد و در مقابل در مسجد جامع مر و سرای او بود

امام حاکم فرمود که آنجی بما رسید از صحابه که این دیار بقدم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد .

ذکر بزرگان کی بنسایبور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند

فایده - هر کس که با ایمان در بیداری حضرة خواجه مصلوة الله و سلامه علیه را دید او صحابی است و آنها که با ایمان صحابه را در یافتند اما خواجه ما را صلوة الله و سلامه علیه ندیدند یا دیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعه را تابعین خوانند . کعب اخبار در زمان خواجه ما بود صلوة الله و سلامه علیه اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند و کسانی که این جماعت بزرگان را در یافتند اما تابعین را ندیدند ایشانرا اتباع گویند تابعین قرن دوم اند از صحابه - تبع تابعین قرن سیم اند از صحابه - اتباع قرن چهارم اند از صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن قیس سعیدی . امیه بن اسعد خزاعی . اسلم بن ذرعه . اس بن ودیعه . ارقم بن ارقم . در زلزله نسابور بر حمت خدای منتقل شد . بسرین جلال عدوی . بکر بن باعر کوفی . بشیر بن بحیی . از علما تابعین بود . و از نسابور بود بمر و ساکن شد ، ثمانه بن عبدالله بن انس بن مالک رضی الله عنه . جعد بن هیرة مخزومی حضرة امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرة ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت جاریه بن بدر بنسایبور فوت شد و مدفن مبارکش اینجاست ، خراج بن عبدالله الحلمی ابن سعید البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیه ابوسعید و کنیه ایبه ابوالحسن از تلامذه و تربیه یافته حضرة امیر المؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم الله وجهه. الخثر بن عمرو الکیدی، الحکم بن کثیر الحارث المازنی
 حذیر بن المبذر، حجاج بن الثقفی، خلد بن عبدالله خلد بن الاسلمی داود بن عمان بن
 حبیب. ابوسلیمان النیشابوری عالم حدیث از انس بن مالک استفاده کرد. الربیع بن
 انس بن مالک بمرو ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید بن الحواری البصری
 قاضی هراة، زیاد بن ابی عمرو والتابعی، سعید بن امیر المؤمنین عثمان بمدینه متولد شد
 وبالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسابور آمد
 و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن
 السلیمان البصری، سلیمان از اولاد حبیب الاسلامی، سالم الخراسانی و او از
 نیشابور بود، سلیمان بن ربیع - شهر بن حوشب، صلت بن ایاس، سفرة بن حمید
 ضحاک بن مزاحم، طلحة بن ایاس البصری، طلحة الطلحات، بالشکر سعد بن عثمان
 بود رضی الله عنه بنسابور آمد عبدالله بن بریده بن خضیب الاسلامی، عبدالله صامت
 و این صامت پسر برادر ابی ذرغفاری بود رضی الله عنه، عامر بن شراحیل الشعبي
 همدانی، علقمة بن تیس النخعی از ملازمان تلامذه حصرة امیر المؤمنین علی کرم
 الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطاب بن ابی السایت المکی، عمرو بن عبدالله
 الهمدانی، عمرو بن سالم الانصاری، عمرو بن مسلم عمرو بن عبدالله عکرمه، مولی
 عبدالله عباس مدتی در نیشابور فتوی او داد، عباد البصری، علی بن احمر، غیاث
 بن عبدالله از کبار الصحاب امیر المؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة بن دنیا
 و قتیبة بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد بن واسع البصری
 الزاهد مهلب الاردی، مغیره بن عبدالملک، مشعث بن طریف، مروان بن عبیدالله
 النیشابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیمان البلخی، منصور بن
 عبدالحمید الخراسانی، نصر بن عمران نافع، مولی عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهار العبدی ، وهب بن منیه ابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیه از هراة بودند کسری ایشان را جلا کرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن عامر ، لاحق بن حمید ، یحیی بن یعمرقیه ادیب از کبار تابعین بود ، ابن حمید البصری ، یحیی بن عقیل البصری ، یزید بن المهلب و الی بود هر یک از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده اند

ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها

اوسکنها او حدث بها

من علماء الاسلام: ابراهیم بن طهمان بن سعید الفقیه الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت و مجاور شد آنجا برحمت حق منتقل شد رضی الله عنه وارضاه ، ابراهیم بن مرء بن بصر بن انس بن مالک انصاری ، ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیشابور شد و اینجا وفات یافت ابراهیم بن سلیمان البلخی ، اسمعیل بن ابراهیم النیشابوری ، اسحق بن بشر الکاهلی ، ابو حذیفه البخاری اصل او از بلخ و منشأ او بخارا ، احمد بن ابی طیبه الجرجانی ، اصم بن حوشب الخراسانی ، اصم بن غیاث النیشابوری مسجدی فی محله الزمجار اسدین عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان ، انس بن عیاض المدنی ، بنار بن قیراط النیشابوری ، بکر بن معروف النیشابوری ، سنه ثلث و ستین و مائه وفات یافت ، جعفر بن الحارث جبارود النیشابوری ، حسن بن محمد القاصی ، حسین الولید شیخ شهر بود در نسابور سنه ثلث و مائتین برحمت حق پیوست ، حسین بن داود البلخی حماد بن سلیمان الفقیه النیشابوری مسکنه بمحله قرمخص بن عبدالرحمن النیشابوری ، حفص بن سالم السمرقندی ، حجاج بن ارطاة الکوفی ، عییب بن مهران النیشابوری ، الحکم بن عبدالله البلخی خارجه بن مصعب السرخسی ، اود بن سلیمان الجرجانی داود القشیری ، زافر بن سلیمان القهستانی زهیر بن محمد

نسابوری سکن مکه و المدینه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان نسابور رسید
 وقت رفتن بیخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمان بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که
 این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعید بن سالم بن قتیبه چون جد
 والی نسابور بود ، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید
 النیسابوری ، عبدالله بن مبارک امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن
 عبدالرحمن النیسابوری ، عبدالله بن و اقدالهروری ، عبدالله بن عبدالرحمن عیبالله بن
 محمد النیسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبدالرحمن بن مسلم ابوقتیبه ،
 ابومسلم عبدالرحمن حاجب الدوله عبدالرحمن بن عبدالله النسوی قاضی نیشابور ،
 عبدالرحمن عماد النیسابوری ، عبدالعزیز بن ابی رواد ، عبدالعزیز المروزی ،
 عبدالملک الاصمعی

اما اهل اللغة عمر بن هارون البلخی ، عمر بن الرماح ، ابو عبدالله عمر القاضی اصل
 او از بلخ بود اما عبدالله نسابوری امت ، عمر بن قیراط النیسابوری ، عیسی بن موسی
 البخاری ، عیسی بن ابراهیم القرشی ، عیسی بن نصر الله السرخسی ، ابو عامر النیسابوری ، عامر
 خدش النیسابوری ، عینه بن عبدالرحمن اللغوی ، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی
 المروزی ، قتیبه بن سعید البغلازی در نسابور مقیم شد عینه قجده بن سلیمان البصری و در نسابور ،
 کتانه بن حليلة الهروی و گویند پیوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد
 بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی . توفی بیغداد ، محمد عبدالرحمن المقری ،
 معمر بن حسین الهروی ، معروف بن حسان ، مورخ بن عمر و البصری اقام نیشابور ابو سهل
 نصر النیسابوری ، نصر بن عبدالکریم النیسابوری مکی بن ابراهیم البلخی ، مجیر بن مخدم
 در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان از علماء
 نسابور بود ، مسکن او در کوچهر امین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

بلقباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسى القاضى واد از خراسان بود در اصل بسى شكى و گویند که از نسابور بود و لید بن سلمه الازدى از اهل طبرستان بود، هباح بن بسطام التمیمى الهروى اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفون مذکور نیست اما یحیی بن صیحح النیسابورى معلم قرآن اول معلمی که در نسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد و مسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معربکه رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا بر سر قبر ایشان مستجاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیته ابو زکریا معلم قرآن بود بنیساپور متولد شد اولاد در نسابور مدفون اند در معیره، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه
 ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری
 سکن بیغداد، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن نیشابور و
 توفی بها، ابراهیم بن مخلد الکبیر، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی و یقال له الحمال،
 ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعری، ابراهیم بن سالم ابو خالد النیسابوری، ابراهیم بن
 زید الاسلمی النیسابوری، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی
 السان الطالقان و یقال المروزی، ابراهیم بن ابی صالح و ابو صالح اسمه هاشم بن
 عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نیشابور و توفی بها، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل
 مدینه و رد بن نسابور و استوطنها و توفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم
 بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری، ابراهیم بن منصور ابواسحق،
 ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابوری ابراهیم بن
 مهد البزاز البصری امام بن نسابور، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملحمش النيسابوري ، ابراهيم بن عامر الانصاري ، ابراهيم بن الايوب النيسابوري ، ابراهيم
 بن عثمان النيسابوري ، ابراهيم بن سليمان الخياط النيسابوري ، ابراهيم عبدالرحمن البصري
 نزيل نيسابور ، ابراهيم بن الفضل ابواسحق النيسابوري ، ابراهيم ابن الفضل يحيى
 النيسابوري ، ابراهيم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقيه ، ابراهيم بن الحصين بشر النيسابوري
 ابراهيم بن حرب ابواسحق النيسابوري ، اسمعيل بن ابراهيم بن الوليد الاسفرايني ،
 اسمعيل بن الفضل ابو ابراهيم قاضي جرجان يعرف بالشالجي ، اسمعيل بن
 الحجاج ، اسمعيل بن حميد النيسابوري ، اسحق بن محلد بن مطر الحنظلي ابو يعقوب
 راهومه سكن نيسابور و توفي بها و قيل اصله مروزي وقيل هروي و لكن مات
 بنيسابور قاله عبدالله طاهر لم قيل لك راهويه و مامعناه قال انا ولدت في طريق مكة
 فمالت المرارزه راهويه لانه ولد في الطريق و كان ابي يكره هذا ولكن انا ما اكره ، اسحق بن
 منصور بن بهرام الكرخي مولده بمرو و منشاؤه بنيسابور و توفي بها ، اسحق بن ابراهيم
 بن يحيى العفصي ، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرير السلمى المعروف بالحشل النيسابوري
 اسحق بن حكم بن ابي خديجه المهار النيسابوري ، اسحق بن ابراهيم السمي النيسابوري
 اسحق بن نعيم النيسابوري ، اسحق بن موسى عبدالله بن يزيد الانصاري وارد بنيسابور ،
 اسحق بن الصباح ابو محمد التاجر النيسابوري ، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النيسابوري
 احمد بن عمرو بن سعيد الحرش النيسابوري ، احمد بن ازهر بن بنيع العبدى ابو الازهر
 النيسابوري احمد بن احجم الخزازى ابو الحسن المروزي سكن بنيسابور و توفي بها ،
 احمد بن ايوب ابو ذر العطار النيسابوري من المدينة الداخلة ، احمد بن ابراهيم البرمقي ،
 احمد بن ابراهيم حرب بن يزيد ابو عبدالله القرشي ، احمد بن بكر النيسابوري ، احمد بن
 جواد بن قطي الكثيرى النيسابوري ، احمد بن حواس ابو جعفر الاستوايى ، احمد بن حفص بن
 عبدالله بن راشد السلمى النيسابوري ، احمد بن الحكم بن سان السلمى النيسابوري احمد بن

حریس ابو محمد القاضی نیشابور و هراة ، احمد بن حرب و هو سهل بن فیروز و قیر و زهو
 عبدالله الزاهد النسابوری قال یحیی بن زکریا بن حرب ، سمعت ان تقول توفی ابی
 حرب بن عبدالله الاصفهانی نیشابور سنه ثمانین و مائه و خلف محمدا و السه لیسع و احمد
 لاربع سنین و ولدت اما بعد و فاته ، احمد بن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذی صاحب امام
 احمد بن حنبل ، احمد بن حمزة النسابوری احمد بن حاج بن القاسم العامری وله مسجد فی
 نیشابور ، احمد بن الخلیل ابو علی البغدادی التاجر سکن نیشابور و توفی بها ، احمد بن
 حواس بن محراق السمی النسابوری ، احمد بن خالد بن حماد الدنبلی توفی نیشابور ، احمد بن
 خالد بن عبدالله ابوبکر النسابوری ، احمد بن سنان القشیری ابو عبدالله الخرقنی و خرقن
 قریة علی باب مدینه نیشابور ، احمد بن سعید بن صخر ابو جعفر الدارمی ولد بسر خس و نشاة
 نیشابور و توفی بها ، احمد بن سلیمان القری النسابوری شیخ قدیم من محلقة قز ، احمد بن
 ستار ابو الحسن الفقیه المرزوی ، احمد بن عبدالله الحمیری النیشابوری و کنیته ابو جعفر ،
 احمد بن عاصم ابوبکر صاحب ابی عیید نیشابوری ، احمد بن عبدالله بن و افدا ابو الید الپروی ،
 احمد بن علی بن حمومه النحوی النیشابوری ، احمد بن عمر و ابو سعید القهنتذری النیشابوری
 احمد بن عبدالرحیم الازدی النسابوری ، احمد بن عمر بن عبدالله الفراری ، ابوبکر المرزوی
 ولی قضا نیشابور ، احمد بن عمر بن ربیع الحرسی النیشابوری ، احمد بن عبدالوهاب بن
 حبیب بن مهران العبدی ، ابو محمد النسابوری ، احمد بن علی بن سعید السرخسکی
 النسابوری ، احمد بن عمیر النسابوری ، احمد بن العباس بن منصور النسابوری ، احمد بن معاذ بن
 عبدالله السلمی النسابوری احمد بن منصور بن راشد الحنظلی ابو صالح المرزوی و اقام
 نیشابور ، احمد بن منصور النسابوری ، احمد بن محمد بن یوسف البلخی کتب عنه نیشابور
 احمد بن مسلم الزاهد النسابوری کنیته ابو مسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف
 بالمعاذ النسابوری ، احمد بن مخلد ابو شجاع العیدلانی النسابوری ، احمد بن محمد بن

سعید الفراری النسابوری، احمد بن محمد بن المهلب بن همام النسابوری، احمد بن نصر بن
 زیاد القرشی ابو عبدالله المقری، احمد بن یوسف ابو الحسن السلمی النسابوری، احمد بن
 یحیی بن الصباح بن اخی سعید بن الصباح النسابوری، ایوب بن الحسن ابو الحسن الفقیه
 الزاهد مسجده ومسکنه بنصر آباد ولمجده کرامات مروته محترمه قبره فی رأس میدان
 زیاد، ایوب بن منصور النسابوری، اسلم بن سلیمان النسابوری، اشرف بن محمد القاضی
 ابو سعید قاضی نیشابوری من اصحاب ابو یوسف القاضی، اسد بن عماد بن عبدالله العتکی
 اسد بن عبدالله المرابطی النسابوری، اسد بن موسی الفقیه النسابوری، ازهر بن حبیب
 النسابوری، اسد بن نوح صاحب خراسان، اسود بن ابی الاسود النسابوری، بشر بن الحکم
 بن حبیب بن مهران العبدی ابو عبدالرحمن النسابوری، بشر بن ابی الازهر القاضی
 النسابوری و ابو الازهر نزیل بنسابور وهو من اعیان علماء کوفه، بشر بن القسم بن حماد
 النسابوری بسرین، سهل بن موسی النسابوری ابو سهل العباد، بشر بن یحیی السکری
 ابو احمد المرزوی، بشر بن حفص بن یحیی الفقیه النسابوری، بشر بن محمد العاری المطوعی
 النسابوری، بشر بن هاشم ابو سهل السجستانی، بشر بن عیسی النسابوری، بکر بن جذاش
 اخو عامر بن جذاش النسابوری، بدیل بن محمد الاسفرائینی، جعفر بن محمد عروة النسابوری
 جعفر بن عیدالله الفزوی النسابوری، حسن بن عیسی سرخسی، ابو علی مولی
 عبدالله المبارک و کان نصرانیا ثم صار امام المسلمین، الحسن بن ابی عیسی
 و ابو عیسی موسی بن میسرة الهلالی النسابوری الحسن بن عبد الصمد بن عبدالله
 بن رزین السلمی ابو سعید النسابوری، الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبد رب
 السلمی النسابوری، ابو علی قاضی نیشابور، الحسن بن هارون بن المعیره بن
 فرقد التمیمی النسابوری، الحسن بن سهل اخو جعفر بن سهل المذکر، الحسن
 بن شجاع بن رجا ابو علی البلخی الحافظ، الحسن بن عمرو بن عبدالله بن معاذ

حماد بن هرون النسابوري ، الحكم بن المبارك النسابوري ، الحكم بن حبيب بن
 مهران العبدى النسابوري ، الحكم بن عبدالله الحارودي النسابوري ابو الفضل
 حامد بن ابي حامد المقرئ النسابوري ، حامد بن عبد الوهاب الاسفرايني ، حمدان
 بن خالد ابو العباس الفرسى النسابوري ، حمدان بن محمد بن عبد العزيز بن سلام النسابوري
 حجاج بن مهاجر ابو يوسف البصرى نزيل نسابور حجاج بن مسلم القشيري ، ابو مسلم
 الام النسابوري وتوفى ومسلم كان صغيراً ، حاتم بن يونس الجرجاني اقام نيسابور
 برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطيب الكشي حدث نيشابور ، حميد بن رنجويه
 النسوي ، ابو احمد محدث كثير الحديث ، حسويه بن كيسان اخو محمد بن كيسان
 النيشابوري ، حسين بن حشام الحرسي النيشابوري ، حسوبه بن عبدالله النيشابوري
 ابو علي اخو حسين المرتفع ، حسن بن عبد الرحيم الرتكى الزاهد ، ابو عبدالله المطوعى
 النيشابوري صاحب الصومعة والمسجد اللذين يتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن غثن
 النيشابوري ، خاشد بن اسمعيل البخارى ، حرى بن محمد بن يوسف البلخي ، خلد بن
 حماد بن عمرو بن مخلد بن مالك وهو الخخام روى عنه احمد واحمد عندنا مدفون بنسابور
 خلد بن يزيد بن الخلد البلخي النيشابوري ، خشنام بن الصديق النيشابوري ومسكنه
 رأس مکه عمار فى سكه معتيا باد ، خشنام بن عبد الرحمن النيشابوري المعتيا بادي ،
 خشنام بن عبدالله بن ابي زياد النسابوري ، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحكم النسابوري
 ابو سعيد السلمى ، خليل بن محمد بن عبد الرحمن النحوى ابو محمد النسابوري ، خلف
 بن عبدالله العنبرى الهروى حدث نيشابور ، خلف بن ايوب العامرى ابو سعيد البلخي فقيه
 اهل بلخ ، حدائش بن عمرو ابو عامر النسابوري ، داود بن محراق الفاريابي ، داود بن مجد بن
 مخدم ابو سليمان قيل ولد بنسابور و مات ببغداد ، داود بن ابراهيم النسابوري ،
 داود بن على بن خلف الفقيه الاصبهاني اقام بنسابور مدة ، داود بن سعيد ابو سليمان

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشاپور،
 الحسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد ابو جعفر المدفون مقبره مولقباد الذی یزار
 ویرجا اجابت الدعاء، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن
 ایوب ابو علی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن
 عبدالرحمن ابو علی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد اد الخزاعی النسابوری
 الحسن بن مهاجر ابو الحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری
 الحسن بن مسلم ابو علی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابو علی الزجاجی
 النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسن بن منصور السلمی ابو علی النسابوری
 الحسن بن جریر بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسن بن عمارة المقری
 النسابوری، الحسن بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابو علی الکوفی امام
 عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نسابور و سکنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسن بن
 معاذ، الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسن بن علی النسابوری
 المشهور بابی علی المرتفع، الحسن بن ضحاک بن عبدالرحمن ابو علی القرین النسابوری
 الحسن بن عیسی بن حمران ابو علی البسطامی کان من کبار المحدثین سکن نسابور
 وتوفی بها، الحسن بن عبدالله بن محمد ابو نصر النسابوری، الحسن بن حرب، الفقیه
 النسابوری، اخو احمد بن حرب الزاهد، الحسن بن سلم ابو علی القرین النسابوری،
 الحسن بن عمرو بن ابو علی الصانع النسابوری، الحسن بن منصور بن ابراهیم بن
 عبدالله ابو محمد النسابوری، الحسن بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله
 بن راشد ابو عمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر والقصیر النسابوری، حفص
 بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماد بن سلیمان النسابوری،
 استاد احمد بن حرب، حماد بن موسی النسابوری، اخو مسرور بن موسی القرا،

النسابوري ، داود بن عدى الطوسى ، رجاء بن السندى النسابورى ، ابو محمد الأسفراينى
 ركن من اركان الحديث ، رجاء بن عبد الرحيم ابو المصا القرشى الهروى ، رجاء بن
 اسد النيسابورى ، رجاء بن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبد الرحمن ابو محمد المنسوب
 اليه ميدان زياد ، زكريا بن حرب النسابورى ، ابو يحيى اخو احمد حرب زكريا بن
 يحيى بن يحيى النسابورى ، ابو محمد التميمى ، زاهر بن بجر النسابورى ، زنجويه بن
 عبد الرحمن العابد النسابورى و يقال له زنجويه الحيرى من محلة الحيره ، زيد بن ابى
 موسى النسابورى ، سلمين بن ابى مطر المطوعى النسابورى ، سليمان بن مطر النسابورى
 اخو قتاده ، سليمان بن بجر بن معاذ النسابورى الزهلى ، سليمان بن داود بن بكر ابو داود
 النسابورى الحفاف ، سليمان بن داود بن شعيب كيسان النسابورى ، سليمان بن محمد بن
 ابى داود النسابورى المستملى ، سليمان بن عمر بن الحسى النيسابورى ، سليمان بن
 خلد بن يونس الكاتب ابو داود النيسابورى ، سليمان بن الاشعث ابو داود السجستانى
 امام اهل عصره بلا مدافعه وكان مقيماً بهراة وتوفى ببصره ، سليمان بن عبدالله البكرى
 النيسابورى ، من محله قز ، سليمان بن مسلم بن الحسين بن معاذ النسابورى ، سليمان
 بن عبدالله العامرى النسابورى ، سليمان بن سعد القرشى النسابورى ، سعد بن يزيد
 للفرا النيسابورى اختلفوا فى كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزى ، سعيد بن
 عبد الرحمن هوالى ال الجرود النسابورى و يقال سعد الحيرى من محلة حيره ،
 سهل بن مهران ابو بشر البغدادى نزيل بنسبور ، سهل بن بشر بن القاسم الققيه النسابورى
 ابو القاسم و يلقب بسهلويه ، سهل بن عمار بن عبدالله العتكى النسابورى ، سهل بن عمان
 النسابورى المعروف بالسخرى ، سهل بن اسلم النسابورى ، سهل بن عبد العزيز بن موره
 الصنائى ، سعيد بن الصباح اخو يحيى النسابورى المنسوب اليهما الخان والمحلّه :
 سعيد بن محمود ابو الطوسى نزيل نيسابور ، سعيد بن ابى سعيد البلخى قوم بنسبور

جاجا، سعید بن اشکاب الساسی حدث بنسابور، سعید بن مروان البغدادی ابو عثمان
 ويقال الرهازی سكن بنسابور و بهامات، سعید بن سام بن قتیبه بن مسلم والی نیشابور،
 سعید بن صالح النسابوری، سعید بن عبدالرحمن الجارودی النسابوری، سعید بن یحیی
 الکریزی البصری، سعید بن منصور ابو عثمان النسابوری و يقال الخراسانی و يقال
 الجورجانی و يقال البلخی، سعید بن النصر ابو النصر النسابوری، سامه بن شعب النسابوری
 ابو عبد الرحمن المستملی، سلم بن الحرود بن یزید النسابوری، سلمه بن بشیر
 النسابوری، السری بن عطیة التمیمی النسابوری، السری بن نصر ابو سهل النسابوری،
 السری بن خزیمه بن معویه ابو محمد الایوردی و توفی بایورد، ساسان بن الحسین
 ابو کسری الخراسانی، سختویه بن مازیار النسابوری، سختویه بن الجنید ابو عبدالله
 الجرجانی، شبل بن عبدالرحمن الادیب النحوی النسابوری. شداد بن حکیم البلخی
 حدث بنشابور شریک بن عبدالله النخعی القاضی و لد بدخراسان و قیل بنشابور، شریح
 بن عقیل بن رجا ابو عقیل السیهقی، شوکر بن عبدالله الاسفرائینی، شغم بن اصیل ابو احمد
 العجلی النسابوری وهو من رستاق ارغیان، صالح بن یونس ابو حاتم النسابوری، صالح
 بن جناح ممن ادرك الاتباع بلاشک، صالح بن محمد بن حبیب بن ابی الاشرنین الحافظ
 ابو علی البغدادی و توفی بخارا، طاهر بن الحسین بن مصعب بن دریق بن شادان الخزاعی
 ابو طلحه ذوالیمینی والی خراسان، طاهر بن سعید المقری النیشابوری، ابو القاسم
 طاهر بن عبدالله بن عطا الامیر و توفی بنشابور يوم الاثنين من رجب سنه ثمان و اربعین
 و ماتین و دفن من العذ، طیفور بن عبدالله النسابوری ابو الطیب المؤمن، عبدالله بن حسان
 ابو عبد الرحمن الطوسی ولد بها و بنشابور نشر علمه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
 جعفر الیمان المسندی ابو جعفر البخاری، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابی داود العتکی
 المروزی، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشید الرشید امیر المومنین، عبدالله بن مهران

الطبيسي ابو محمد عبدالله بن الجراح القهستاني ابو محمد سكن بنسا بور و بها انتشر علمه
عبدالله بن يوسف بن خرشيد الدورى النسا بورى و دور قرية على باب نيشابور، عبدالله
بن محمد عبدالرحمن المقرئ النسا بورى ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام
السمرقندى، عبدالله بن عبدالوهاب تميمى ابو محمد الخوارزمى اقام نيسابور، عبدالله بن محلد
التميمي النسا بورى ابو محمد النحوى ، عبدالله بن يونس ابو محمد النسا بورى الفقيه ،
عبدالله بن محمد الدقيقى النسا بورى ، عبدالله بن عمر بن الرماح القاضى النسا بورى،
عبدالله بن محمد برهاني ، ابو عبدالرحمن النحوى النسا بورى، عبدالله بن محمد بن عبدالله
النسا بورى ، عبدالله بن ابراهيم المرزى حدث بنشا بور، عبدالله بن مهدي العامرى
ابو محمد النسا بورى، عبدالله بن طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق الخزاعى ، ابو العباس
الامير العادل ووفاته بنسا بور قدم اربع تسعة بنين له من سبعة عشر : عبدالله بن ابراهيم
الشنفاضى النسا بورى : عبدالله بن يونس النسا بورى، عبدالله بن سعيد بن جعفر الجعفى
البخارى حدث بنسا بور، عبدالله بن محمد ابو الطيب المكفون الفقيه النسا بورى، عبدالله بن
خالد بن فارس الدينلى النسا بورى، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الماللى النسا بورى
عبدالله بن سنان الهروى صاحب ابن المبارك . عبدالله بن حماد ابو حامد القهندرى
النسا بورى. عبدالله بن محمد بن رباب النيسابورى ، عبدالله بن ابى نجيح النيسابورى ،
عبدالله بن ابراهيم ابو محمد الخشاب المعروف بالبصرى وهو نيشابورى عبدالله بن عرامه
الساسى حدث بنشا بور، عبدالله بن الحارث ابو محمد الصنعانى طرطرى على رساتيق بنسا بور
مثل جوينى واسفراينى ويهقى وبشتى، عبدالله بن سعيد بن يحيى بن ابراهيم الشكرى السرخسى
الا ان رواية واصحابه بنيشابور و مسكنه بنيشابور الى ان توفى : عبدالله بن محمد بن سليمان
المهاشمى حدث بنسا بور، عبدالله بن عبدالله بن ابى الهيثم عم ابى جعفر الترك و كان يسكن
دار الترك فى مسكه باذان ، عبدالرحمن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدى

النيسابورى ، عبدالرحمن بن علقمه ابو يزيد السعدى المروزى ، عبدالرحمن بن عمار
النيسابورى الشهيد و هو المنسوب الى مسكه عمار ، عبدالرحمن بن مسعود الجورجاني
حدث بنشابور : عبدالحميد بن عبدالله بن محمد بن هانى ابوهانى النيسابورى
عبدالوهاب بن منصور ختن الحسين بن عبدالله النيسابورى الترك ، عبدالوهاب بن حبيب
بن مهران العبدي النيسابورى ، عبدالوهاب بن الضحاک النيسابورى ، عبدالعزيز بن
يحيى ابو عبدالرحمن المدينى ، عبدالعزيز بن مسلب المروزى ابوالدردا ، عبدالعزيز
بن سليمان بن يحيى بن معادين مسلم النيسابورى عبدالجبار بن امان القرشى النيسابورى
عبدالرحيم النيسابورى ، عبدالصمد بن حسان ابو يحيى المروزى ، عبدالصمد بن مسعود بن
عبدالله بن زر بن السلمى النيسابورى ، عبدالصمد بن ابي مطر ابي بكر البلخى ،
عبدالسلم بن صلح بن سليمان بن ميسره ابوالصالح خادم على بن موسى الرضا ،
عبدالسلم بن نيشل بن سعيد النيسابورى ، عبدالخالق بن محمد بن القسم النيسابورى
عبيد بن سعد النيسابورى ، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزين النيسابورى ، عمر بن
عبدالعزيز بن سلام بن عبدالعزيز بن حبيب فيروز التميمى السعدى ، عمر بن عصام
بن سلم بن زياد النيسابورى ، ابو حفص المقرئ وكل القراديس مونه عمرو او هو عمر
عمرو بن عقبه الا ستوائى النيسابورى من رستاق استوا ، عمر بن سعيد بن دردان
التشيرى النيسابورى ، عثمان بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشى سكن
بنشابور و بها حدث الى ان توفى ، عثمان بن سعيد بن خالد ابو سعيد الدارمى ،
امير المؤمنين على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب
رضى الله عنهم الرضا ابوالحسين الامام الشهيد ورد بنشابور ، سنه مائتين فلما وافى
الرضا بنشابور واقام بهامدة والمامون بمروالى ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك
ما كان واستشهد بنشابور من طوس لتسع يمين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنه ثلث

و ماتين و هو ابن تسع واربعين سنة و تسعة اشهر و قال الرضا رضى الله عنه من زارنى على بعد دارى اتيته يوم القيمة فى ثلث مواطن حتى اخلصه من اموالها اذا نظايرت الكتب يمينيا و شمالا و عند الصراط و عند الميزان ، على بن ابراهيم البنانى المروزى ؛ على بن اسحق المروزى صاحبنا عبدالله المبارك ، على بن اسحق الحنطلى ابوالحسن السمرقندى من كبار شيوخهم ، على بن بشر النعمانخدى النيسابورى ، ابوالحسن على بن بكر البرنوذى الكبير على بن جرير ابوالحسن الايبوردى حدث بنشابور ، على بن الجرد بن يزيد النيسابورى ابوالحسن ، على بن جمعه بن هانى بن قنبر موسى امير المؤمنين على رضى الله عنه و هو ممن ولد بنشابور فان هانى سكنها عند وروده مع جعدة بن هبيرة و آل قنبر عندنا بنشابور بيت كبير و خطيبهم باب الرى ، على بن الحسين بن سفيق العبدى المروزى ، على بن الحسين بن عبدالرحمن بن يزيد ابوالحسن الذهلى النيسابورى شيخ عصره ، على بن الحسن بن موسى الهلالى النيسابورى وهو ابوالحسن الدرا بجردي والدرا بجردي مجلة متصله بالصخر آتى على البلد ، على بن الحسن الترمزى ابوالحسن ، على بن الحسين بن وافد المروزى ، على بن الحسين بن عبدويه البيهقى النيسابورى ، على بن الحسين بن الوليد القرشى النيسابورى ، على بن حجر بن اياس المروزى ، على بن الحكم المروزى و يقال له الملحكانى ابوالحسن على بن سلمه عقبه القرشى ، ابوالحسن الليقى النيسابورى ، على بن سعيد بن جرير ابوالحسن النسوى ، على بن عثمان بن على العامرى ، ابوالحسن الكوفى ساكن نيسابور على بن عيسى بن حرب البيهقى النيسابورى ، على بن قدامه بن سلمه النشابورى ، على بن مخلد بن شيبان النيسابورى ابوالحسن خطته مشهوره فى المربعه الصغيره سكه زنجونه ، على بن محمد بن آدم الذهلى النيسابورى ، على بن محمد بن معاويه النيسابورى على بن موسى بن خاقان النيسابورى ، على بن محمد الزباد ابادى النيسابورى و زياد

اباد قرية بيهقي ، علي بن نصر الوراق النيشابوري ، علي بن يعقوب بن صباح القس
 النيشابوري ، علي بن يونس البلخي حدث بنشابور ، عيسى بن جعفر ابو موسى قاضي
 الري ، عيسى بن ابي عيسى الدرايجردي النيشابوري ، عيسى بن حنان النيشابوري ،
 عمرو بن زرارة بن واقد ابو محمد الكلاني النيشابوري ، عمرو بن هشام بن زبير النيشابوري
 عمرو بن معمر العمركي النيشابوري ابو عثمان ، عمرو بن عامر بن الفرات ابو سعيد الذهلي
 النيشابوري ، عمرو بن مسلم ابو حفص الزاهد النيشابوري ، عمرو بن صالح المرزوي حدث
 نيشابور ، عمرو بن عصام الاستوايي ، عمار بن عبد الجبار ابو الحسن النيشابوري ، عاصم
 بن عصام بن منيع بن ثعلبة الشيري النيشابوري ، عاصم البخارزي النيشابوري ، عصمة
 بن الفضل الميري النيشابوري سكن بغداد ، عصمة بن ابراهيم الزاهد النيشابوري :
 عصمة بن ابان النيشابوري ، عامر بن شعيب النيشابوري يقال له الاسفنجي من قرية بارغيان
 من رستاق نيشابور ، عباس بن سهل ابو الفضل الميداني النيشابوري من ميدان زياد ، عباس
 بن الضحاک البلخي ، عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد رشد صاحب رسول الله النشابوري
 عقيل بن عمر بن بكر والي نيشابوري ، عقيل بن الهلال النشابوري ، عقيل بن يحيى النشابوري
 عمران سوار البغدادى تزيل نيشابور ، عمران بن سهل ابو سعيد النشابوري ، عمران
 بن علي الخزاعي النيشابوري : عتيق بن محمد بن سعيد الحرسي ابو بكر النيشابوري ،
 عبدان بن يوسف السلمى النيشابوري ، عبدان بن محمد بن الفضل النيشابوري
 غسان بن سليمان الهروي ، غسان بن محمد بن عبدالله بن سالم النيشابوري ، غسان بن
 عبدالله السلمى الصبري حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسيب بن موسى ابو محمد
 السران البيهقي النيشابوري ، فضل بن عماد التميمي النيشابوري و ملقب بيندش او
 ابن بندس ، فضل بن الحكم بن نصر بن عقيل العدل النيشابوري ابو العباس التاجر ،
 فتح ابن الحجاج ابو نوح الفقيه النيشابوري فتح ابن محمد بن عبدالرزاق التميمي

النيشابوري ، فتح بن نوح بن سنان راشد بن عبدالله العافري ابو نصر الشاهنبري محله في اعلى البلد ، فتح بن محمد السمرقندي حدث بنشابور ، فضيل بن اسحق بن النصر بن اسحق النيشابوري ، فضالة بن ابي زيد التشيري عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك القرشي ، القسم بن حيوبه النيسابوري و هو من رستاق نيشابور باستوا ، القسم بن دهم البيهقي النيشابوري ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغاني ابو عبد الرحمن المذكور توفي في اسفر اين ، قرة بن حبيب العتوي اصله من نيشابور ، قتادة بن مطر النيشابوري ؛ قطن بن ابراهيم التشيري ابو سعيد النشابوري محمد بن الازهر بن حريث بن ماهان ابو جعفر السحري نزل بنشابور في عنقوان شبابه و بهاولدانه ابو العباس و بهاتوفيا جميعاً ، محمد بن احمد حفص النيشابوري ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن زيد الكندي ابو الحسن الطوسي توفي بنشابور و دفن في جنب اسحق بن راهويه في مقبره شادياخ و هذا من انشاده :

ان الطيب لطبه و دوايه	لا يستطيع دفاع مقدوراني
ما للطيب الموت بالداء الذي	قد كان سوى مثله فيما مضى
هلكك والمداوى والذي	حلب الدواء و باعه و من اشترى

محمد بن ابان ابو بكر البلخي المستملي ، محمد بن اسمعيل بن ابراهيم بن المغيرة البخاري ابو عبدالله الجعفي ورد بنشابور على كبر سنه و اقام به خمس سنين الا ان وقعت الفترة بينه وبين شيخ عصره محمد بن يحيى الذهلي رضي الله عنه و لولا ذلك لما خرج من نيشابور فقد كان سكنها قال ابو حسان مولى بن سليم الكرميني مات محمد بن اسمعيل رحمة الله عندنا ليلة الفطر اول ليلة من شوال سنة ست وخمسين و مائة و كان بلغ عمره اثنين وستين الا عشر ليله و كان مولده في شهر شوال من سنة اربع و تسعين و مائة و كان في بيت وحده فوجدنا لما اصبحنا هوميث و هذا كان في

فترة اخرجوه فيها من بخارا و سببه جريب ابن ابى الورقا و تمسك محمد بن يحيى
 الذهلى النشابورى و قال انه اخرج من نيشابور و هو امام عصره و قيل سبب اخلجه
 خالد بن احمد الذهلى الامير خليفه الطاهر به ببخارا لان اباعبدالله محمد بن اسمعيل
 ابى تعليم اولاده رحمة الله عليه رحمة واسعة؛ محمد بن اسد ابو عبدالله النشابورى الخوشى
 والخوش قرية من قرى اسفراين؛ محمد بن ابراهيم بن طهمن، محمد بن احمد بن محمد
 النشابورى، محمد بن احمد بن غالب النشابورى الانصارى، محمد بن اسكاف بن
 خالد النشابورى، ابو عبدالله الجورى، محمد بن اشرس بن موسى السلمى ابو عبدالله
 النشابورى، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن عبد الرحمن العبدى ابو عبدالله الفقيه اللاديب
 نزل بنشابور و توفى بها؛ محمد بن احمد بن انس القرشى النشابورى؛ محمد بن اسحق
 بن ابراهيم بن يونس النشابورى ابو عبدالله محمد بن احمد بن الجراح ابو عبد الرحيم
 الجوزجانى حدث بنشابور و اقام بها، محمد بن اسمعيل الرمانى النشابورى؛ محمد بن
 ايوب بن الحسن الزاهد النشابورى ابو عبدالله الفقيه، محمد بن ازهر ابو حفص النشابورى
 محمد بن اسمعيل بن على الهاشمى ابو عبدالله البغدادى حدث بنشابور، محمد بن
 احمد بن اسلمه السلمى ابو عبدالله النشابورى، محمد بن احمد بن ابراهيم بن داود؛
 محمد بن ابراهيم الصابغ النشابور، محمد بن افلح بن عبدالله الملقب بالترك النشابورى
 كنيته ابو عبد الرحمن ختن يحيى بن يحيى على ابنته، محمد بن احمد بن حفص ابو عون
 النشابورى، محمد بن احمد بن الحليل بن سواد بن عبدالله القرشى النشابورى،
 محمد بن بنداد ابو عبدالله النشابورى؛ محمد بن بشر بن النجم الحرسى النشابورى،
 ابو عبدالله محمد بن بكر بن خالد ابو جعفر النشابورى ساكن بغداد، محمد بن بحر
 ابو عبدالله الاسفراينى، محمد بن الحنيد الزاهد ابو عبدالله الاسفراينى، محمد بن جعفر بن
 محمد بن على ابن حسين بن على بن ابيطالب رضى عنهم ابو جعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل بنشاپور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضی الله عنه ،
محمد بن حجاج بن عیسی السلمی النیشابوری ابو جعفر الوراق محمد بن الحسن بن
الحیری النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمد بن الحجاج
النیشابوری ، اخو اسمعیل بن الحجاج ، محمد الحسن بن شهریار النیشابوری ابو عبدالله
محمد بن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابو عبدالله السمرانی الصواف و المنسوب
الیهم سکه طرخان ، محمد بن حفص ابونبات الجرشمی النیشابوری ، محمد بن حماد
ابو عبدالله الایسوردی الزاهد ، محمد بن حمدویه بن عبده بن شبیه الانصاری ، محمد بن
الحسین الکابلی النیشابوری ، محمد بن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه
ورد بنسایور و بها ظهر حدیثه و بهامات ، محمد بن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری
محمد بن الشامی حدث بنشاپور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری
ابو عبدالله القشیری و يعرف بحمدان بن خلف ، محمد بن خالد بن بشر النیشابوری ابوبکر
المعروف بالفاق ، محمد بن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفر سنه
خمس و ستین و مائتین و دفن فی مقبره خیره ، محمد بن رافع بن ابی زید القشیری
النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابو عبدالله خطه السکه الادلی ، من باغ الزارس ،
محمد بن رحاب بن السندی ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن زیاد بن سنان القشیری
النیشابوری ؛ محمد بن زید بن عبدالله الثعلبی الشامی ابو الحسن البزاز سكن بنشاپور
و بهامات ؛ محمد بن سعید الحلاف النیشابوری ابو عبدالله اخو خشنام ، محمد بن سعید
القاضی نزیل بنشاپور و بهامات ، محمد بن سعید بن هناد ابو عالم العوسخی نزیل
بنشاپور بهامات محمد بن سهل بن ابرهیم بن حماد ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن
سعید ابولقاسم النیشابوری سكن مصر ، محمد بن سعید الهروی محمد بن سلیمان بن
عبدربه المرزوی ، محمد بن شعیب ابو عبدالله الاسدی النیشابوری ، محمد بن شعیب

ابوبكر النيشابورى الحيرى ، محمد بن سادان ابوسعيد النيشابورى المعروف بالصبرى
محمد بن طاهر ابوبكر النيشابورى من رستاق جوين ، محمد بن عبدالله بن حبيب
ابويحيى النيشابورى ، محمد بن عبدالله بن عمار العتكى النيشابورى ، محمد بن عبدالله
الخوى النيشابورى محمد بن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمد بن عبدالرحمن
ابوعبدالسرعان النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن الانصارى النيشابورى المحتسب
محمد بن عبدالرحمن بن موسى ابوعبدالله النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن ابوجعفر
النيشابورى من رستاق استوا ، محمد بن عبدالرحيم بن سعود بن عبدالله بن رزين
النيشابورى ويعرف بجمش ، محمد بن عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدى ابو-
احمد الاديب الفقيه الفراء وكان اعقل مشايخنا و يلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و
الشرف فى بلادنا خصوصاً بنشابور يلقبون اولادهم لعزهم وشفقتهم عليهم فيقولون
لمحمد حمد او حمش او غير ذلك ، محمد بن عبدالجبار العبدى ابو مسافر النيشابور
وروى ان الاصمعى لما ورد بنشابور نزل بلاده فى القصر ويعرف اليوم بقصر جند
بسكه شكش وقال الاصمعى سمعت اعرابياً يقول اياك و الحسناء فانها تزهو عليك
بحسنها و اكثر عشاقها ثم انشأ

الا وجدت به آثار ما كول

ولن تصادف مرعى مرعاً

محمد بن عبدالعزيز ابوعمر المروزي ، محمد بن عبدالسلم المؤذن النيشابورى ،
محمد بن على بن الحسين بن شفيق المروزي ابوعبدالله المطوعى ، محمد بن على بن
حمزه ابوعبدالله الحافظ المروزي ، محمد بن عمر بن زياد بن مهاجر بن ابى السمح
النيشابورى ، محمد بن عثمان القيسى النيشابورى ، محمد بن عيسى يزيد الطرطوسى
ابوبكر التميمى وتوفى ببلخ و من قال بنشابور هم محمد بن عميره ابوعبدالله الجرجانى
بهرآة ، محمد بن عيسى بن عبدالرحمن ابوعلى النيشابورى ، الوزير بن الوزير ذوالتميني

محمد بن عمرو به الهروي ابو عبدالله ، محمد بن عمرو القرشي النيسابوري ، محمد بن
 عمرو ابو عبدالله القهндزي ، محمد بن عمرو بن النصر النيشابوري ابو علي الجوشي ،
 محمد بن عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد الخزاعي ، ابو عبدالله النيشابوري ، من اعيان
 العلماء الصالحين المنسوب اليه المسجد و المنارة على رأس مكة حرب ، محمد بن عبدك
 ابو عمرو الزوزني النيشابوري ، محمد بن عنبر بن عثمان الحرشي النيشابوري ،
 محمد بن كاشه بن محسن ابو عبدالله الكرماني ، محمد بن عنبر الاطروش ابو الحسن
 الخزار الكوفي نزيل بنيشابور و مات بها و دفن في مقبرة باب معمر ؛ محمد بن
 الفضل المعبري ابو عبدالله الوري الزاهد ؛ محمد بن فيض النيشابوري ؛ محمد بن
 القسم بن مجمع الطالقاق النيشابوري ؛ محمد بن كيسان النيشابوري ، ابو
 عبدالله التميمي و يعرف بابي عبدالله المحاملي ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن
 ابو عبد الله النيشابوري ؛ محمد بن منحل مولى عبد الرحمن بن تمره القرشي
 النيشابوري ؛ محمد بن معويه بن اعين النيشابوري ، ابو عبد الله الهلالي و يقال ابو
 علي نزيل مكة ، محمد بن موسى العال النيشابوري ، ابو عبدالله المطوعي الفقيه ؛
 محمد بن مكى ابو عبدالله المروزي ، محمد بن موسى ابو عبدالله السلمي النيشابوري
 محمد بن موسى البلخي ؛ محمد بن مسلم بن واره ابو عبد الله الرازي ؛ محمد بن
 مسلم النيشابوري ؛ محمد بن مروان الاسدي النيشابوري ؛ محمد بن المهلب
 السرخسي ، محمد بن النعمان بن بشير النيشابوري ، ابو عبد سكن بيت المقدس و
 بهامات ؛ محمد بن نوح السعدي النيشابوري محمد بن نصر الله النيشابوري ؛ محمد
 ابن الوجيه النيشابوري ، محمد بن هاني بن عبدالله السلمي ابو عبد الله النيشابوري
 من ميدان زياد ، محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس النيشابوري ، ابو عبدالله
 الذهلي امام اهل الحديث في عصره بلا مدافعه ، محمد بن يوسف بن عبدالله ابو

سعيد النيشابورى و يعرف بالجوسقى ؛ محمد بن يحيى بن عمار ابو مسلم القهستاني
 رضى الله عنهما حدث كبير المحل و قيل توفي بنشابور ، محمد بن يونس ابو عبد الرحمن
 السرخسى ، محمد بن يحيى بن موسى النيشابورى ، ابو عبدالله الاسفراينسى و يحيى
 ملقب يحيوية ، محمد بن يزيد بن عبدالله النيشابورى ، ابو عبدالله السلمى شيخ
 اهل الراى ، محمد بن يحيى ، محمد بن يوسف ابوبكر المقرئ النيشابورى ، محمد بن
 يحيى ابو ابراهيم الصقار النيشابورى ، محمد بن يحيى بن سعيد ابوبكر النيشابورى
 و هو ولد ابراهيم بن محمد الصيدلانى ، محمد بن يحيى بن بلال البزاز النيشابورى
 والد ابى حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسين القشيري النيشابورى المقدم و الحجة
 فى التمييز بين الصحيح و السقيم و كان مسكنه اعلى الزمجار و منجزه
 خان محمش و معاشه من ضياعه باستوا و توفي رحمة الله عليه يوم الاحد و دفن
 يوم الاثنين لخمس سبعين من رجب سنة احدى وستين و مأتين و مقبرته فى راس ميدان زياد
 قال الحاكم رضى الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابى جعفر يقول سمعت
 ابا العباس بن سعيد بن عتده و سأله عن محمد بن اسمعيل البخارى و مسلم بن
 الحجاج النيشابورى ايهما اعلم فقال كان محمد عالماً و مسلم عالماً فكررت عليه
 مراراً و هو يجيبني بمثل هذا الجواب ثم قال لى يا عمرو قد يقع لمحمد بن اسمعيل
 الغلط فى اهل الشام و ذلك انه اخذ كقيمهم فنظر فيها مرهما ذكر الواحد منهم بكنيته
 و يذكر و فى موضع آخر باسمه و يتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما يقع له
 الغلط فى العلل لانه كتب المسانيد ولم يكتب المقاطيع والمراسيل

ذكر مصنفاته
 كتاب المسند الكبير على الرجال ، كتاب الجامع الكبير على الابواب
 كتاب الاسامى و الكنى كتاب المسند الصحيح ، كتاب التمييز ،

كتاب العمل، كتاب الواحدان ، كتاب الافراد ، كتاب الاقران ، كتاب سؤالات احمد ابن خليل ، كتاب الانتفاع باهب السباع ، كتاب عمرو بن شعيب مذكر من لم تحيج بحديثه و ما اخطأ فيه ، كتاب مشايخ مالك بن انس ، كتاب مشايخ الثوري ، كتاب مشايخ سعبه ، كتاب ذكر من ليس له الاراء واحد من رواة الحديث ، كتاب المخفرنين كتاب اولاد الصحابه فمن بعد هم من المحدثين ، كتاب ذكر اوهام المحدثين ، كتاب تفصيل السنين ، كتاب طبقات التابعين ، كتاب افراد الشاملين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه و سلم ، كتاب المعمر فيه ذكر ما اخطاء معمر

مسلم بن الحسين الذهلي النيشابوري و يقال انه ابو معاذ بن مسلم ، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النيشابوري ، مسلم بن الحسين بن معاذ بن مسلم النيشابوري راي سفيان بن سعيد الثوري ، موسى بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجي النيشابوري واسفنج من رستاق ارغنان ، موسى بن ابراهيم بن سعد ابو عمران الروزني النيشابوري ، موسى بن يزيد العمى النيشابوري ، موسى بن سليمان عبد الرحمن ابو عمران النيشابوري ، مسعود بن عبد الله بن زرير بن محمد بن برد ابو عبد الله السلمى النيشابوري القهندزي اخو الجماعة و هو اولهم ، مسعود بن قتيبة بن زياد ابو قتيبة النيشابوري ، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبد الله طاهر و خليفة مرو و سرخس و مرو الرود و كان عالماً و هو مدفون بنيشابور بالشاد ياخ في محلة محمد آباد و من اشعاره في الحية الكثيفة الطويلة ليس للحية الطويلة معنى غير قبيح اسمها و عم النوادان راها الحكيم اعرض عنها اوراها الشنعيه قام ينادى و قال لمدح الخليفة الوائق بالله

ان الذى بعث النبى محمدا	و هب الخلافة للإمام المهتدى
قمران اجدى و ناران سطا	لا يعدلان عن الطريق الاقصد
اشرب على وجه السرور مدامة	خمرأ كالعيق او لفرقد
من لون اعيد قد تضرع كفه	من لونها اوخده المثورد

قال ابو تمام في حق عبدالله طاهر و لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم ببلدة	لاتأمنن حوادث الازمان
صاح الزمان بآل يرمك صيحة	خروا لشدتها على الاذقان
وتنى باخرى مثلها فزادهم	واتى الزمان على بنى ماهان
وغدا يصيح بآل طاهر صيحة	غضب يحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زر بن السلمي النيشابوري أبو العباس ، منصور بن الحارث الزمجارى ابو عبد الرحمن النيشابوري مبشر بن عبدالله بن زر بن محمد ابن سرو السلمي ابوبكر النيشابوري اكبر الاخوة القهند زى ، مبسر بن القاسم النيشابوري اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادي نزيل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابوري ، مسرور بن نوح بن خزيمه ابو بشر الذهلي النيسابوري ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامي النيسابوري ، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه في العجم ابادوار النيشابوري معاذ بن خلد النيشابوري سكن عستان ، معاذ بن اسدالمروزي حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامري البلخي القلاص ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمال الرازي سكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لييد ابو موسى البلخي حدث بنشابور في ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التميمي النشابوري ابو عبدالله ، محمود بن خدائش الطالقاني ، محمود بن غيلان ابو احمد المروزي ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابوري ، محمود بن هشام بن محمد بن ميمون بن ابراهيم ابو يحيى النيشابوري ، محمود بن احرب ابو حامد المقرئ النيشابوري ، محمود بن يزيد النيشابوري ، مهدي بن حرث النيشابوري من رستاق استوا من قرية يقال لها الفرعري ، محمش بن عصام النيشابوري ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النيشابوري ، محمش بن عبد الرحمن السالمي ، مطرف بن عبدالله

النيشابوري نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النيشابوري، نصر بن خلف بن ابو محمد النيشابوري، نصر بن زياد بن نبيك بن حسل القاضي النيشابوري ابو محمد وكان كوفي المذهب واعقابه عواخرهم كوفيون وولي قضا بنشابور سنة ثلث عشر ومائتين وتوفي لسبع بقين من سفر سنة ست وثلاثين ومائتين هو ابن ستة وتسعين، نصر بن جناح ابو الليث القهستاني، نصر بن ابراهيم ابو احمد النيشابوري الحقاف، نصر بن خلف الفراء ابو محمد النيشابوري. نصر بن الحسين المعروف بفروية التاجر النيشابوري نصر بن جميل القشيري النيشابوري، نصر بن عبدالله بن مروان النيشابوري ابو القسم المؤدب نزيل بغداد، نصر بن مهران ابو سعيد الطوسي حدث بنشابور، نوح بن صالح ابو القسم الفراء النيشابوري، نوح بن عبد الرحمن الصيرفي النيشابوري، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن يزيد ابو محمد النيشابوري اليشكي وهي قسبة الرخ وبقره الان ييشكي مشهد يزار قال يحيى بن منصور القاضي ان سعيد بن عثمان ابن عفان لما توجه الى خراسان ورد على طريق اصبهان الى يشك ومنها الى طريق الرخ فل نزل ييشك مرض بها فتزوج وخرج وقد ولدت له بنتاً فسماهن نساء وكانت ييشك الى ان تزوج بها محمد بن نصر اليشكي وكان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر وهو النصر بن محمد اليشكي جد والد ابي الحسن المحمدي النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعيد النيشابوري، النصر بن سامه المؤدب النيشابوري، النصر ابن منصور ابو غياث الحارثي النيشابوري، نعيم بن زياد بن ابا زياد النيشابوري، نعيم بن مرتع ابو الفضل النيشابوري نعيم بن زريرن بهلول ابو منصور النيشابوري، وليد بن محمد بن النعمان ابو سعيد السلمى البصرى وكان ملقب بالجمام حدث بنشابور هرون بن المهدي بن المنصور ابو جعفر الرشيد امير المؤمنين وهومات بسنا باد طوس وهي قرية وهو ابن ستة واربعين سنة وكانت خلافته ثلث وعشرين

سنة و شهرين و ثلثة عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نیشابور ، هرون بن یزید بن اخت ابى جعفر محلد بن مالك النیشابورى ، هاشم بن الولید ابوطالب الهروى سكن بغداد ، هيثم ابن سعيد النیشابورى ؛ هشام بن الزبير الشیبانى النیشابورى همام بن على النیشابورى . ابى الحسين البشكرى و يعرف بالسورسى ، همام بن زكريا ابو محمد النیشابورى ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلى حى كان امام نیشابور فى الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صار شهيداً ، يحيى بن معاذ الرازى ابو زكريا الواعظ سكن به نیشابور و توفى بها و قبره فى مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر بن عبد الله السلمى ، يحيى بن ابراهيم الضرير النیشابورى الزاهد ، يحيى بن المسى ابو زكريا النیشابورى يحيى بن اسحق بن حكيم بن ابى خديجه النیشابورى يحيى بن صالح النیشابورى ، يحيى بن معاذ بن مسلم النیشابورى يحيى بن بكر بن مسلم النیشابورى يحيى بن الياس النشابورى يحيى بن الحسن بن غافم النیشابورى ، يحيى ابن اكنم بن محمد التميمى ، ابو محمد القاضى المرزوى ، يحيى بن عاصم البخارى حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زكريا الاسفراينى النیشابورى و يقال انه من قرية خوريد من اسفر اين رستاق نیشابور ، يحيى بن عامر بن خدائش النیشابورى يحيى بن الجنيد ابو زكريا النیشابورى ، يحيى بن حماد كاتب عبدالله طاهر وهو نیشابورى ، يحيى بن منصور الزوزنى من رستاق نیشابور ، يزيد بن صالح ابو خالد الفراء النیشابورى ، يزيد بن مخلد ابو خالد الهروى حدث بنشابور يعقوب ابن سفيان ابو يوسف القسوى امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النیشابورى يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النیشابورى ، يعقوب بن اشرش ابويوسف ، يوسف بن عيسى البخارى ابو يعقوب ساكن نیشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يحيى

ابن عبدالله بن خالد بن فارس الذهلي اخو الامام محمد بن يحيى ، ياسين بن النصر بن يونس بن سليمان بن سلمن الباهلي ابو سعيد القاضي النيسابورى و خطة سليمان بنشابور مشهوره ؛ يعمر بن بسر المرورى من كبار اصحاب عبدالله مبارك يونس بن آدم ابو محمد النيسابورى ، يونس بن افلح ابو محمد الملقب بأكثر النيسابورى ابو الاسود المنسوب اليه المحلة و هى محله فى اعلى البلد بنشابور على طريق الجبل تدعى باب ابى الاسود ؛ ابو نصر الدهان النيشابورى ؛ ابوبكر بن ابى طالب اخو ابراهيم بن ابى طالب

ذكر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور و من دخلها و نشر علمه

ابراهيم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى النيسابورى سكن بغداد الى ان توفى بها وكان احمد بن حنبل يحضره و يبسط فى مجلسه و يفطر عنده و هو اكبر الاخوة ، ابراهيم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهرورى ، ابراهيم بن اسحق بن يوسف الا نماطى ابو اسحق النيشابورى ابراهيم بن اسمعيل الفيرى ابو اسحق الطوسى محدث عصره بها ، ابراهيم بن اسمعيل النيشابورى ، ابراهيم بن اسمعيل ابو اسحق المعلل النيسابورى القران ، ابراهيم بن بلال ابو اسحق الاسفراينى و هو نيسابورى ؛ ابراهيم بن جعفر بن الوليد ابو اسحق المعدل النيسابورى من باغ الرازمين ، ابراهيم بن ابو اسحق الكرامينى النيشابورى من محلة الجورى ، ابراهيم بن الحسن النيسابورى الميدانى من ميدان زياد ، ابراهيم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النيشابورى ابراهيم بن الحسين بن بشر النيشابورى ، ابراهيم بن خالد الزوزنى ابو اسحق ، ابراهيم بن زيادة العابد النيشابورى ، ابراهيم بن سعيد ابو اسحق النيشابورى المعروف ماكزمكى ، ابراهيم بن سلمة بن زياد النيشابورى ، ابراهيم بن على بن محمد بن آدم الذهلي ابو اسحق النيشابورى ، ابراهيم بن على المروروى حدث بنشابور ؛

ابراهيم بن علي بن الحسين ابو اسحق الترمذى نزيل بنشابور ، ابراهيم بن عمر بن
 عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابراهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق
 النيشابورى ، ابراهيم بن عبدالرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ،
 ابراهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى والفضل ملقب بفضلويه ؛ ابراهيم بن محمد بن
 نوح بن عبدالله بن خالد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى
 ابوطالب ، عبدالله بن سعيد يقول ما رأيت مثل ابراهيم بن ابى طالب ولا رأى مثل نفسه و
 توفى يوم الاحد الثانى من رجب سنة خمس و تسعين و مأتين و دفن فى مقبرة الحسين
 ابن معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن يعقوب الحافظ غير سره يقول انما اخرجت مدينتنا
 هذه من رجال الحديث ثلثة محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابراهيم بن ابى
 طالب رحمهم الله وله تصانيف فى علم الحديث ، ابراهيم بن محمود بن حمزة الفقيه
 ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان دهبه ولم
 يكن بعده للمالكية بنشابور مدرس ؛ ابراهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى
 ابراهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابراهيم بن عبدالله بن
 موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابيطالب رضى الله عنهم المعروف
 بابى اسحق الامسج المدنى حدث بنشابور سنة خمس و ثمانين و مأتين ؛ ابراهيم بن
 محمد بن عبدالله الايوردى نزيل بنشابور ، ابراهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق
 النيشابورى المحدث على رأس ميدان زياد ، ابراهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى سكن
 بنشابور ، ابراهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناخذى النيشابورى ، ابراهيم بن
 محمد بن سفيان ابو اسحق النسابورى الفقيه ، ابراهيم بن محمد بن اسمعيل النيسابورى
 ابراهيم بن الحسن المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبدالرحمن
 السلمى ابو يعقوب الزاهد البتقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد وكان اكبر

من وجوه نيشابور توفي سنة خمس وثلثمائة بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و
قبورهم ، احمد بن ابراهيم بن ابي صلح المروزي ابو صلح نزيل نيشابور ، احمد
ابن اسحق بن ابراهيم الطوسي نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو علي
البيهقي من رستاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو
حامد الاعمش النيسابوري ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابوري ابو
جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابو الفضل المستملي النيسابوري ، احمد بن
حفض الزاهد النيشابوري ، احمد بن حديفه ابو الحسن النيسابوري البشتي ، احمد
ابن خلد ابو الحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفي بها
احمد بن خلد بن احمد الذهلي ابو محمد و لم يكن في اولاد خلد بن احمد الامير
اقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلد الحيرى ، احمد بن الخليل بن محمد البشتي
احمد بن زرعة بن قيس الذهلي النيسابوري ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابوري
ابو الفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابو العباس النيسابوري ، احمد بن سهل
بن مالك ابو بكر الاسفراينى النيسابوري ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس
المروزي قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس في الرأى و العقل
والدها ، احمد بن سليمان العبدى النيسابوري ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد
الرحمن الفقيه ، احمد بن صالح بن عبدالله ابو بكر الجوهري النيسابوري ، احمد
ابن عماد بن كوكب ابو الحسن العامري ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهري
المروزي و الدعمر اقام بنشابور مفيدا و مستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو
حامد النيسابوري ، احمد بن علي بن عبدالله المعروف بابي علي الانصارى ، احمد
ابن علي بن عبدالله بن سنان النيسابوري ، احمد بن عبدالله ابو حامد المناشلى النيسابوري
من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخي ، احمد بن عثمان بن عبد الرحمن

النسوى ابو عبد الرحمن ، احمد بن على العدنان النيسابورى ، احمد بن عبدوس
بن حمدويه ابو العباس النيسابورى ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النيسابورى ،
احمد بن على بن اسد البردعى ، احمد بن الفضل بن منصور ابو حامد الساماني ،
احمد بن محمد بن عمار النيسابورى ابو حامد المستملى ، احمد بن محمد بن سعيد
الصيدلانى ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النيسابورى ، احمد بن محمد بن
الازهر بن السحرى ابو العباس الازهرى ، احمد بن محمد بن يزيد البراز ابو حامد
النيسابورى ، احمد بن عبيده بن زياد النيسابورى ابو بكر الوبرى ، احمد بن محمد
ابن موسى الدهقان النيسابورى ، احمد بن محمد بن بكر النيسابورى ابو العباس
نزىل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بكر الذهبى من عامله بلخ وعداده فى
نيشابور بين و بها مسكنه و اعقابيه ، احمد بن محمد بن ابي خلد ابو جعفر الاصبهاني
نزىل بنشابور قديما و توفى جمادى الاخر سنة ثلث و ثلثمائة و دفين فى مقبره باب معمر
احمد بن محمد بن عمر ابو بكر المكندرى مولده المدينة و منشأه الحرمين و ورد
بنشابور و اقام بها و ولد له بها ابو عمر المكندرى ، احمد بن محمد بن نصر ابو
جعفر الترمذى ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابو بكر المروزى و المراديه بها يسمونه
البسطامى ، احمد بن محمد بن آدم الشاشى ابو بكر احمد بن محمد بن عمر ابو
الحسن النيسابورى ؛ احمد بن محمد بن حفص بن يزيد بن مسلم بن على الحرسى
ابو عمرو الحيرى شيخ نيسابور فى عصره فى الرياسه و العدالة و الثروة و التحديث و
وفات الشيخ الجليل الزكى بن الزكى العاشر من آذر ماه سنة سبع عشره و ثلثمائة
رحمه الله و صلى عليه فى مصلى حيره ، احمد بن محمد بن هاشم المعتدل ابو حامد
الطوسى سكن بنشابور الى ان مات بها ، احمد بن محمد بن جعفر ابو حامد
النيسابورى ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البلخى ، احمد بن عبد الكريم

الجرجاني وكنيته ابو زرعه ، احمد بن حبيب الدهان النيسابوري ، احمد بن محمد
ابن عمار المستملي النيسابوري ، احمد بن المبارك الزاهد ابو عمرو المستملي و
ملقب بحملويه العابد وكان مستجاب الدعوة وراهب اهل عصره دعا يوم الجمعة وقال
اللهم اقبضني اليك فمات ليلة الخميس الحادي عشر من جماد الاخره من سنة اربع
و ثمانين ومأتين و دفن عشية يوم الجمعة في مقبرة الحسين بن معاذ رحمه الله رحمة
واسعه ، احمد بن محمد بن سعيد ابو حامد الصيدلاني النيسابوري ، احمد بن محمد
ابن الحسين ابو العباس الماسرخس بن بنت الحسن بن عيسى النيسابوري ، احمد
بن نصر بن ابراهيم ابو عمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات يوم الاحد بسبع خلون
من شعبان سنة تسع وتسعين ومأتين و دفن يوم الاثنين تحب الحوض الذي لصدق به
رحمه الله رحمة واسعه ، احمد بن نصر بن عبد الوهاب النيسابوري ، احمد بن نصر
البوزجاني الشهيد وبوزجان من رساتيق نيشابور ، احمد بن هرور البودنجي
ابو بكر البرزعي الحافظ ، احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب ابو بكر البسطامي
المقيم بنشابور الياس بن رجا النيسابوري ابو اسحق الدهقان ، بدل بن محمد بن
اسد الحوشي الاسفرايني ، بشار بن حمدان ابو عفان المعدل النيسابوري ، تميم
ابن محمد بن طعجاج ابو عبد الرحمن الطوسي ، جعفر بن محمد بن الحسن ابو الفضل
النيسابوري شيخ عشيرته في عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن سنان ابو محمد
النيسابوري من اكابر الشيوخ ، جعفر بن احمد بن ابي عبد الرحمن النيسابوري ،
جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافظ المعروف بالحصيري ركن من اركان
الحديث بنشابور في الحفظ والاتقان و توفي سنة ثلث و ثلثمائة و دفن بشاهنبر ،
جعفر بن سهل ابو الفضل المذكر النيسابوري ، جعفر بن محمد بن هوسى الحافظ
ابو محمد النيشابوري ، جعفر بن المفيد بهذا يعرف في بغداد وبنشابور مسكنه و

عشيرته ، جعفر بن شعيب ابو محمد الشاشي ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمي
ابو محمد النيسابوري ، جعفر بن ولويه النيسابوري ابو محمد الدقايق ، جعفر بن
محمد بن الفضل بن زياد التميمي ابو الفضل النيسابوري السعدي الملقب بصعومه
جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابو محمد النيسابوري ، جعفر بن حمويه الفارسي
نزيل بنشاپور ، جعفر بن محمد بن الحرات النيشابوري ، جعفر بن يعقوب بن سليمان
المقري النيسابوري المطوعي ، جبريل بن فخاع بن الفضل السمرقندي ، الحسن
بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيباني ابو العباس النسوي من
قرية بالوز وهي على ثلث فراسخ من بلد النشابور و محدث خراسان في عصره و
توفي رضي الله عنه سنة ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابوري ابو
محمد المطوعي ، الحسن بن علي بن نصر ابو علي الطوسي الملقب بكروش توفي
بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبدالقيس ابو علي
النيسابوري وكان يسكن بباب عروة ، الحسين بن علي ابي عيسى الهلالي ابو علي
النيسابوري الدرا بجردي المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابي جعفر واسمه محمد
بن يحيى الجوزجاني ابو علي الحاجي ، الحسن بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،
الحسن بن علي بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو علي الشادي اخي ، الحسن بن
الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابوري ابو علي السكسكي ، الحسن بن عبدالرحيم
بن سهل بن نوفل النيشابوري ابو علي : الحسن بن صاحب بن حميد ابو علي
الشاشي ، الحسن بن عبدالله بن مخلد النيشابوري ، الحسن بن جعفر بن محمد
الهمداني نزيل بنشاپور ، الحسن بن بالر به بن زيد بن سيار النيسابوري ابو علي
الحيري ، الحسن بن اسمعيل بن سليمان ابو علي الفارسي نزيل بخارا ، الحسين
بن الحسن بن مهاجرين النيسابوري ابو محمد المهاجري من كبار المحدثين و كان

يحدث في سكه معقل في مسجد عبدالله عامر و توفي في سنه ثمان و سبعين و مأتين
الحسن بن محمد زياد نيشابورى ابو على التيفافى الحافظ احد اركان الحديث و استاد
محمد بن اسمعيل البخارى ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابورى ابو على ،
الحسين بن معاذ بن محمد منصور النميرى ابو على النيسابورى مسكنه بباب
عروة ، الحسين بن على بن مهران النيسابورى ابو على الدقاق ، الحسين بن احمد
بن الفضل بن عبدالله بن عيسى ابو على البلخى ، الحسين بن اسمعيل بن على الارنيانى
ابو عبدالله النيسابورى و ارنان قرية من رستاق استوا الحسين بن معاذ بن ادريس
النيسابورى ابو عبدالله المودب ، الحسين بن عبدالله بن محمد بن مخلد النيسابورى
الحافظ ابو على الباعكى ، الحسين بن المسيب ابو على المرزى نزيل نيشابور ،
حمدون بن احمد بن بكر النيسابورى ابو نصر الذهلى ، حمدون بن احمد بن عمار
بن رستم النيسابورى الزاهد ابو صلح القصار و كان من الابدال من اصحاب ابي حفص
وهو والد ابي حامد الاعمشى ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدي النيشابورى
ابو رجا العمري من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النيسابورى ابو سعيد
الخفاف ، حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابورى ابو محمد الملقابادى ،
حماد بن معاذ بن سعيد بن حماد الباهلى ساكن نيشابور ابو سليمان ، حاتم بن
الحسين ابو سعيد الساسى نزيل نيشابور ، حاتم الخليل بن سنان بن عبد الرحمن
ارداد القرشى السمرقندى الحراث بن زكريا المقرئ ابو سعيد النيسابورى ، حامد
بن موسى الازارى و هى قرية بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابو على البيهقى
حماد بن الحكم ابو بكر النيسابورى ، حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخى ،
حمويه بن عماد النيسابورى ابو عبد الرحمن السراج ، حيان بن محمد بن حيان
الميرانى النيسابورى ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملك

و هو الخمخام بن الحارث الذهلي الامير توفى ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو
يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا وله بها آثار مشهورة محمودة الاما فعل في حق
امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخارى الجعفي فانها زلة و سبب لزوال
ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابورى من المتقين الانبياء ،
خشنام بن ابى معروف النيسابورى ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد
النيسابورى ابوسليمن الخسر وجردي ، داود بن عبيدالله بن الفضل النيسابورى ابو الفضل
الاستوايى ، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابورى ابو يحيى الفرهادجردي ،
زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابورى ابو يحيى الخفاف المقدم
في عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابورى الزكى ابو يحيى اليزاز شيخ اهل
الراى فى عصره وله مضافات كثيرة ، زكريا بن يحيى بن موسى بن ابراهيم النشابورى
ابويحيى الملابادى ، زكريا بن ولويه الزاهد النيشابورى ابويحيى الواعظ ، زكريا
بن يحيى حوثة البرنودى النيسابورى ابويحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن
الحسن بن عمر النيسابورى ابو محمد الزاهد المعروف باللباد وكان من العباد ،
سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمان الزاهد الواعظ الحيرى ربه مسجده و
منزله وله بالرى و نشا بها نم سكن بنشابور الى ان توفى بها وكان مجاب الدعوة
و مجمع العباد والزهاد وكرماته كثيرة لا يحصى و توفى رحمة الله عليه ليلة الثلاثاء عشر
يقين من ربيع الاخر سنة ثمان و تسعين و مائتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو
عثمان النيسابورى وهو الذى يعرف سعيد بن ابى سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن
زيد ابو عثمان النيسابورى وكان من فقها اهل الكوفة ، سعيد بن سعيد ابو عثمان
النيسابورى ، سليمان بن سلام ابو داود النيسابورى ، سليمان بن منصور ابو داود

النيسابورى ، سهل بن عبد العزيز سورة الصنعانى ، سليمان بن اسرائيل ابو عبدالله
 الخجندى ، شعيب بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى ، ابو صالح العجلي هو يقول
 سمعت اعرابيا يقول ما اطيب الثلج بماء العذب يستخرج الحمد من اصل القلب ،
 صالح بن خفضويه النيسابورى وكان من حفاظ الحديث ، صالح بن محمد الجوينى ابو
 سعيد النيسابورى ، صالح بن محمد رجيح الترمذى طيب بن محمد بن طلحة بن
 طاهر النيسابورى ابو اسحق الطاهرى ، عبدالله بن احمد بن شويه ابو عبد الرحمن
 المروزي من ائمة اهل الحديث ، عبدالله بن احمد بن الهيثم بن مخلد ابو محمد
 النيسابورى الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الياس بن ابي عصام النيسابورى ابو القاسم
 من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسى ابو محمد الفقيه ، عبدالله
 بن بشر بن عميرة البكرى ابو محمد الطالقانى سكن نيشابور و بهامات ، عبدالله
 بن نحر بن عبدالله بن طيفور ابو بكر الطيفورى ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن
 غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمى ابو محمد المروزي محدث عصره ، عبدالله
 بن الحسن بن ايوب السلمى من الزهاد رازى ، عبدالله بن زيد بن سيار ابو محمد
 النيسابورى المودب ، عبدالله بن سلمه بن يزيد القاضى النيسابورى ابو محمد بن
 سلمويه ، عبدالله بن سليمان بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدى
 و قتل عمران يوم صفين بين يدى امير المؤمنين على عليه السلام ، عبدالله بن صالح
 بن يونس ابو محمد الفرائضى النيسابورى ، عبدالله بن على بن الحرود ابو محمد
 النيسابورى نزيل مكة ، عبدالله بن عمر بن سليمان ابو العباس الركنى النيسابورى
 عبدالله بن قتيبه بن سعيد الثقفى ابو قتيبه بن ابي رجا البغلانى ، عبدالله بن محمد
 بن محمد بن عبد الرحمن الفقيه النيسابورى ابو محمد بشرويه و محمد ملقب بحمويه

القرشي ، عبدالله بن محمد داود النيسابوري الدهان ، عبدالله بن محمد بن علي الحافظ
البلخي ركن الحديث وله مصنفات في التواريخ والعلل وغيرها ، عبدالله بن محمد بن
العباس ابو محمد المروزي ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابوري
ابو محمد الحيري ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادي النيسابوري
من محلة نصر آباد في اعلى البلد وكان بذكر اصحاب الرأي . عبدالله بن عمرو القراطي
الواعظ النيشابوري ابوبكر ، عبدالله بن محمد بن سعيد ابو محمد المروزي ، عبدالله بن
محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمناني ابو الحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله
بن محمد بن الحسن بن شهر يار النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن مالك النيسابوري نزيل
سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابوري ابو محمد ، عبدالله بن محمد بن
ابي خلد النيسابوري ابو محمد الصيدلاني ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجاني
ابو الحصب العاصي ، عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابوري ابوبكر الحري ، عبدالله بن
يحيى بن موسى السرخسي ابو محمد العاصي ، عبدالله بن عبدالله النيسابوري
ابو عبد الرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبد الرحمن بن محمد بن عقيل بن خويلد بن اسد
الخرزاعي صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم ، عبد الرحمن بن الحسن بن خلد القاضي
ابو سعيد النيسابوري امام اهل الرأي في عصره بلامدافعه وخطه وخطه اسلافه محله متاشل ،
عبد الرحمن بن جعفر ابو سعيد النيسابوري سكن مرو ، عبد الرحمن بن رجا ابو القسم
النيسابوري فقيه لاهل الرأي من قرية بزديغر ، عبد الرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ
البغدادي ، عبد الرحمن بن بحر بن معاذ النسوي ابو محمد البراز ، عبد الملك بن الحكيم
بن عبد الملك النيسابوري ابوبكر يهتي الملقب بعبدان الخسر وجردي ، عبد الصمد بن
هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسي النيسابوري وهو يلقب بمقاتل قتيبه ، عبد الرحمن
بن عيسى الجرجاني ابو عبد الرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ ابو محمد

المروزي الزاهد علي بن ابراهيم بن احمد ابوالحسين النسوي اقام بنشابور ، علي بن
 احمد بن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظي النيسابوري و سكه معقل خطهتم ،
 علي بن احمد الفقيه الشافعي الجرجاني ، علي بن الحسن بن شهر يار ابوالحسن الرازي
 نزيل بنشابور وقبره بالحيره ، علي بن الحسين بن بشر بن القسم النيسابوري ابوالحسن
 الفقيه ، علي بن الحسن بن سلم الاصبهاني ابوالحسن الحافظ ، علي بن مهران النيسابوري
 ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علي بن الحسن بن هشام ابوالحسن النيسابوري ،
 علي بن حمدون بن هشام ابوالحسن النيسابوري من اجله مشايختنا ، علي بن الحسين بن
 بشار النيسابوري ابوالحسن الكرمانى كان ابوه من اهل كرمان نزيل بنشابور ،
 علي بن خاتم البخاري ابوالحسن الحاجي ، علي بن الحسن بن معاذ النيسابوري ابوالحسن
 السحيتاني ، علي بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزي ، علي بن سعيد بن عبدالله
 ابوالحسن العسكري من اعيان المحدثين كثير التصنيف وقد حدث عنه حفاظ الدنيا في
 عصره وتوفى بالري سنة ثلث عشره وثلثمائة ، علي بن عبدالرحيم بن سنان ابوالحسن
 الصفار النيسابوري ، علي بن عمر بن علي بن عمر النيساري ابوالحسن الدنودي ، علي بن
 عبدالله بن احمد الطبري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الفضل بن اسحق النيسابوري ابوالحسن
 المناشك علي بن يحيى بن خلد المروزي ابوالحسن الخالدي ، علي بن محمد بن حمدويه
 الطوسي ابوالحسن نزيل بنشابور ، علي بن محمد بن العلاء النيسابوري ابوالحسن
 القبائي و قباي اقصى محلة من البلد علي طريق العراق ، علي بن محمد بن حمدان
 البغدادي نزيل بنشابور ، علي بن موسى بن يزيد ، الفقيه ابوالحسن القمي امام اهل
 الرأي في عصره ، علي بن محمد بن يزيد الحداد ابوالحسن الطبسي نزيل بنشابور ،
 عيسى بن محمد بن عيسى بن عبدالرحمن بن سليمان ابوالعباس اظمماني ويعرف بالكتاب
 المروزي هو امام في اللغة واحدا لاشراف في نفسه و ابائه واسلافه توفى رضي الله عنه في سنة

ثلث وتسعين ومائتين ، عيسى بن القاسم بن موسى النيسابوري ، عيسى بن اسحق بن موسى الحطمي ابوالعباس الانصاري القاضي بن القاضي بنشابور ، عمرو بن بشر ابو حفص النيسابوري سكن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النيسابوري ، عباس بن حمزه بن عبدالله بن اشرس ابو الفضل الواعظ النيسابوري صاحب احمد بن حرب والسكه منسوبة الى العباس وهو من اكابر العظام وله مع ذي النون بصرمباحثات وحالات وكان مجاب الدعوة توفي رضي الله عنه في شهر ربيع الاول سنة ثمان وثمانين ومائتين ، عمران بن موسى بن بحامع ابواسحق السجستاني وهو محدث ثبت مقبول كثير الرحله والتصنيف وتوفي بجزان سنة ثلثمائة ، عمران بن موسى ابو موسى الاعياني النيسابوري ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السجوري النيسابوري ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابراهيم النيسابوري ابوسعيد القطان عسان بن محمد النيسابوري العابد ابو جعفر القاروني ، القسم بن خلد بن قطي ابوسهل المروزي محدث عصره بمرور ، امام الحديث في عصره محمد بن اسحق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمى مولى محشر بن مراحم ابوبكر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه رضي الله عنه وكان يسكن بجنجروود وكان شيخ محمد بن اسمعيل البخاري ومسلم بن الحجاج النيسابوري ومحدثي عصره . قال الحاكم سمعت ابا بكر محمد بن علي الفقيه الشاشي يقول حضرت ابا بكر محمد بن اسحق بن خزيمة فقال له ابوبكر النقاش المقرئ البغدادي بلغني لما وقع بين المزني و بين عبدالحكم ما وقع قيل للمزني انه يرد على الشافعي قال لا يمكنه الا بمعونة محمد بن اسحق النيسابوري اياه قال ابوبكر كذا كان و ايضا سمعت عن محمد بن يحيى اذ تته امرأة فسألته عن مسألة في الحيض فقال محمد بن يحيى اذهبى الى جنجروود ثم مات يعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمة مسئلته عن هذه المسئلة وكراماته مرويه رضي الله عنه وارضاه وتوفي من ذي القعدة سنة احدى عشرة وثلثمائة وصلى عليه ابنه ابوالنصر

وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرو د فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمد بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى ابو عبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنة ثلاث عشرة وثلثمائه وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمد بن اسحق بن ابرهيم بن مخلد الحنظلى ابو الحسن ولد بمر و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بها ، محمد بن اسحق بن عبدالله بن ابرهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابو عبدالله الملقب بالمتوفى ، محمد بن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها عقب محمد بن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمد بن اسحق بن عبدالرحمن ابو عبدالله المناشكى النيسابورى ، محمد بن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمد بن اسحق بن النعمان النيسابورى ابو عبدالله الصفار ، محمد بن اسحق بن نصر اللباد النيشابورى ، محمد بن اسحق بن الصباح ابو عبدالله التاجر النيسابورى ، محمد بن اسحق بن ابرهيم النيسابورى ابو العباس السيهقى الزاهد ، محمد بن اسحق بن ابرهيم النيسابورى ابو عبدالله الصيدلانى ، محمد بن ابرهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالرحمن المدينى ، محمد بن ابرهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ، محمد بن ابرهيم بن مقاتل بن صلح المبكى النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن القسم الاصبهانى نزىل بنشابور ابوبكر محمد بن ابرهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالله الحشاب ، محمد بن ابرهيم بن سعيد بن قطبه القيسى ابو عبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهو من بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة

ورحلة واشتهاراً وتوفى رحمه الله في ذي الحجة في سنة خمس وتسعين و مائتين و قيل لا يصح سماع من مسمع من الاسماعيلي بعد التسع والثمانين وانه كان لا يقدر ان تحرك لسانه الا بلا و كان اذا قيل له كما قرأنا قال لا. لا. لا مقام نعم و تحرك رأسه ، محمد بن اسمعيل بن موسى بن عبد الله البلخي ، محمد بن اسمعيل بن الحجاج النيسابوري الحجاجي وهو شيخ قديم : محمد بن اسمعيل بن اسحق ابو الحسن المرزوي ، محمد بن احمد بن المثنى بن سعيد النيسابوري ابو عبدالله و هو محدث كثير الحديث والرحلة من رستاق الزاوه ، محمد بن احمد بن نصر المرزوي ابو بكر النيسابوري ، محمد بن احمد بن حفص النيسابوري و هو غير الحرشي محمد بن احمد بن ابورجا القاضي الجوزجاني و كان من اعيان الفقهاء على مذهب الكوفيين ، محمد بن احمد بن عبدالله النيسابوري ابو احمد المناشكي محمد بن احمد بن عبيد الله النيسابوري ابو عبدالله العامري ، محمد بن احمد بن ايوب بن الصلت المقرئ ، محمد بن احمد بن منصور ، محمد بن احمد بن هاشم ابو بكر النيسابوري ، محمد بن احمد بن المغيرة التميمي ابو بكر النيسابوري ، محمد بن احمد بن سعيد النسوي ابو الحسن ، محمد بن احمد بن مجاهد السمرقندي شيخ قديم ، محمد بن احمد بن عبدالله بطحا النيسابوري ، محمد بن الحسين النيسابوري ابو جعفر الكاتب ، محمد بن احمد بن بالويه النيسابوري ابو العباس البالوي ويا لقب بعصيده و كان من اعيان المشايخ ، محمد بن احمد بن بو عون النسوي ابو جعفر الردفني ، محمد بن احمد بن نعيم ابو عبدالله نزيل بغداد ، محمد بن ايوب بن الحسن الفقيه ابو بكر النيسابوري محمد بن جمعة بن الخلف الحافظ ابو قريش القهستاني الاصم و كان من الحفاظ المتقين توفى رحمه الله في قهستان سنة ثلاث عشرة و ثلثمائة ، محمد بن جابر بن حماد المرزوي ابو عبدالله الحافظ الفقيه احدائمة اهل زمانه ادركته المنية في الكهولة رحمه الله يروى عن ابن عباس قال الشاعر:

انت بشرط النبي اذ قال يوماً اطلبوا الخير في حسان الوجوه

محمد بن جعفر بن ابراهيم بن مسلم النيسابوري ابو جعفر ، محمد بن حميد ابو عبدالله
 القهستاني نزيل نيشابور ، محمد بن جعفر بن محمد بن يزيد الشعراني ابو عبد النيشابوري
 الازاروازي قرية من جوين هويروي هذا الشعر عن اعرابي :

يا فالق الاصباح انت ربي وانت مولايي وانت حسي
 فاصلحن باليقين قلبي ونجني من كرب يوم الكرب

محمد بن حمدان بن مهران المهراني ابوبكر النيسابوري سماعه
 كله بنيسابور ، محمد بن حبيب بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النيسابوري ، محمد بن
 الحسن بن عبيداله بن محمد بن طغان الترك النيسابوري ، محمد بن الحسن ابو علي
 الحيري ، محمد بن الحسين بن عمارة ابو عبد النيسابوري المقرئ من المدينة الداخلة ،
 محمد بن الحسن بن هشام الحيري ابوبكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن الحسين بن
 معاذ النيسابوري يلقب بحموية الطويل محمد بن حامد بن محمد بن ابراهيم النيسابوري
 ابوبكر الحيري ، محمد بن الحميد البزاز النيسابوري ، محمد بن الحسن بن الحسن ابوبكر
 النيسابوري ويعرف بابي بكر بن ابي علي البرزعي ، محمد بن الحسن ابو عبدالله الزمخاري ،
 محمد بن حمزة بن عبدالله السمرقندي ، محمد بن خالد ابوبكر القاضي الرازي نزيل
 نيشابور ، محمد بن خشنام بن سعد ابو عبد الرحمن النيشابوري ، محمد بن داود بن
 يزيد بن حازم ابوبكر الرازي ، محمد بن دلويه ابوبكر النيشابوري ، محمد بن ابي ذرة
 القاري النيسابوري ، محمد بن دلويه بن عبدالله النيسابوري ابوبكر الخراز ، محمد
 بن درست الزاهد ابو عبدالله النيشابوري شيخ قديم ، محمد بن رومي النيسابوري ،
 ابو عبدالله شيخ صاحب اخبار وحكايات ، محمد بن مسيح بن سريع ابو مسيح العامري
 الترمذي ، محمد بن روح النيسابوري ابو احمد الاستوايي شيخ قديم ، محمد بن رزام
 ابو احمد الهروي الفقيه الاديب من اهل البلد ، محمد بن زياد النيسابوري ابو
 عبدالله الفقيه البرديعي و كان من الزهاد والفقها ، محمد بن زكريه بن قميم

علي النيسابوري ابو العباس الضير كف بصره بعد الثمانين ، محمد بن شعيب بن محمد
 بن المغيرة بن بكر السلمي النيسابوري ابو بكر الجنجرودي ، محمد بن شعيب بن علي
 ابو بكر النيسابوري ويلقب بالصر ، محمد بن شادان بن اسمعيل النيسابوري ابو العباس ،
 محمد بن شاد بن عبدالله النيسابوري ابو عبدالله ، محمد بن شهر يار النيسابوري ، محمد
 بن شعيب بن صالح النيسابوري ابو عبدالله القصري و يقال انه من قصر عبدالجبار ،
 محمد بن الصباح النيسابوري ابو عبدالله الخياط ، محمد بن صالح بن جميل ابو الحسن
 الطوسي محدث كثير ، محمد بن صالح بن يونس النيسابوري ابو عبدالله ، محمد بن
 صالح بن الهيثم القشيري ابو بكر النيسابوري من محنه ملقباد ، محمد بن طيفور
 الزاهد ابو عبدالله النيسابوري ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامير ابو عبدالله
 النيسابوري وتوفي ببغداد ، محمد بن عبد السلام بن بشار ابو عبدالله النيسابوري المعروف
 بالوراق كان مورق علي اسحق بن راهويه و كان من العباد ، محمد بن عبدالله بن
 يوسف بن خرشيد النيسابوري ابو عبدالله الديري و دير قرية علي فرسخ من البلد ،
 محمد بن عبدالله بن المبارك الخياط النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن اسحق الحواري
 ابو عبدالله الطوسي ، محمد بن عبد الملك بن سلمه النيسابوري ابو عبدالله القشيري ،
 محمد بن عبدالله بن حامد النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن الجنيد النيسابوري ابو
 عبدالله ، محمد بن عبدالله بن القسم ابو عبدالله العمري ، محمد بن عبدالله العاملي ابو
 عبدالله النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن يزيد الرازي ابو بكر مسكن بنشابور ، محمد
 بن عبدالله بن عمرو المرزوي ، محمد بن عبد الصمد النيسابوري ابو بكر الاسفرايني
 محمد بن عبدالله بن محمد بن مخلد الهروي ابو الحسن المخلدي ، محمد بن عبد الملك
 بن سلمه النيسابوري ، محمد بن ابي عياض النيسابوري ، ابو عبدالله الواعظ الزاهد ،
 محمد بن عيسى النيسابوري نزيل مكة ، محمد بن علي بن ابراهيم ابو عبدالله الحافظ

المرزى ، محمد بن عمر بن هشام الحافظ ابوبكر الرازى وتوفى بمرز ، محمد بن
 على بن علوية الفقيه ابو عبدالله الجرجانى الرزاز من ائمة عصره للشافعيين ، محمد بن
 عمرو بن سليمان بن عبدالرحمن بن عبدالله النيسابورى وهو ابوبكر بن عمرو الملقب بى
 محمد بن عمر بن العلا العامرى ابو عبدالله الجرجانى الصيرفى ، محمد بن على بن الحسن
 النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن عبد بن عامر بن مرداس بن هرون السعدى توفى فى -
 البادية ، محمد بن عمرو بن جبريل النيسابورى من رستاق ييهق ، محمد بن عمرو بن
 خالد ابوبكر البلخى ، محمد بن على بن الحسن ابو عبدالله المرقدى ، محمد بن على بن
 رافع التميمى الحافظ ابوبكر البلخى ، محمد بن العباس بن الحكم المرزى ، محمد بن
 عبدربه النيسابورى ، محمد بن على بن سعيد بن جرير النسوى ابو عبدالله ، محمد بن
 على بن عثمان بن حمزة الانصارى ابو عبدالله المدنى ، محمد بن على بن الحسن بن خليل
 النيسابورى ابو عمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمد بن عبدالله النيسابورى
 محمد بن عبدالله بن مهدي بن ابي المهدي النيسابورى ابوبكر الشعرائى من قصبه المهرجان
 كثير الرحلة والحديث ، محمد بن ابو عبيدالله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادى ،
 محمد بن عمرو بن الربيع بن سليمان الطافى ابو عبدالله الطوسى ، محمد بن على القاضى
 ابو عبدالله المرزى الملقب بالخياط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نيشابور ، محمد
 بن على بن ابراهيم المرزى ابوتراب ، محمد بن العباس بن يوسف بن القسم بن سليمان
 بن سليط النيسابورى من المدينة الداخلة ، محمد بن على العمري ابو جعفر الشافعى
 سكن نيشابور ، محمد بن فراس ابو عبدالله الاسفراينى النيسابورى ، محمد بن الفضل
 محمد بن الطيب ابو الحسن النيسابورى و ملقب بفوز البشتى ، محمد بن فوز بن عبدالله
 بن مهدي النيسابورى ابوبكر العامرى ، محمد بن الفضل بن عصمة النيسابورى ، محمد
 بن قتيبة بن عبدالله بن موسى النيسابورى ابوبكر الاسفراينى ، محمد بن القاسم ابونعيم

صاحب الرباط هراوه ؛ محمد بن قبيصة اللقبادي ابوبكر النيسابوري ، محمد بن كرام العابد ابو عبدالله السحري وقيل انه من بني قرا مولده بقريه من قري زرنج و نشأ بسجستان وحصل عند احمد بن حرب في خراسان ، محمد بن الليث ابو عبدالله النيسابوري محمد بن محمد بن رجاء بن السدي ابوبكر النيسابوري من اهل اسفراين ؛ محمد بن المسيب بن اسحق بن ادريس النيسابوري ابو عبدالله الارغثاني وكان من العباد المحتهدين ، محمد بن المنذر بن سعيد بن عثمان الهروي ابو عبد الرحمن شكر ، محمد بن ماهان الجويني ، محمد بن منصور النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن محمد بن شاد النيسابوري ابو عبدالله الرادساني ؛ محمد بن محمد بن سعيد بن عبد الحميد الانصاري ابونصر المقيم بنشابور ، محمد بن موسى الواسطي ابوبكر الصوفي صاحب الاحوال قد سكن بنشابور مدة ثم سكن بمر و صار له بها اصحاب من افضل المسلمين وتوفي بها ، محمد بن مهرا ن النيسابوري ، محمد بن مصر بن معن المرزوي ابومضر الرباطي صاحب الاخبار و الحكايات ، محمد بن نصر الامام ابو عبدالله المرزوي الفقيه العابد العامل امام اهل الحديث في عصره بلا مدافعه وتوفي بسمرقند في المحرم سنة اربع و تسعين ومات بن وقيل رجال خراسان اربعة ، عبدالله بن المبارك ويحيى بن يحيى واسحق بن ابراهيم الحنظلي و ابو عبدالله محمد بن مضر المرزوي ، محمد بن نعيم بن عبدالله النيسابوري ابوبكر المدني وذلك ان منزله ومسجده في المدينة الداخله فنسب اليها من اعيان المحدثين الثقات الانبات ، محمد بن النصر بن سلامة الحرودي بن يزيد ابوبكر الجارودي شيخ وفيه وعين علماء عصره خطأ وكمالا وثروة وخططة المشهورة ومسجده في المربعة الصغيره والجارود جد ابيه صاحب ابي حنيفة ، محمد بن نصر الفراء النيسابوري محمد بن هاشم بن زياد الترمذي ، محمد بن هارون بن سعيد بن عبد الحكيم السمرقندي

الكاغذى ابونصر ، محمد بن يحيى بن سهل النيسابورى ابوبكر المطرز والمسجد فى
المربعه منسوب اليه وهى خطه كثيره لاهل الحديث ، محمد بن يحيى بن خالد بن مهران
النيسابورى ابوبكر الاعوج ، محمد بن ابي يزيد بن صالح الفراء النيسابورى ابواحمد بن
ابى خالد ، محمد بن ياسين بن النصر بن سليم بن ربيع الباهلى ابوبكر الفقيه النيسابورى
محمد بن ياسين بن النصر ابواحمد النيسابورى الفقيه اخو ابوبكر ، محمد بن يحيى بن
خالد ابويحيى المروزى ، محمد بن يحيى بن عبدالرزاق البخارى ، محمد بن يحيى بن
مهران ابوبكر المستملى النيسابورى ، محمد بن يوسف بن مغلل ابو عبدالله النيسابورى
الاموى ، محمد بن يوسف بن سعيد ابو حمزه النسوى ، موسى بن اسحق بن موسى الحطمي
ابوبكر الانصارى القاضى ، موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ ابو عمران البزاز ،
موسى بن محمد بن موسى النيسابورى الذهلى ابو عمر والاعين ، موسى بن عبدالمؤمن
النيسابورى ابو العباس البشتى محدث مفيد واسع الرحله ، موسى بن الحسين بن
عبدالرحمن النيسابورى ابو عمران السيهقى مضارب بن ابراهيم النيسابورى ، ابو الفضل
الاديب وكان اوجد عصره بنيسابور فى الادب والنحو ، المذكور بن الحارث النيسابورى
ابو الليث البوزجاني ، مطهر بن محمد بن يحيى النيسابورى ، ابو على منصور بن على
بن عبدالله النيسابورى ابونصر السخيتاني ، منصور بن اسد النيسابورى ، مكى بن
محمد بن احمد بن ماهان ابو العباس البلخي ، مكى بن عبدالغفار النيسابورى مسدد بن
قطن بن ابراهيم النيسابورى ابو الحسن القشيري وكان مزكى عصره والمقدم فى الزهد
والورع واكبريت فى العلم بنشابور بيته من الطرفين جميعاً ، موقل بن الحسن عيسى بن
ماسر خسى النيسابورى ابو الوفا الماسر خسى شيخ بنشابور فى عصره ابوة وثروة وكمال
عقل وكرماً حتى يضرب به المثل فى ذلك ، محمود بن هزيمة النيسابورى المقرئ ،
محمود بن عبدالرحمن البلخي مقبل بن رجالطوسى ، محيب بن ابراهيم بن سليمان بن

ابراهيم بن يزيد النيسابوري ابو عوانة الاسفرايني من علماء الحديث ومن الرحالة في اقطار الارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبد الله بن خالد بن حموك ابو يعقوب المرورودي من اعيان محدثي خراسان المشهورين بالطلب والرحلة وتوفي بمرورودي سنة ست وتسعين ومائتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابو عمر والنيسابوري نزيل بغداد يوسف بن الجوزجاني ابو يعقوب العابد النيسابوري ، يوسف بن ابراهيم النيسابوري ابو يعقوب الماكياني ، يونس بن ابراهيم بن النصر ابو محمد النيسابوري .

ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث

فيها من علماء السلميين رضی الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابوري ابو حامد الاسفرايني ، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن موسى الحيري ، احمد بن ابراهيم بن احمد بن حاجب النيسابوري ابو سعيد الحاجي وكان ملقب بحمدان ، احمد بن ابراهيم بن داود النيسابوري الميداني من ميدان زياد وتوفي سنة خمس عشر وثلاث مائة احمد بن ابراهيم بن شادان بن عبد الله النيسابوري ابو حامد الخفاف ؛ احمد بن اسحق ابو حامد البزاز النيسابوري ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النيسابوري ابو حامد المقرئ الصرام وكان من كبار قراء المجتهدين ، احمد بن بشر بن محمود النيسابوري ابو يحيى الاسفرايني ؛ احمد بن جعفر بن مشكان النيسابوري ابو حامد الخفاف ، احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الوحامد الشيباني النيسابوري ، احمد بن حمدان بن علي بن سنان النيسابوري الزاهد العابد ابو جعفر بن حمدان الحيري وكان مجاب الدعوة وتوفي رضي الله عنه سنة احدى عشر وثلاثمائة بنشابور قبل ابي بكر محمد بن اسحق بن خزيمه ، احمد بن حمدويه بن موسى النيسابوري ابو حامد المؤذن وكان من اعيان الصالحين جاور مكة خمس سنين احمد بن حامد بن ابي حامد ابو عمر

الشاشي ، احمد بن الحسين النيسابوري ابو حامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمد بن عبدالله بن بكر بن جعد المذكر ابو حامد النيسابوري المعروف بالدقاق ، احمد بن جعفر بن عمير المروزي ، احمد بن السري بن سهل النيسابوري ابو حامد الجلاب وكان مسكنه كالماباد ، احمد بن سعيد العابد النيسابوري ، احمد بن شادان بن محمد النيسابوري ابو العباس الانفرايني ، احمد بن عبدالرحمن بن محمد بن نصر النيسابوري احمد بن عبدالرحمن ابو حامد السرخكي وهي قرية على باب البلد ، احمد بن عبدالرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو بكر الجودي ، احمد بن عبدالرحمن بن اسمعيل النيسابوري ابو حامد الجلودي ، احمد بن علي بن الحسين بن شهر يار الحافظ النيسابوري المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا في عصره وكان ابوه من الري سكن بنشابور وبها نشأ ومات وقيل مات في سنة خمس عشرة وثلثمائة بالطايران من طوس و هو اربع وخمسين سنة ، احمد بن عبيد بن عبدالعزيز ابوطاهر النسوي ، احمد بن عبدالله ابو حامد الذهلي النيسابوري احمد بن محمد بن الحسين الحافظ ابو حامد بن الشرقي النيسابوري صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره في المفرقة ومات في رمضان سنة خمس وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة شاهنبر والخطبة المشهورة بالشرقيين في اعلى الزمجار ، احمد بن محمد بن همام ابو الحسين النيسابوري ، احمد بن محمد بن سعيد النيسابوري ، ابوبكر بن ابي الحجارة شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمد بن اسحق ابو حامد الوراق النيسابوري ، احمد ابو علي النيسابوري احمد بن محمد بن حامد بن منصور بن الفضل البزاز الطوشي ابو حامد سكن بنشابور وقال الحاكم واطنه نيسابور يا ولي قضا طوس ونسب اليها ، احمد بن محمد بن يحيى النيسابوري ابو الحسن الرازي احمد بن محمد بن علي الفقيه ابو خاتم النيسابوري و يعرف بالسحري ، احمد بن محمد بن ابو حامد الغازي ، احمد بن محمد بن رنحويه الموازي ، احمد بن

محمد بن ادم الساسي، احمد بن محمد بن عبد الرحمن بن عمر الحكيم العبدى، احمد بن محمد بن
 الحسين النيسابورى ابو الحسين الحداسي، احمد بن محمد بن عمر بن جعفر بن حفص
 محمد النيسابورى ابو عمر والسمسار وكان من المتعصبين لاهل السنة الباذلين للمال و
 الجاه وكان ابو مجاب الدعوة، احمد بن محمد بن موسى النيسابورى ابو حامد القلاسي،
 احمد بن محمد بن يحيى بن بلال البزاز ابو حامد المعروف بالخشاب النيسابورى مدفون
 فى باب معمر، احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عماد الخزرجى ابو عمر والمزكى
 احمد بن محمد بن الحسين بن قريش الماهياني ابو نصر المروزي الغازى سكن نيشابور
 حتى مات بها، احمد بن محمد بن حمدان المؤدب ابو حامد النيسابورى، احمد بن
 محمد بن صالح النيسابورى، احمد بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله العمري،
 احمد بن منصور المروزي الاحول، احمد بن محمد بن معروف النيسابورى، احمد بن
 نصر بن محمد بن اشكات التجارى ابو نصر الزعفراني، احمد بن يونس بن ابراهيم بن
 النصر النيسابورى ابو العباس، احمد بن يوسف الصابوني الفقيه ابو الحسن المناظر،
 احمد بن يحيى بن سعيد النيسابورى ابو حامد الكردي، ابراهيم بن محمد بن نصر النيسابورى
 ابو اسحق الكراميسي، ابراهيم بن الحسين بن محمد ابو اسحق المقرئ، ابراهيم بن
 محمد بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى الفقيه وكان يعرف بالخداسي من باب عروسة
 خدام وهو من اجلة الفقهاء لاهل الراى، ابراهيم بن احمد بن محمد النيسابورى ابو اسحق
 السختياني، ابراهيم بن اسحق بن ابراهيم الاديب النيسابورى ابو اسحق المروزي، ابراهيم
 بن محمد بن مرشد النيسابورى ابو اسحق المعدل النيشابورى، ابراهيم بن ابي مطيع
 ابو اسحق النيسابورى القطان، ابراهيم بن محمد بن قميصه ابو اسحق النيسابورى،
 ابراهيم بن محمد ابو اسحق النيسابورى المعروف بالايوردى، ابراهيم بن احمد بن
 الحسين ابو اسحق النيسابورى المعروف بالبغدادى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن شداد

النيسابورى ابواسحق الشدادى الحاكم ، ابراهيم بن على بالويه ابواسحق البلخى ،
 ابراهيم بن محمد ابواسحق الرئيس البسطامى سكن بنسبور بباغ الدارس وبهامدرسته
 وداره اللتى بناها لاهل الحديث ابراهيم بن سيمجور ابواسحق الامير بن الامير العادل بن
 العادل ولى بنسبور سبع ستين فصارت ايامه تاريخا فى العدل و توفى ببخارا فى سنه
 خمس وثلثين وثلثمائه ابراهيم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر
 العرش ابواسحق العدل النيسابورى من محلة الحيره ، اسمعيل بن ابراهيم بن عمال
 الخرزجى الانصارى ابو محمد النيسابورى ، اسمعيل بن ابراهيم بن عبدالرحمن النيسابورى
 اسمعيل بن مطرب بن بحر بن سنان النيسابورى ابو عبدالله الزهبجارى ، اسحق بن ابراهيم
 بن عبد الملك النيسابورى ابو يعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره اسحق بن عيسى
 بن يونس ابو يعقوب المرجانى ، اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابو يعقوب
 الجنابدى ، اسمعيل بن محمد ابو يعقوب الوراق النيسابورى وكان من الصالحين ،
 الياس بن محمد بن يوسف بن حفص ابو يحيى الطوسى ، احمد بن على بن الحين القاضى
 الترمذى ، بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمة ابونصر النيسابورى قال الطاهر محمد بن
 الفضل بن اسحق توفى عمى ابوالنصر سنه ثلاث وعشرين وثلثمائه يروى عنه هذا البيت ،

لسان الفتى نصب و نصف فؤاده فلم يبق الا صورة اللحم والدم

و كاي ترى من ساكت لك معجب زيادته او نقصه فى التكلم

بكر بن عبدالله بن محمد القاضى ابو على بن ابوبكر الحنالى الرازى وقدروى وحدث
 بالمناكير بكر بن محمد بن عبدالله النجارى ، بشر بن العباس بن الاشعث المروزى ، جعفر بن
 محمد بن احمد بن بحر بن التميمى ابو محمد النيسابورى جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد
 النيسابورى جعفر كى الغازى ، الحسين بن محمد بن الحسن بن ابراهيم القاضى ابو على الجنابدى
 ولى قضا بنسبور ، الحسن بن محمد بن ابراهيم ابوطاهر الجنابدى النيسابورى ، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادى السمسار وكان من العباد الحسن بن محمد بن
 بكر النيسابورى ابو على بن خان يحيى بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النيسابورى
 ابو على الشعيرى المعروف بحسن الوكيل، الحسن بن على بن الحسين جعفر النيسابورى
 ابو على من محله عمر آباد، الحسن بن محمد بن سنان النيسابورى ابو على السواق
 القنطرى، الحسن بن محمد بن ياسين بن النصر الباهلى النيسابورى، الحسن بن محمد
 بن قيس بن صالح النيسابورى ابو على البراز، الحسين بن محمد بن احمد بن يونس بن
 جندل النيسابورى ابو على القهستاني نزل ابوه بنسا بور، الحسين بن محمد بن هارون
 ابو على النيسابورى، الحسين بن محمد بن موسى بن محمود النيسابورى ابو على -
 السمسار وكان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحديث والرحلة، الحسين بن فوران
 النيسابورى، الحسين بن محمد بن بشر النيسابورى ابو على الانماطى، الحسين بن نصر -
 النيسابورى ابو على البارى وبارقرية من قرى بنسا بور، الحسين بن هارون ابو على -
 المراغى من الرحاله فى طلب الحديث و توفى بنيسابور سنة خمس عشرة و ثلثمائة،
 الحسين بن اسمعيل بن يحيى النيسابورى ابو على الصفار، الحسين بن بحر بن عبد الله -
 المعلم النيسابورى ابو على المعروف بالصوفى، الحسين بن محمد بن محمد مام التميمى
 ابو على الحاكم البلخى، حميد بن محمد بن على الشيبانى ابو عمر و النيسابورى يعرف
 بحميد الصبى، حامد بن محمود بن معقل النيسابورى ابو محمد القطان حامد بن محمود
 محمد النيسابورى ابو العباس المشهور بابى العباس بن كلثم الشاهد و مسكنه مكة
 مكش، حامد بن احمد بن محمد بن حبيب ابو احمد المروزى، حامد بن ابي حامد
 الاشروسنى حدث بنيسابور، حوتره بن محمد النيسابورى ابو محمد البرنودى خلف بن
 حنظلة بن خاقان السرخسى ابو محمد، زكريا بن محمد بن اكار المعدل النيسابورى،
 ابو يحيى الميدانى من ميدان زياد، زيد بن يحيى بن الحسين العامرى النيسابورى

ابوالحسين من محله دروان كوس ، سلمين بن داود بن عبدالله النيسابورى ابويوب و
 يعرف بابن داود النسوى و كان ابوه نزل بنسبور ، سهل بن عبدالله ابو حاتم السجستاني ،
 سفيان بن محمد بن حاجب بن محمود النيسابورى ابوالفضل الجوهري و كان من
 المشهور بطلب الحديث بخراسان و العراق و من اهل الثروة و الافضل على اهل العلم
 رحمة الله ، سلمه بن النصر بن سواده بن عقيل القشيري ابوالنصر النيسابورى من باب -
 الدير ، صالح بن نوح بن منصور النيسابورى ابوالفضل الفرهاد جردى ، صديق بن عبدالله
 الرادسائي النيسابورى ، طاهر بن يحيى بن قبيصة النيسابورى ابوالطيب البلخي ، عبدالله بن
 محمد بن عمر النيسابورى ابو محمد العطري ، عبدالله بن محمد بن ابراهيم النيسابورى
 ابو محمد الزوزني ، عبدالله بن محمد صبيح بن عبدالعزيز و هو ابو بكر بن سالم بن
 عبدالله عمر بن الخطاب العدوي ابو محمد الجوهري و منزله في سكه حمدان
 قال الحاكم رحمة الله و منزل ابي ايضا سكه حمدان و مسجده و مسجد ابي الذي كان
 عليه الميدنة قديما و قال ابي توفي عبدالله اخي من الرضا ع سنة خمس عشر و ثلثمائة ، عبدالله
 بن الفضل بن محمد بن عقيل بن خويلد الخزاعي ابو بكر النيسابورى عبدالله بن الحسين بن
 محمد النيسابورى ابو بكر المؤدب ، عبدالله بن محمد بن داود القشيري النيسابورى ابو محمد
 الدهان ، عبدالله بن محمد بن زياد بن فاضل الفقيه النيسابورى ابو بكر الشافعي سكن
 بغداد و كان امام الشافعيين في عصره ، عبدالله بن محمد بن مسلم النيسابورى ابو بكر
 عبدالله بن محمد بن هاشم بن طرماخ الطوسي ابو محمد و كان من اعيان المحدثين في -
 عصره ، محمد بن علي بن طرخان الباهلي ابو بكر البلخي محدث بلخ في عصره ، عبدالله بن
 محمد بن منازل النيسابورى ابو محمد الصوفي المجرى على الصحة و الحقيقه لاعلى
 مجرى العاده و توفي رضي الله عنه ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنة احدى و
 ثلاثين و ثلثمائة و دفن في مقبره شاهنيرول. حالات عجيبة قال ابو عبدالله الملقابدى

عالت عبدالله بن منازل في طريق الحج و معنا ابو علي التقي و كنا نجتمع و يذكره
فضل الحفيد بن محمد فنزير ناشوقا الى لقائه و عبدالله بن منازل ساكت فلما دخلنا بغداد
فقلت انا و ابو علي التقي و قلنا لعبدالله قم بنا ترورا بالقاسم فقال اذهبنا اما قلنا لا تجئي
فقال لا فتعجبنا و ذهبنا اليه فزادت مشاهدته علي ما كان عندنا من اخباره فقال لنا هل
صبحكما غير كما قلنا بلي هل من اصحابنا يعرف بعبدالله بن منازل قال كيف لم يحضرنا
قلنا لعله فقال اذا نصرفتما الى فاستلاه ان يصبحكما قلنا نعم انصرفنا اليه و قصصنا عليه
ما سمعنا و وصفنا فلم يتكلم بشئ الى ان اصبحتنا اليوم الثاني و عرضنا عليه زيارة ابي القاسم
فامتنع قلنا اذا امتنعت فاخبرنا الذي منعك عن زيارة هذا الشيخ فقال لا بد ان اخبركم
قلنا لا قال ان كان امر ابي القاسم علي ما وصفتموه فمماثل ما سمعوه منه الا مثلا للطعام
الطيب تيناوله الرجل ثم يخرج فضله علي ما ترون و كذلك علم المعرفة انما يلقي الحق
الي من شاء من خلقه له طيبه ثم لا يخرج بلسانه و لا ينطقه الحق الا بارداه فلان اكون
منحوس الخطه بالكليه من ابي القاسم اخب الي من ان اكون مغبونا آخذ منه اردي
ما لقي و يبقى طيبه عنده فاعجبنا كلامه و قمنا من عنده حتى دخلنا ابي القاسم و رجب
بنا و سالنا عنه فقصصنا عليه القصة فبكي ابو القاسم حتى كاد ان يقشي عليه و سكنت ذلك
اليوم ولم ينطق الي ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النيسابوري ابو محمد الرلعي ،
عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النيسابوري ابو محمد العابد ، عبدالله بن محمد بن
ابراهيم البحاري ابو محمد الداعوني ، عبدالله بن حمشاد بن حنبل بن عمران بن حماد
ابو عبد الرحمن المطوعي من سكة نوند ، عبدالله بن حميد بن معقل القنطري ، عبدالله
بن سعيد النسوي ، عبدالله بن احمد النيسابوري ابو محمد الوبري ، عبدالله ابن
عبد الرحمن بن الحسين القاضي بن القاضي ابو القاسم الحاكم ، عبدالله بن سلمه المودب
ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن سعيد مخلد الطوسي نزيرل بنساپور ، عبدالله بن محمد بن

سلمه النيسابورى ابو محمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن يعقوب البخارى ابو-
محمد الفقيه الكلابادى المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين
الماسرخسى ابو محمد النيسابورى ، عبدالله بن اسحق بن يعقوب الكرماني وغيره ،
عبدالله بن محمد بن الحسين بن الشرقى ابو محمد النيسابورى اخو ابى حامد وكان
اسن منه وامند منه ، عبدالله ابن فارس بن محمد بن على البلخى ابو ظهير العمرى ، عبدالله بن
ابى صالح المذكر ابو عبد الرحمن الزاهد المتكلم وكان من المجتهدين فى العباده
ولكن انه راي ، راي القدر ، عبيد الله ابراهيم بن بابويه النيسابورى ابو القاسم مزكى
عصره ومن اعيان المشايخ ومسجده المعروف فى سكه معقل ، عبيد الله بن محمد النيسابورى
المعروف بعبد الوراق ، عبيد الله بن يعقوب بن يوسف الرازى ابو القاسم الواعظ وتوفى
بنيسابور ودفن فى مقبره باب معمر ، عبد الرحمن بن محمد بن الحسين بن على بن احد
النيسابورى ابو القاسم المذكر الواعظ الاديب الاوحد فى عصره فى صنعته بسلامدافعه
وله كرامات مشهوره رضى الله عنه ، عبد الرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السرخسى
المذكر ابو بكر سكن نيسابور الى ان توفى بها ، عبد الرحمن بن محمد بن سليمان
النيسابورى ابو محمد من قريه بقو حك ، عبد الرحمن بن محمد بن علويه الابهري
ابو بكر القاضى ولى قضاء طوس وايه رد ، عبد الواحد بن سعيد النيسابورى ابو احمد-
الارغمانى ، عبد العزيز بن الحسن ابو بكر البردعى العابد ، عبد العزيز بن محمد الخشاب
ابو عمر النيسابورى وكان من الزهاد يسكن سكه تنكش ، عبد الملك بن محمد بن عدى
الجرجاني ابو نعيم الفقيه الاسترآبادنى ، عبد الواحد بن محمد بن احمد بن بالويه النيسابورى
ابو الحسن البالوى الحيرى ، عبد الواحد بن محمد النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد
النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد بن هانى ابو حاتم شيخ ال هانى و اشتغل بالفتوة
فصاروا احد اهل بلدنا فيها ، عمر بن على بن عبد الرحمن الجوهرى ابو حفص المروزي
المعروف بابن عليل ، عقيل بن اسحق ابو حاتم النيسابورى المعروف بعقيل القنارزى

على الوراق وهو ابن محمد بن احمد بن علي بن عبدالله بن نور النيسابوري ابو محمد
 من سكه عاصم ، علي بن ابي علي النيسابوري ابو الحسن الزياتي ، علي بن نصر بن عماد
 الخزرجي ابو الحسن المعروف بابن الحسنك ، علي بن ابراهيم بن معاوية النيسابوري
 ابو الحسن المعدل وكان من الصالحين ، علي بن محمد بن محمود النيسابوري ابو الحسن
 الضير ، علي بن محمد بن احمد النيسابوري ابو الحسن القاضي من راس جوس ابي
 الغبير ، علي بن الفضل بن طاهر البجلي ابو الحسن الحافظ ، علي بن الحسين بن محمد
 بن حمدويه السنجاوي المروزي ، علي بن قاسم بن علي النيسابوري ابو الحسن الخوافي
 الاديب الشاعر . علي بن العباس بن سهل النيسابوري ابو الحسين المذكور ، علي بن
 الحسين الانماطي ابو الحسين النيسابوري ، علي بن محمد الطلحي الكوفي ابو الحسين
 نزيل بنسبور ، علي بن محمد بن اسحق المروزي ، علي بن سهل بن مصلح النيسابوري
 ابو الحسين ، عبدوس بن الحسين بن منصور ابو الفضل النصر آبادي ، عمرو بن عبدالله
 درهم النيسابوري المطوعي الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصري ، عمرو بن احمد بن
 محمد بن حمدان التسوي ابو القاسم نزيل بنسبور ، العباس بن الفضل بن الحسن
 النيسابوري ابو الفضل المحمد آبادي ، العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن
 داود النيسابوري ابو الفضل الفريد آبادي وهي قرية بباب البلد ، العباس بن محمد
 موهار النيسابوري ابو الفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابو الفضل الاصبهاني نزيل
 بنسبور ، العباس بن ابراهيم بن العباس النيسابوري ابو الفضل هذا شيخ من اسفراين
 من قرية كوران ، عمران بن موسى بن حصين السنجري نزيل بنسبور ، عباس بن
 حمويه بن احمد بن نصر بن زياد القاضي ابو الفضل المستملي ، فضل بن محمد بن عقيل
 بن خويلد النيسابوري ابو العباس و يلقب بفضلان الخزاعي و خطبهم برأس سكتة حرب
 مشهوره ، الفضل بن محمد بن احمد بن مطرف النيسابوري ابو العباس الكراميسي ،

الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النيسابوري ابو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمة
ابو العباس السلمي وهي اكبر ولد الامام ابي بكر ، القاسم بن عمر بن سلمين ابو محمد
النيسابوري اخو ابي العباس الكوكبي ، القسم بن محمد بن الحسين بن زياد بن الحسين
بن اسلم النيسابوري ابو محمد الاسلمي من باب معمر من مسكة ابي دز ، ليث بن محمد بن ليث
بن عبد الرحمن المروزي ابو نصر الكاتب ، محمد بن علي بن ابي طالب بن زياد ابو جعفر
القزويني ، احمد بن الحسين النيسابوري ابو احمد بن ابي العباس الماسرخسي ،
محمد بن عبد الوهاب الثقفي ابو علي الامام المتقدم به في الفقه والكلام والوعظ والورع
والعقل والدين

قال الحاكم سألت ابا محمد عبدالله بن محمد الثقفي عن نسبة جده فال
سمعت جدي ابا علي يتنسب ابا محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن
عبد الوهاب بن عبد الاحد بن ابي بن كعب و هو محمد بن الحجاج بن يوسف
بن الحكم و يتنسب الى مصر وقال كان ابي عبد الوهاب امير قهستان في عهد عبدالله
ظاهر فولدت بقهستان سنة اربع واربعين وماتين وقال ابو محمد توفي جدي ابو علي
رحمة الله ليلة الجمعة و دفن يوم الجمعة الثالث والعشرين من جماد الاولى
سنة ثمان وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة قز، وهي ابن تسع وثمانين سنة رضي الله
عنه وارضاه وحالاته مشهورة ، محمد بن جعفر بن ورثة النيسابوري ابو عبدالله المازني
محمد بن محمد بن سعيد النيسابوري ابو العباس البختری ، محمد بن زكريا
النيسابوري ابو بكر الكاغذي من مصنفی الحديث ، محمد بن الحسن بن الجليل
ابو بكر القطان اسند اهل نيسابور في مشايخ النيسابور بين في عصره ، محمد بن
حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري ابو بكر بن ابي حاتم السلي من اعيان
المحدثين وتوفي رحمة الله ربيع الاخر سنة عشرين وثلثمائة ودفن في مقبره الحيرة،
محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابوري ابو احمد البزاز مسجده وداره في ميدان

زياد، محمد بن سعيد بن اسمعيل النيسابورى الفقيه ابوبكر بن ابى عثمان الزاهد،
محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبرى ابوعبدالله النيسابورى وكان من اعيان
وجوه نيسابور، محمد بن عبدالرحمن الاصبهاني ابوجعفر الارزقاني من الحفاظ الاثبات،
محمد بن محمد بن يوسف قاضى القضاة بخراسان ابوذر البخارى محمد بن خالد بن احمد
الذهلى الامير، محمد بن على بن زياد النيسابورى ابو الفضل السمدى، محمد بن حمويه بن
عباد النيسابورى ابوبكر طهمان محمد بن الرومى ابو عبدالله الزمجارى، محمد بن ابراهيم
بن عبدويه بن سدوس بن على بن عبدالله الهذلى ابو عبدالله العدوى النيسابورى المعروف
بكثرة السماع والرحله والتصنيف، محمد بن حمدويه بن سهل الغازى ابو نصر المطوعى
المزورى، محمد بن الحسن بن اسحق النيسابور ابو جعفر الصوفى ويقال له الاصبهاني لان
اباه من اصبهان، محمد بن احمد بن ابراهيم الوراق ابوبكر الخياط الهروى، محمد بن
شريك بن محمد ابوبكر الاسفراينى، محمد بن سعد بن حمدويه النسوى ابو عبدالله، محمد
بن عمران بن موسى النسوى ابو جعفر الشرمغولى قريه نيسابور، محمد بن عبدوس بن
العلاء النيسابورى ابوبكر الاهارى محمد بن احمد بن قريش بن يحيى النيسابورى ابوبكر
الكاتب ويعرف بالابرض ومسكنه محلة باب الدير وهو من اهل الصدق، محمد بن شعيب
بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى الفقيه ابو الحسن ابو الحسن العجلي السيهقى، محمد بن
هرون بن منصور النيسابورى ابو سعيد المسكى وكان من الاعيان فى الحديث والعقل
والثروة والسخا، محمد بن على بن الحسين البلخى ابو عبدالله الختائى، محمد بن احمد بن
ابراهيم ابوبكر النيسابورى الصوفى، محمد بن جعفر بن سليمان النيسابورى ابوبكر
الصيرفى محمد بن همام بن معوية النيسابورى ابو عبدالله المهلبى، محمد بن الحسين
بن اسحق المقرئ النيسابورى ابو عبدالله، محمد بن محمد بن صديق النيسابورى ابو حامد
محمد بن يحيى ابوبكر النيسابورى، محمد بن حسن بن عمرو بن عروة النيسابورى

ابو عمرو الزمجارى ، محمد بن ابرهیم بن عبدالله النيسابورى ابو بكر الخاررنجى ،
 محمد بن الفضل بن عبدالله النيسابورى ابو الفضل ، محمد بن اسمعيل بن عيسى الجرجانى
 ابو عبدالله المستملى ، محمد بن يعقوب بن اسحق الجوهرى ابو بكر النيسابورى ،
 محمد بن عمرو بن سلمة بن هشام النيسابورى ابو بكر البزاز ، محمد بن ابرهیم بن شاذان
 بن عقيل النيسابورى المذكر ابو بكر الاكارعى الشعرانى ، محمد بن احمد بن الحسن
 بن زياد القيمى ابو الفضل النيسابورى الزورابدى وخطه تم باب معاذ سكة الرشنه ،
 محمد بن احمد بن فوران النيسابورى ابو بكر الدهان ، محمد بن ابراهيم بن فوران
 النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن اسحق بن محمد بن ابوتراب الموصلى ، محمد بن
 اسحق بن عبدالله النيسابورى ابو احمد الشاد ياخى ، محمد بن احمد بن زهير
 بن ظهمان القيسى ابو الحسن الطوسى محدث كثير الحديث و التصنيف ، محمد بن
 الحسن بن حميد بن معقل النيسابورى ابو بكر الصوام ، محمد بن على بن حمويه
 النيسابورى ابو العباس العطار ، محمد بن حسنويه بن على النيسابورى الشيخ الصالح
 ابو بكر ، محمد بن منصور بن عبدالله الزاهد النيسابورى ابو عبدالله وكان دجاب الدعوة
 رحمة الله محمد بن حمدان بن سهل بن دوسى النيسابورى ابو بكر الصانع ، محمد بن عبدوس
 النيسابورى ابو عبدالله السيسر آبادى ، محمد بن على بن الحسن النيسابورى ابو جعفر
 النحترى ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب النيسابورى ابو عبد الله التاجر ، محمد بن
 هارون بن مطرف بن اسحق النيسابورى ابو جعفر و يعرف بابى المطرفى ، محمد
 بن حسنويه بن اسمعيل النيسابورى ابو بكر الفانى ، محمد بن احمد بن الفضل النيسابورى
 ابو احمد الشخنانى ، محمد بن احمد بن اسمعيل الحثعمى و كان قاضى الرى ، محمد بن
 احمد بن عمرويه النيسابورى ابو عبدالله اليبلى الشاهد ، محمد بن سلوان الكرايسى
 ابو بكر النيسابورى ، محمد بن سهل بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله المؤدب ، محمد بن

احمد بن الحسن النيسابوري ابوبكر الكاتب ، محمد بن احمد بن اسد بن مشكان
 النيسابوري ابو عبدالله المروزي ، محمد بن موسى بن معاوية النيسابوري ، محمد بن
 ابراهيم بن اسمعيل الطوسي نزيل نيسابور ، محمد بن موسى بن محمد بن زهير النيسابوري
 ابو حاتم السخستاني ، محمد بن عقيل بن فضاله النيسابوري ابوبكر ، محمد بن علي بن
 الحسن ابو عبدالله البخاري ، محمد بن الحسين بن الهيثم ابوبكر الخزاعي البصري ،
 محمد بن عبدالله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروي المزني ، محمد بن جعفر ابو
 عبدالله القصاب النيسابوري ، محمد بن جعفر بن محمد بن نصر بن زهير النيسابوري ، محمد بن
 الحسين بن محمود ابوبكر العابد النيسابوري ، محمد بن عبدالله ابو الفضل السخستاني
 النيسابوري ، محمد بن الحسين ابو عبدالله الباغكي النيسابوري من محلة باغك ، محمد بن
 الحسن بن ابي سعد يحيى بن منصور ابو الفضل الشهيد الحافظ الهروي ، محمد بن
 احمد بن حمويه ابو عبدالله المزوري ، محمد بن احمد بن هارون بن حنان النيسابوري
 ابو عبدالله القرشي ، محمد بن ابي سهل الرباطي المزوري محمد بن الحسين بن معاذ
 النيسابوري ابو الحسين المازلي ، محمد بن يعقوب بن داود الفارسي ابو عبدالله الموسد خابى ،
 محمد بن احمد بن هلال ابو النصر السمرقندي ، محمد بن يعقوب ابو جعفر الواظط
 الطبري ، محمد بن عبدالرحيم الشاشي ، محمد بن حمويه النيسابوري ابو عبدالله الحزكي ،
 محمد بن محمد بن ابراهيم النيسابوري ابوبكر النسوي ، محمد بن الطمعون ابوبكر
 بن محتاج الامير صاحب جيوش خراسان ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد الفقيه ابو العباس
 الدعواني امام عصره بخراسان اقام بنيسابور مستقيماً ، علي بن محمد بن يحيى الذهلي
 وعبدالرحمن بشر واقرا نهماسنين وبعدهم محمد بن اسحق وابو العباس السراج ما كان احمد
 مثله ، محمد بن احمد بن يوسف السلمى ابوبكر النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد
 بن السيب الشعرائي النيسابوري ابوبكر البيهقي ، محمد بن نصر بن عمارة الانصاري ابوبكر
 النيساري ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عمارة الخزر جي الانصاري ابو الحسن النيسابوري

روى عن فضيل بن عياض وكنا نستطب اذا مرضنا فصارها لكانا بيد الطيب فكيف
 نجز غصتنا بشئى ونحن نقص بالماء الشريب، محمد بن يحيى بن سعيد النيسابورى
 ابوبكر الجلودى، محمد بن احمد بن على الرئيس ابوالحسن ابن ابي عبدالرحمن
 النيسابورى المعروف كان ابوه بابى عبدالرحمن العاتخدى وكان ابي الحسن رئيس
 بنيسابور فضايله كثيره رحمة له، محمد بن عبدالله بن محمد بن رجا بن سعيد بن علوان
 الورى ابو الفضل البلعمى رضى الله عنه واحد عصره فى الراى والعقل و اجلال العلم و
 اهله، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نى الطوسى سكن بنيسابور،
 محمد بن محمد ابو على القصاب الهروى، محمد بن على ابوبكر النيسابورى ابن اخت
 مسلم بن الحجاج، محمد بن احمد بن محمد بن زياد النيسابورى ابواحمد الملقب وكان
 وجوه البلد، محمد بن يونس بن ابراهيم بن النصر بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله
 المقرئ الشعرانى، محمد بن عثمان ابوالطيب القطان النيسابورى و كثر المقام
 ببغداد محمد بن محمد بن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابي الطيب، محمد بن عمر -
 بن جميل ابوالا حرز الطوسى الاصم، محمد بن احمد بن دلويه النيسابورى
 ابوالحسن الصيدلانى، محمد بن الحسين بن علا ابوالعباس الزبيرى النيسابورى من
 المدينة الداخلة، محمد بن احمد بن على النيسابورى الاديب ابوبكر العجلى، محمد
 بن على بن محمد ادريس النيسابورى ابو عمرو والمزكى، محمد بن قريش ابواحمد
 المروروى شيخ بلده، محمد بن الحسين بن يزيد بن عبدالرحمن ابواحمد الوراى
 المعروف بالحافظ وكان اهل طوس يسمونه النيسابورى و اهل نيسابور الطوسى و
 كان من نيسابورى من محله الحيرة، محمد بن احمد بن محمد بن معقل ابو على
 الميدانى من ميدان زياد، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبكر وكان من
 المجتهدين لا يشتغل الا بالصلوة والقراءة ولما توفى رغب الخلائق فى الصلوة

عليه اكثر من الاعياد ، محمد بن الطيب ابوالنصر الكشتى الزاهد ، محمد بن علي بن الحسن بن مهران بن عفان النيسابوري الحافظ ابوبكر التجار ، موسى بن العباس بن محمد النيسابوري ابو عمران الجويني من ازادوار و هو صنف على كتاب مسلم الحجاج ، مكى بن عيدان بن محمد بن بكر بن مسلم بن راشد النيسابوري ابو حاتم التميمي ، مسعود بن علي بن الحسن المروعي ابوالقاسم الجوال في طلب الحديث بمصر والحجاز ، معتز بن احمد بن يحيى الزمي من زم جيحون ابو احمد الحاجي ، محمود بن احمد بن عطا القهستاني نزيل نيسابور ، يحيى بن محمود بن عبدالله بن اسد النيسابوري ابو زكريا البرنودي ، يحيى بن عبدالرحمن النيسابوري ابو زكريا التميمي المعادي ، يعقوب بن محمد بن ماهان النيسابوري ابو يوسف الصيدلاني ، يعقوب بن اسحق بن الجعد النيسابوري ابو يوسف الجعدي شيخ من المشهورين يعقوب بن يوسف بن عاصم ابو الفضل العاصمي البخاري شيخ اهل بلدة في عصره ، يعقوب بن محمود المقرئ ابو يوسف النيسابوري من كبار القراء ، يعقوب بن يوسف بن يوسف ابو يعقوب المكاتب مرتع بشسفروش يوسف بن جميع النيسابوري .

قال الحاكم رضى الله عنه هذه اسامي المشايخ الذين مارزقت السماع منهم من هذه الطبقة فنشرع الان في اسامي الذين ادركتهم ورزقت السماع منهم بنسابة من هذه الطبقة ايضا على الترتيب المذكور .

احمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد بن عبدالرحمن بن نوح النيسابوري الفقيه ابوبكر ، الامام ، المفتي ، المتكلم ، الغازي ، الرئيس ، الزكي واحد عصره ، رضى الله عنه وتوفي شعبان سنة اثنى و اربعين و ثلثمائة وهو ابن اربع و ثمانين و اشهر و مناقبه كثيرة من الفقه والاصول والحديث الفروسيه مقدم في عصره في جمعها بلا مدافعه ، احمد بن ابراهيم المغنل الصيدلاني ابوبكر النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن اسمعيل الامام اسماعيلي النيسابوري

واحد عصره و شيخ الفقها والمحدثين و مات بجزان، احمد بن اسحق بن عبدويه
 ابونصر العبدوى النيسابورى رئيس نيسابور، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد
 الرازى ابوسعيد الصوفى تزيل خانقاه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم
 بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسى ابوحامد المقرئ تزيل بنسابور، احمد بن
 اسمعيل بن يحيى خادم الارزى ابوالفضل الاسماعيلى من وجوه نيسابور و اولاد
 العرب، احمد بن ابراهيم احمد بن عبدالله الرقى النيسابورى وردجده من الرقه جاء ايام
 الطاهرية، احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلى ابوالحسن العبدوى
 النيسابورى الزاهد اخو ابى عبدالله العبدوى .

احمد بن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الاصبهاني وكان مولده بنسابور، احمد
 بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوحامد المزكى النيسابورى، احمد بن اسحق بن
 ابراهيم بن يزيد العدل ابوالحسن النيسابورى والد ابى عمرو الصغير، احمد بن بالويه
 ابوحامد العصفى النيسابورى، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترابادى اقام بنسابور
 مدة، احمد بن بسام ابوالحسن البغدادى، احمد بن جعفر بن سليمان ابوحامد البزاز
 النيسابورى من دأرا بجرد، احمد بن الحسن بن منده ابو عمرو الاصبهاني تزيل بنسابور، احمد
 بن حسنويه على اللباد ابوالحسن النيسابورى التاجر، احمد بن الحسن بن الحسين بن
 منصور ابوالحسن النصر آبادى النيسابورى، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان
 الاصبهاني القاضى ابوبكر الطوسى وتوفى بنيسابور، احمد بن الحسين بن محمد بن
 على البلخى ابوحامد الفقيه الشافعى، احمد بن الحسين بن احمد بن عبيد بن الحسين بن
 الضبى ابونصر المروزى، احمد بن الحسين بن مهران الزاهد ابوبكر المقرئ النيسابورى
 امام عصره فى القرات وكان اعلم من رأينا من الفقرا وكان مجاب الدعوة، احمد بن
 الحسن بن احمد بن حفص بن مسلم بن يزيد بن على الخرسى النيسابورى ابو بكر

القاضي، احمد بن الحسين بن احمد بن نصر الفقيه النيسابوري وهو ابن ابي علي الفامي، احمد بن الحسين بن محمد حمويه النيسابوري والحسين يلقب محكومه ابو نصر الوراق احمد بن الحسين بن علي قاضي القضاة بخراسان ابو حامد المزوري وكان ابوه همدانيا احمد بن الحسين المحافظ ابو الفضل الاديب الشاعر، احمد بن الحسين ابو بكر السروري المقرئ، احمد بن الحسين التاجر ابو العباس الرازي من اعيان كتبه الحديث، احمد بن الخضر بن احمد بن محمد بن عبدالله نهبك الشافعي ابو الحسن الفقيه النيسابوري، احمد بن داود بن عيسى الهاشمي ابو العباس الطبري، احمد بن رافع بن الحسين ابو يوسف المزوري، احمد بن زيد بن محمد الطوسي ابو نصر التاجر، احمد بن سليمان بن اسمعيل ابو السنين بن نوح ابو سعيد الحيري النيسابوري وكان من الصالحين، احمد بن سعيد بن اسمعيل ابو الحسين بن ابي عثمان الزاهد النيسابوري، احمد بن سعيد بن نصر بن بكاد الزاهد ابو بكر الواظ البخاري، احمد بن سهل بن ابراهيم بن سهل الانصاري ابو حامد النيسابوري، احمد بن صالح بن علي المزوري، احمد بن طاهر بن عبدالله بن يزيد ابو علي بن طاهر النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر بن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزني صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم رضي الله عنه وكان امام اهل العلم والجود في عصره بلا مدافعه وكان من اولياء السلطان . وقال الحاكم انه هروي ولكن مات رضي الله عنه بيخارا و يعرف بابي محمد المزني . احمد بن عبدالله بن زكريا بن عبد الكريم بن عبدالله بن عبدالعزيز ابو الحسين بن زكريا الفقيه الشافعي الجرجاني ، احمد بن عبدالله بن سعيد ابو العباس الذهلي ، احمد بن عبدالله بن سرمد ابو الحسين الكرايسي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعيل الفقيه الشاهد ابو الحسين الطوائفي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين ابو نصر بن ابي محمد بن ابي العباس الماسرخسي النيسابوري، احمد

بن علي بن محمد بن ابراهيم بن احمدويه الاصبهاني تزيل بنسابور، احمد بن علي بن عبد الرحيم التاجر ابو حامد الصفار النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الفامي ختن -
الحاكم ابي علي الجنابدي ابوبكر النيسابوري، احمد بن علي بن الحسن بن شاذان المقرئ ابو حامد التاجر العابد النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الوراق ابو عمرو النيسابوري، احمد بن علي بن عمرو بن سليمق الزاهد البخاري ابو الفضل السلمين، احمد بن عبدوش بن سلمويه الصرام ابو حامد النيسابوري، احمد بن العباس بن عبيد الله المقرئ ابوبكر الامام البغدادي، احمد بن عبدالعزيز بن محمد بن اسحق بن ابراهيم -
اسحق بن ابراهيم الوراق ابو حامد النيسابوري عم ولد ابي عمرو الصغير، احمد بن عبد الله بن حمشاد بن محمد الغازي ابو نصر التاجر النيسابوري وعاشرا كابر الشيوخ من -
المتصوفة، احمد بن عمر بن سيويه المزوري، احمد بن عبد الله بن محمد ابو صابر الفقيه من اصحاب ابي العباس احمد بن هارون، احمد بن الفضل بن محمد ابو بكر البراز -
النيسابوري، احمد بن القسم ابو نصر الكاتب، احمد بن القاسم ابو نصر النيسابوري -
الكاتب وكان من اعقاب الحسين الفامي، احمد بن كوفي بن ايوب بن ابراهيم الاصبهاني التاجر ابوبكر، احمد بن الايث بن الحسين بن علي الزاهد الخياط ابو احمد النيسابوري
مجاور الجامع، احمد بن محمد بن عبدوس العبدى ابو الحسن الطرائفي النيسابوري وكان من اصحاب الصدق و المحدثين، احمد بن احمد بن سليمان الحافظ الحنفي
ابو الطيب الصعلوكي النيسابوري عم استاد ابي سهل رضي الله عنه ومدفون في مقبرة باغك، احمد بن محمد بن عبد الله القاضي ابو الحسين النيسابوري قاضي الحرمين وامام الكوفين
في عصره بلا مدافعه، احمد بن محمد بن يحيى المعدل ابو الحسن بن يحيويه النيسابوري واقام ببغداد مدة ثم رجع احمد بن ابراهيم الفقيه الاديب ابو جعفر الجرجاني تزيل
بنسابور، احمد بن محمد القاسم المذكور السرخسي اقام بنسابور، احمد بن محمد بن

سهل الفقيه البارع ابو الحسين الطبسى الشافعى، احمد بن نصر بن اشكاب البخارى، احمد بن محمد بن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من محله جلاباد وكان من الصالحين العباد، احمد بن محمد بن محمد بن ابراهيم بن عبده النيسابورى التميمى ابو الحسين السليطى، احمد بن محمد بن ايوب الواعظ المفسر ابو بكر الفارسى نزيل بنسبور، احمد بن محمد بن ابراهيم بن هاشم الحافظ ابو محمد البلاذرى الطوسى، احمد بن محمد بن اسمعيل بن مهران ابو الحسن بن ابي بكر الاسماعيلى الشاهد النيسابورى احمد بن محمد بن الحسين الواعظ ابو العباس النصر الدارى، احمد بن محمد بن سهل ابو الحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمد بن محمد بن الحسين الخطيب ابو حامد الخسرو جردى شيخ كبير، احمد بن محمد بن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ ابو سعيد قد جمع الحديث و صنف فى الابواب وهو نيسابورى و مات بطرسوس، احمد بن محمد بن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام فى عصره بنسبور، احمد بن محمد بن موسى بن كعب الشاهد ابو سعيد الكعبى النيسابورى وكان يقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقهه، احمد بن محمد بن الحسين الطوسى ابو تراب الواعظ النوقانى، احمد بن محمد بن عيسى بن الجراح الحافظ ابو العباس النحاس المصرى، احمد بن محمد بن ابراهيم الواعظ ابو حامد المقرئ النيسابورى ويعطى لكل علم حقه، احمد بن محمش بن مهران بن عبدالله الاصبهاني ابو العباس الكافورى، احمد بن محمد بن الحسين بن على ابوطاهر الطاهرى النيسابورى من محلة جودى، احمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابي- الحسين المعروف بالصندوقى النيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن باويه ابو حامد النيسابورى، احمد بن محمد بن عبدالله الاديب اللغوى العلامة ابو عمرو الرزدى النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمد بن ابو حامد الحازرنجى

امام اهل الادب بخراسان في عصره بلا مدافعه ، احمد بن محمد بن ابراهيم ابو عمرو -
 الزوزني الكاتب ، احمد بن محمد بن الحسين البخاري ابونصر الطلائى اباى الكاتب
 احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم الفقيه ابو الحسن اللحاتمى ابو حاتم الفقيه -
 المزكى المزورى ، احمد بن محمد بن الحسن الفقيه ابونصر الطرائفى النيسابورى
 احمد بن محمد بن اسحق المعدل ابو على البراز النيسابورى ، احمد بن محمد بن احمد
 بن محمد بن يحيى الانماطى النيسابورى ابن بنت ابى الحسين البراز ، احمد بن محمد
 بن ابراهيم ابونصر الطبسى التاجر نزيل نيسابور ، احمد بن محمد بن جعفر محمد بن يحيى
 بن نوح ابوالحسين البحرى النيسابورى ، احمد بن محمد بن عبدالله العنبرى ابومنصور
 الصوفى النيسابورى ، احمد بن محمد بن صالح القاضى المنصورى من اهل منصوره ،
 احمد بن محمد بن المومل بن الحسن بن عيسى الحافظ ابو حامد الفقيه الاديب المزكى
 الطوسى ، احمد بن المنصور بن محمد الحافظ ابو العباس الصوفى الشيرازى ، احمد بن
 موسى بن حماد ابو حامد النيسابورى ، احمد بن ابراهيم بن محمد الفقيه الزاهد ابو حامد
 البغولى النيسابورى ، احمد بن محمد بن معقل السرخسى ابو عمرو الكاتب نزيل مزينان ،
 احمد بن محمد بن مسيح بن وكيلى النجفى ابو سعيد الحافظ النسوى ، احمد بن محمد
 بن الحسن ابو عمرو بن ابي طاهر المحمد آيادى محلة خارج البلد ، احمد بن محمد بن
 شريك الفقيه ابو حامد الشافعى الهروى مفتى هراة فى عصره ، احمد بن محمد بن ابوب
 بن سليمان الفامى ابو حاتم الجوبقى النيسابورى ، احمد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن
 عبدالله بن محمد عبدالوهاب الصايغ ابو حامد النيسابورى ، احمد بن محمد بن اسمعيل
 البغدادى ابو الحسن الخلال ، احمد بن محمد بن ابراهيم بن جازم البخارى ابو نصر -
 الحازمى المؤذن ، احمد بن محمد بن حسويه العابد ابو بشر الحسنوى النيسابورى ،
 احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابو الحسين بن ابي نصر الخفاف المجاب الدعوة

احمد بن نصر بن محمد الزهرى ابو الحسن البغدادي الحنودي ، احمد بن هرون بن ابراهيم
الفيهي ابو العباس الحاكم المزكى شيخ اهل الراى فى عصره النيسابورى ، احمد بن يعقوب
بن احمد بن مهران بن عبدالله ابوسعيد الثقفى النيسابورى ، احمد بن يعقوب بن ناصح
الاصبهانى الاديب ابوبكر النحوى ، احمد بن يوسف بن عبدالرحمن الصوفى ابو حامد
العمروف بالاشقر ممن صحب المشايخ القدا بخراسان والعراق ، احمد بن يعقوب بن
عفر بن الجنيد بن موسى التميمى ابو الفضل الخجندى ، احمد بن يعقوب بن العاطر عبد
الجبار القرشى الجرجانى ، ابراهيم بن اسمعيل بن ابراهيم العابد ابو اسحق المعروف
بابو هتمك النيسابورى كان على رأس سكه خشاوزه وتوفى رحمة الله سنة ثمان وثلاثين وثلثمائة
وكان احدوب حتى رداوه فوق العمام ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن رجا الفرارى
النيسابورى ابو اسحق الوراق ، ابراهيم بن احمد بن عبيد الله المستملى ابو اسحق الهمدانى
الاعور ، ابراهيم بن اسحق بن حمويه البزاز ابو اسحق الرازى ، ابراهيم بن احمد الزاهد
ابو اسحق السلمانى النيسابورى ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن عبدالله الترنومدى ، ابراهيم
بن اسحق الاديب اللغوى ابو اسحق الضير ، ابراهيم بن جعفر السختيائى ابو اسحق النيسابورى
ابراهيم بن الحسن الفيهي ابو الحسن النيسابورى ، ابراهيم بن سيمجور الامير بن الامير ابو
اسحق بن ابى عمران الاديب والى اماره بخارا و هراة و مرو و نيسابور فاما بلاد قهستان
فلم نزل برسمه ، ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى ، ابراهيم بن على بن بالويه
البلخى ابو اسحق ، ابراهيم بن عبدالله بن اسحق العدل ابو اسحق الاصبهانى ، ابراهيم بن
الفضل الهاشمى اللغوى ، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم ابو اسحق الحرى المعروف بابى
الحامك الزاهد النيسابورى ، ابراهيم بن محمد بن احمد الفيهي ابو اسحق النجارى ،
ابراهيم بن محمد بن يحيى المزكى النيسابورى ابو اسحق شيخ نيسابور ، فى عصره توفى رحمة
الله سنة اثني وستين وثلثمائة ، ابراهيم بن محمد بن الحسين بن الحسن بن الخليل القطان

ابو اسحق العابد النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن مكتوم المستملى ابو اسحق المكتومى -
النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن احمد بن محمود الصوفى العارف ابو القاسم النصر -
آبادى النيسابورى الراعظ لسان اهل الحقايق، ابراهيم بن محمد بن محفوظ بن معقل
ابو اسحق المحموظى النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق -
المهاسمى المعدل ابو اسحق بن ابي الفضل بن فضلو به المزكى النيسابورى، ابراهيم بن محمد
بن عبد الله بن ابي بكر الخباز المذكر الرازى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم الفقيه الاصولى
ابو اسحق الاسفراينى، ابراهيم بن محب بن ابراهيم بن سليمان بن خالد العبدى ابو اسحق
النيسابورى، ابراهيم بن مضارب بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى، ابراهيم بن نصر
ابو اسحق المزورى، ابراهيم بن يوسف بن لقمان الفقيه البخارى، اسمعيل بن عبد الله بن محمد
بن ميكال ابو العباس الاديب الشريف النيسابورى شيخ خراسان ووجهها وعينها فى
عصره رضى الله عنه وميكال كان ابن الواحد بن جبرئيل بن اتق بن بكر بن ديوشى
وهو شور الملك بن سور بن شور بن سواربعة من الملوك بن فيروز بن يزدجرد بن بهرام
جور بن محمد بن احمد بن يوسف بن سالم بن خالد السلمى ابو عمر والزاهد
العابد شيخ عصره فى التصوف توفى الشيخ ابو عمر والنيسابورى رضى الله عنه ليلة السبت
الثالث عشر من ربيع الاول سنة خمس وستين وثلاثمائة ودفن بشاهنبر، اسمعيل بن محمد
بن الفضل بن محمد بن المسيب ابو الحسن النيسابورى الشعرانى وكان جده شيخ عصره
بخراسان وتوفى بقرية يهوق، اسمعيل بن احمد بن محمد التاجر ابو سعيد الهلال الجرجانى
سكن نيسابور وتوفى بها، اسمعيل بن عبد الله بن عمر سليمان ابو منصور بن ابي الياس
الكوكبى النيسابورى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن اسمعيل ابو محمد بن ابي الحامد
الا سماعلى الطوسى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن يوسف ابو ابراهيم الاسترابادى،
اسمعيل بن ابراهيم بن محمد الفقيه اسحق بن ابراهيم بن محمد بن محمد بن ابراهيم الحررجى

ابو يعقوب العماري النيسابوري، اسحق بن ابراهيم بن عمرويه البخاري ابو ابراهيم الفقيه، اسحق
 بن سعيد بن الحسن بن سفيان الشيباني ابو يعقوب النسوي، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد
 قيصه المعدل النيسابوري، اسحق بن محمد شاد الزاهد ابو يعقوب الكرامى شيخهم وامامهم
 ذكر الحاكم رحمه الله سمى من التقه انه اسلم على يد ابو يعقوب
 الكرامى من اهل الكتاب والمجوس بنيسابور ما يزيد على خمسة آلاف
 رجل و امرأة، اسحق بن احمد بن شيب بن الحكم ابو نصر الفقيه البخاري الصفار
 احمد بن احمد بن خير ابو احمد البخاري، اسد بن الهيثم بن عبيد الله المصري
 ابو الهيثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبد الله ابو سعيد الرستمي الهروي، اسامة بن على
 الهمداني نزيل بنيسابور، بكر بن محمد بن حمدان المرزى الصيرفي المعروف بالدهميسى
 بكر بن احمد بن زكريا ابو عمرو والشاهد المعروف بالعدنى، بالوية بن محمد بن بالويه ابو العباس
 المزنياني، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرف الاسفراينى، بشر بن محمد بن ياسين بن
 النصر بن سليمان النيسابورى القاضى القضاة بنيسابور، بشر بن عبد الله البصرى ابو احمد
 نزيل بنيسابور، جعفر بن محمد بن الحارث المرغى بنيسابور، جعفر بن احمد بن
 محمد الصوفى العابد ابو القاسم بن المقرى الرازى شيخ عصره فى التصوف والتوكل، جعفر بن
 نعيم بن شادان بن قنبر ابو محمد النيسابورى، جعفر بن محمد بن جعفر ابو محمد بن ابي بكر بن
 جعفر البشتى النيسابورى، جعفر بن الفضل بن عيسى الفقيه ابو محمد الشاشى، جميل بن محمد
 بن جميل ابو الحسين الرازى سمعه بنت احمد بن محمد بن عبيد الله الرئيس النيسابوريه
 من ولد عثمان بن عفان رضى الله عنه، الحسن بن ابراهيم بن يزيد الاسلامى ابو محمد
 الفارس القطان نزيل بنيسابور، الحسين بن احمد بن موسى ابو على الفارسى، الحسن
 بن احمد بن الحسن بن موسى القاضى ابو على البيهقى، الحسن بن احمد بن الحسن
 بن محمد ابو منصور بن ابي الحسن المعاذى المزكى النيسابورى، الحسن بن احمد
 عبيد الله ابو الغازى الصوفى البغدادى، الحسن بن احمد بن يعقوب بن موسى بن
 امير المومنين ابو محمد المامونى، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسى

النيسابورى ، الحسن بن محمد بن عبدالله الدينورى ابو محمد ، الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل ابو الفضل البخارى ، الحسن بن يعقوب بن يوسف الصوفى النيسابورى الزاهد صاحب الخاتمه مجمع الزاهد والصوفيه توفى رحمه الله فى رجب سنة ست وثلثين وثلثمائه وهو فى سن النبى صلى الله عليه وسلم و شهدت جنازته بالحيره ودفن بقرب المشايخ الستة ، الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن السجورى ابو محمد الاديب ، الحسن بن احمد بن موسى ابو على الفامى النيسابورى ، الحسن بن احمد بن الحسن القاضى ابو على البيهقى الاديب الفقيه ، الحسن بن محمد بن على ابو على بن ابي الحسن بن ابي عبدالله الطوسى الرود بازى ، الحسين بن على بن يزيد بن داود بن يزيد بن الحافظ ابو على النيسابورى واحد عصره فى الفحظ والايقان والورع والرحله ذكره فى الشرق كذكره فى الغرب مقدم مذاكير الائمة وكثرة التصنيف توفى رضى الله عنه الخامس عشر من جمادى الاولى سنة تسع واربعين وثلثمائه ودفن فى مقبره باب معمر ، الحسين بن داود بن على بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن على بن ابي طالب ابو عبدالله العلوى رضى الله عنهم ، الحسين بن الحسن بن ايوب الاديب ابو عبدالله الطوسى ، الحسين بن على بن محمد بن يحيى بن عبد الرحمن ابو محمد الحسينك بن ابو الحسن التميمى النيسابورى ، من بيت الثروة والمروءة قريب حسين بن معاذ ، الحسين بن سختويه ابو محمد البزاز ، الحسين بن محمد بن احمد بن ابو على الماسر حسنى النيسابورى الحسين بن احمد بن جعفر ابو على الكرامى النيسابورى ، الحسين بن محمد بن على بن محمد الزبيرى القرشى ابو على النيسابورى الحسين بن حميدى سيويه المعدل ابو عبدالله النيسابورى ، الحسين بن احمد بن عبد الرحمن ابو الصغار الهروى ، الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه ابو الطيب الشيرازى ، الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواعظ ابو سعيد البسطامى ، الحسين بن جعفر بن محمد الجرجانى ابو عبدالله الحسين بن جعفر بن يزيد ابو عبيد الله الرازى ، الحسين بن عبد الحميد بن

عبدالرحمن ابو عبدالرحمن الاديب النحوى النيسابورى، الحسين بن احمد بن جعفر -
الصوفى ابو عبدالله الرازى، الحسين بن يحيى بن زكريا بن يحيى الواعظ ابو على الشافعى
رضى الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسين بن الحسن القاضى ابو عبدالله الحكيمى، الحسين
بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز ابو عبدالله النيسابورى، الحسين بن على بن محمد الحسين
العلوى رضى الله عنه . الحسين بن على بن بندار ابو القسم بن ابي الحسن الصوفى ،
حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرئى ابو الوليد الفقيه امام اهل الحديث
بخراسان فى عصره توفى رضى الله عنه اليلة الجمعة الخامس من ربيع الاول سنة تسع
واربعين وثلثمائة ودفن فى مقبرة نصر بن زياد القاضى المدفون فيها ثلثة من الصحابه
و قد قال بعض العلماء فى الصيده التى يرئى له بها و قد بقى ريبه و مصرفه امام هذا
الدهور و الاعصار ابو الوليد الفقيه و السيد القوم و فخر الخلاق الاكبر معدن
كنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزيدى الحسينى العلوى
ابو على نجم اهل بيت النبوة فى زمانه الشريف حسبا و نسباً ، حمزة بن احمد بن
محمد بن حمزة الفقيه ابو على الشاعر الزوزنى ، حمزة بن عبدالعزيز بن محمد ابو على
المهلبى الصيدلانى النيسابورى ، حاجب بن احمد بن جم بن مقيان ابو محمد الطوسى
حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروى ابو على الواعظ المعروف بالوفا، حامد بن
محمد بن عبدالله الخياط النيسابورى ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفى
ابو احمد الكاغذى النيسابورى و توفى بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد
الفقيه ابو احمد المناشكى النيسابورى ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقيه
ابو منصور الجرجانى مات بنيسابور حيدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشى
النيسابورى ، حمد بن محمد بن الحظاب الفقيه الاديب البشتى ابو سليمان الخطايب،
خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامير بن الامير و من بيت ولاة خراسان الجليل

بن احمد بن الجليل القاصي شيخ اهل الرأي في عصره ، الخضر بن احمد بن محمد
 القرويني ابو علي ، الخضر بن محمد بن يحيى البلخي و كان ابوه بنيسابور ،
 خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البجلي النيسابوري ، خلف بن محمد الواسطي
 ابو محمد ، خطاب بن علي بن الخطاب ابو محمد القرويني ، خديجه بنت احمد بن
 محمد بن رجا القاضي النيسابوريه و كان ابوها ابورجاء قاضي القضاة و كانت تحسن
 العريه و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه ابو محمد السجزي شيخ اهل الحديث
 في عصره ، داود بن محمد بن نصير الاسفرايني ، داود بن محمد بن الحسين بن داود
 الحسين العلوي ، رشيق بن عبدالله الرومي ابو نصر يسكين طابران من قرى طوس ،
 رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودي : رافع بن عصم بن العباس الصبي الهروي ،
 ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زبير بن عبدالواحد بن احمد بن
 زكريا ابو عبدالله الاسترابادي ، زيد بن الحسين داود بن علي الحسيني العلوي ، زيد
 بن عيسى بن جعفر بن مهدي الكوفي الزبير بن عبدالله بن موسى بن الحارث الثوري
 ابو علي البغدادي ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسي ابو علي المقرئ
 شيخ عصره ، سليمان بن محمد بن ناجيه ابو القسم ابي بكر بن ناجيه النيسابوري ،
 سليمان بن محمد بن سليمان بن خالد العبدى النيسابوري من ميدان هانئ ، سليمان
 بن محمد بن داود الفقيه ابو علي الفقيه الداودي الهروي ، سليمان بن محمد بن علي
 ابو القاسم المناشكي النيسابوري ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابو عثمان
 السمرقندي سكن نيسابور من صباه الى ان مات بها ، سعيد بن نصر ابو عثمان الاندلسي ،
 سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشعبي ابو سعد ، سعيد بن القسم بن العلاء بن
 الخالد البروعي ابو عمر المطوعي ، سعيد بن محسن الفقيه ابو عثمان الكشي ،
 سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابو احمد المطوعي ، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

أبو عثمان الزاهد المغربي ولادته بالقيروان في قرية يقال لها كركنت، كان واحداً عصره
 في الورع والزهد والصبر وجاز مكة فوق العشرة وكان لا يظهر في الموسم وتوفي
 بنيسابور رضي الله عنه سنة ثلاث وسبعين وثلاثمائة ودفن بجانب أبي حفص وأبي عثمان
 في الحير رضي الله عنهم، سعيد بن المسيب أبو عثمان الشيرازي، سعيد بن مشكان أبو عثمان
 الفارابي، سعيد بن محمد بن الفضل الفقيه أبو سهل بن أبي سعيد النيسابوري، سعيد بن
 عبد الله بن سعيد بن اسماعيل بن أبو عمرو بن أبي عثمان النيسابوري، سعيد بن محمد بن أحمد
 بن سعيد الصوفي أبو عثمان النيسابوري، سهل بن محمد بن سليمان بن محمد سليمان العجلي
 نقيه أبو الطيب بن أبي سهل الحنفي الصوفي النيسابوري أي من نيتها، سهل بن أحمد
 بن سهل الديوتدي أبو سعيد المرزوق، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل أبو محمد بن أبي
 سلمة البخاري، سلمة بن أحمد بن سلمة بن مسلم الذهلي أبو نصر المعادي الأديب النيسابوري،
 سلمة بن محمد الفقيه أبو نصر الصيدلاني النيسابوري، سيمان بن عبد الله مولى الحارثية
 ويعرف عندنا بابي علي شداد بن أحمد البوزجاني أبو عبد الرحمن قريب أبي الفضل
 شافع بن محمد بن يعقوب الأسفرايني أبو النصر، شجاع بن الحسن أبو مقاتل الكاتب
 شعيب بن محمد بن شعيب بن محمد بن العجلي أبو صالح الليثي، سيبه بن محمد بن شعيب بن
 هارون أبو محمد الشعبي النيسابوري، صالح بن محمد بن داود أبو محمد الترمذي
 ضمرة بن يحيى دمشقي، طاهر بن محمد بن يوسف البوشنجي أبو الحسن الفقيه، طاهر
 بن محمد بن سهلويه بن الحارث العدل أبو الحسين النيسابوري، طاهر بن محمد بن
 عبد الله بن إبراهيم أبو عبد الله البغدادي نزيل نيسابور، طاهر بن محمد بن عبدان التاجر
 المعروف بابي الطيب بن عبدان وكان من الأئمة الصالحين

قال الحافظ أبو عبد الله: وكنت أتبرك بدعائه طاهر بن علي العماني، طاهر بن أحمد بن عبد الله
 نيسهقي أبو الطيب، طاهر بن أحمد بن محمد بن طاهر الوراق أبو القاسم المولقبادي النيسابوري،

ابو القاسم البخاري؛ عبدالله بن علي بن جمشاد بن شختوية بن مبرويه ابو محمد بن
ابن الحسن التميمي النيسابوري، عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر ابو محمد النيسابوري
عبدالله بن عالم بن حموية بن الحسين الصيدلاني ابو محمد، عبدالله بن فارس بن محمد
علي ابو ظهير البلخي، عبدالله بن الفضل بن الحسين البخاري، عبدالله بن القسم الكراميني.
عبدالله بن محمود بن حمدويه بن يعيم بن الحكم الموفن ابو محمد والد الحاكم

ابو عبدالله الحافظ النيسابوري مصنف هذا التاريخ، عبدالله بن محمد بن موسى بن كعب

ابو محمد الكعبي النيسابوري، عبدالله بن محمد بن علي بن زياد ابو محمد العدل النيسابوري

عبدالله بن محمد بن بديل ابو بكر البديلي البخاري المعروف بالاشقر، عبدالله بن محمد

ابن عمر الفقيه ابو محمد البخاري، عبدالله بن محمد بن محمد بن حموية بن عباد

ابو القاسم بن ابي بكر الططاني، عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن الصوفي ابو محمد

الخيرى النيسابوري المعروف بالرازي، عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابو طاهر

الجوني النيسابوري، عبدالله بن محمد بن عصام الرحي ابو القاسم الخيرى النيسابوري

عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضي ابو الطيب بن فورس النيسابوري، عبدالله

ابن محمد بن عبد الوهاب بن عطا القرشي الصوفي الرازي، عبدالله بن محمد بن عبدالله

الخيرازي الرازي، عبدالله بن محمد بن عبدالله الشيباني الذهلي نيسابوري، عبدالله

ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابو بشر الخياط النيسابوري وكان مجاب

الدعوة رضى الله عنه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن علي بن زياد انسدى النيسابوري،

عبدالله بن محمد بن محمد بن عيوس العدل ابو محمد الخيرى النيسابوري

عبدالله بن محمد بن مهيمن اليزدي ابو محمد التاجر وكان من اعيان خراسان، عبدالله بن

احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه ابو محمد البالوني النيسابوري، عبدالله بن محمد

ابن عبدالله بن دينار ابو محمد بن ابي عبدالله النيسابوري، عبدالله بن محمد بن قزلويه

الصوفي الزاهد ابو محمد المعروف بالمعلم النيسابوري ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد
 بن السري بن الصباح الكرماني ابو محمد القباني، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد
 ابن عبدالله المحمدي النيسابوري، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابو محمد الانمطي
 الزمجارى النيسابوري ودفن رضى الله عنه في مقبرة ابي على الثقفي، عبدالله بن محمد بن
 احمد بن محبوب التاجر ابي العباس المحبوبي المروزي، عبدالله بن محمد ابو القاسم
 الاصبهاني، عبدالله بن محمد الساعري ابو محمد المستملي، عبدالله بن محمد بن احمد بن
 حبيب الفقيه ابو ذر بن ابي جعفر الكرايسى النيسابوري، عبدالله بن محمد بن يرز
 التاجر ابو محمد التاجر الرازي تزيل بنسبور، عبدالله بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن
 اسحق الراهبي ابو محمد بن ابي الفضل النيسابوري، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
 محمد حمدويه بن نعيم ابو الحسن الضبي النيسابوري، عبدالله بن موسى بن رامك
 النيسابوري ابو القاسم تزيل ببغداد، عبدالله بن موسى بن الحسين بن ابراهيم السلامي
 ابو الحسن البغدادي، عبدالله بن مضارب بن ابراهيم ابو القاسم المقرئ
 انيسابوري وكان من العباد المجتهدين، عبدالله بن مفلح ابو محمد البغدادي تزيل
 بنسبور، عبدالله بن يحيى بن محمد بن عبدالله بن العنبري ابو محمد بن ابي زكريا العنبري
 النيسابوري، عبيد الله بن احمد بن محمد بن عبيد الله بن النصر بن محمد الرئيس بن الرئيس
 النيسابوري، عبيد الله بن احمد القاضي الكلابادي ابو القاسم البخاري، عبيد الله بن محمد بن
 نافع بن مكرم بن حفص الزاهد ابو العباس العابد البشتي وكان من الابدال و جرب
 مرة بعد اخرى انه كان مجاب الدعوة وتوفي رضى الله عنه سنة اربع وثمانين وثلثمائة
 ودفن في بيته، عبيد الله بن علي بن عبيد الله بن داود القاضي ابو القاسم الداودي المصري
 سكن بنسبور، عبيد الله بن محمد بن ابراهيم بن جبرئيل ابو بكر النيسابوري،
 عبيد الله بن ابي ذرين بن ابي رجا النيسابوري، عبيد الله بن محمد بن عبد الرحمن بن مخلد

الدهان البلخي، عبيدالله بن منصور بن عبدالله الكلاحي المصري الشاعر، عبيدالله بن محمد المتكلم النيسابوري ابونصر، عبيدالله بن محمد بن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهد البلخي، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعيد ابو محمد بن ابي بكر الجرجاني ولكن ابوه جرجانيا وهو نيسابوري، عبد الرحمن بن احمد بن حمدويه المؤذن ابوسعيد بن ابي حامد النيسابوري، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهد البغدادي، عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهيم التميمي النيسابوري الدهان، عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضي ابو محمد الجرجاني عبدالرحمن بن علي بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن ابوالفضل التميمي النيسابوري و كان من وجوه نيسابور: ثروة وشهامة ومروءة، عبدالرحمن بن محمد بن حسبكا ابوسعيد الحاكم العري، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ ابونصر العتيبي النيسابوري، عبدالرحمن بن الحسن بن يعقوب الصوفي ابوالقاسم بن الحسن الحداد النيسابوري، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقيه ابوالوليد النيسابوري، عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوالحسن بن اسحق المزكي النيسابوري، عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمعويه ابوسعيد النيسابوري، عبدالرحمن بن احمد بن جعفر ابوالقاسم الشيباني النيسابوري عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفي النيسابوري ابوالقاسم الحجاج حج بنقاو ثلثين حجة مدفون في مقبرة الحسين بن معاذ وهو مات بنساحم لتابوته الى نيسابور، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزي ابو محمد النيسابوري، عبدالرحمن بن علي بن محمد الترمذي ابوالقاسم صاحب الترمذ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ ابو بكر السرخسي عبدالرحمن بن محمد بن الحسن ابوه محمد النصر آبادي النيسابوري، عبدالرحمن بن حمدان الصيدلاني الزمجاري النيسابوري، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اسحق وجده امام اهل ابوبكر محمد بن اسحق وهو نيسابوري، عبدالرحمن بن محمد بن

احمد بن بسالویه ابو محمد المزکی النیسابوری ، عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن ابرهیم من اولاد سعد بن عباد الخزر جی الانصاری رضی الله عنه ابو محمد بن ابی عمر و العماری النیسابوری ، عبدالرحمن بن الحسن بن علی ابوسعید بن احمد بن علی الصفار النیسابوری ، عبدالواحد بن احمد بن عمر بن عبدالرحمن القرشی ابو عمر و الکندری ، عبدالواحد بن محمد بن الشاه ابوالحسین الصوفی الشیرازی ، عبدالواحد بن احمد بن القسم من ولد عبدالرحمن بن عوف وهو ابن ابی الفضل المعتکم الاشعری ، عبدالواحد بن محمد بن عبدالرحمن ابوالحسن النیسابوری ، عبدالواحد بن علی بن عبدالله ابوالیسار المروزی عبدالواحد بن عبدالعزیز بن الحارث التیمی ابوالحسن الواعظ الحنبلی ، عبدالصمد بن احمد بن الحسین بن علی الزیری ابو ذر القاری النیسابوری ، عبدالصمد بن محمد البخاری ابو محمد الحافظ النیسابوری ، عبدالحمید بن عبدالرحمن بن الحسین القاضی بن القاضی ابوالحسن بن ابی سعید النیسابوری و كان من افراد زمانه و من الدین به افتخار الاهل زمانه لاهل نیشابور خاصه توفی ببخارا رضی الله عنه حمل تابوته الی نیشابور ، عبدالعزیز بن احمد بن محمد اسحق ابو احمد الوراق النیسابوری ، عبدالعزیز بن عبدالملک بن نصر الاموی ابو الاصبع الاندلسی ، عبدالصمد بن محمد بن محمد بن اسحق الزاهد الصوفی ابو نصر بن احمد الصفار النیسابوری ، عبدالعزیز بن الحسن بن احمد بن الدارکی الاصبهانی ابوالقاسم الفقیه ، عبدالعزیز بن محمد بن الحسن الفقیه ابو الفضل البصری ، عبدالعزیز بن محمد بن الجعفری الدامغانی ابو محمد التاجر ، عبدالعزیز بن محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النیسابوری ، عبدالموهر بن عبدالملک ابو نصر الدهستانی ، عبدالرحیم بن محمد بن یحیی القاضی النیسابوری ، عبدالوهاب بن حمزه بن نصر ابو ابرهیم الجرجانی عبدالجلیل بن مذکور بن ثابت ابو محمد السعدی ، عبدالملک بن محمد بن ابرهیم ابوسعید بن ابی عثمان السواعظ

ابوذر النيسابورى و كان شيخ بنشابور فى عصره ، قيس بن طلحه بن احمد الفارسى
ابومازن ، قاسم بن عبدالله بن محمد العدوى ابونصر الجوهري النيسابورى ، قناده بن
محمد بن احمد بن عمر النيسابورى ، كثير بن احمد الوزير ابو منصور العميد القاينى
يتولى بنشابور نيفا وثلثين سنة و مات بهامخمل الى قاين ، كامل بن احمد بن محمد
ابن جعفر المفيد النيسابورى ، ليث بن طاهر بن الليث ابونصر النيسابورى ، ليث بن
نصر بن جبرئيل البخارى ابونصر الفقيه ، محمد بن احمد بن محمد بن زيد المعدل
ابوعلى بن حيكان النيسابورى ، محمد بن احمد بن بالويه الجلاب ابو محمد
المحدث النيسابورى ، محمد بن احمد بن طه الاصهبانى ابو عبدالله ، محمد بن
احمد بن سعيد ابو جعفر الرازى ، محمد بن احمد بن محمد بن عقبه القاضى ابو احمد
الحنفى المروزى ، محمد بن احمد بن عبدالله ابوالحسن الصفار النيسابورى ، محمد بن
احمد بن زكريا ابوالحسن بن زكريا كان من افاضل شيوخنا و هو نيسابورى و
مدفون بمقبره شاهنير ، محمد بن احمد بن الحسن الحيرى النيسابورى ابوالطيب
المتادلى ، محمد بن عبدالله بن محمد الفقيه ابوبكر البخارى ثم الاودمى ، محمد بن
احمد بن محمد بن ابوالحسين المعادى الحسن الاريب النيسابورى ، محمد بن احمد بن
محمد بن ابي الحيرى ابوبكر بن ابي الحسين الغازى النيسابورى ، محمد بن احمد بن
شعيب بن هارون ابو احمد الشيبى العدل النيسابورى ، محمد بن احمد بن اسحق بن
ابراهيم الصيدلانى ابو عمرو بن ابي بكر العدل الهتطيب النيسابورى ، محمد بن احمد بن
حمدون بن الحسن بن يزيد ابو بكر الطيب المذكر النيسابورى ، محمد بن
احمد بن اسحق ابو عمرو الصغير و لقد كان كبيراً فى العلوم و العدالة و هو نيسابورى ،
محمد بن احمد بن بشر الصوفى ابو منصور الحيرى النيسابورى ، محمد بن احمد بن
حمدان ابو عمرو بن ابي جعفر الحيرى النيسابورى ، محمد بن احمد بن موسى

النيسابورى ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابو عمرو بن ابى الحسين السحرى
 النيسابورى ، محمد بن احمد بن حاض الطوسى ابو بشر الحاضرى ، محمد بن احمد الخالدى
 النيسابورى ، محمد بن احمد بن الحسن ابو الفضل الصابع النيسابورى ، محمد بن
 احمد بن ثابت اليزاز ابو الحسين البغدادى ، محمد بن احمد بن جعفر ابو نصر الطوسى ،
 محمد بن احمد بن عبدس ابو الحسن الحاتمى النيسابورى ، محمد بن احمد بن
 عبد الاعلى ابو عبدالله المغربى ، محمد بن احمد الفقيه ابو بشر الاديب الشرطى ؛
 محمد بن احمد بن ابى الفواز ابو الفتح البغدادى ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب
 الواعظ ابوبكر الاسفرائينى ، محمد بن احمد بن يزيد ابوبكر الاصبهانى ولكن ابوبكر
 النيسابورى و ابوه كان اصفهانيا ، محمد بن احمد بن الحسين السمسار النيسابورى
 ابو طاهر الطاهرى ، محمد بن احمد بن محمد بن محمد بن خاقان ابو عبدالله البخارى
 محمد بن احمد بن يحيى الفقيه ابو الفضل الترمذى ، محمد بن احمد بن محمد التميمى
 ابو العباس بن ابى الحسن السليطى النيسابورى ، محمد بن احمد بن عبدالله السكرى
 ابو احمد المسكى النيسابورى ، محمد بن احمد بن محمد بن حفص الحرشى ابو نصر النيسابورى
 محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومى النيسابورى ، محمد بن احمد بن محمد
 الطوسى ابى بكر بن ابى تراب المسافرى النوقانى ، محمد بن احمد بن على ابوبكر
 القاضى الفارسى ، محمد بن احمد بن حنويه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوى
 النيسابورى من كبار مشايخ التصوف مدفون فى مقبره شاهنير ، محمد بن احمد بن محمد
 محمود ابو الحسن المراجمى النيسابورى نفعه عند الاستاد ابو الوليد ، محمد بن احمد بن
 عمر الخفاف ابو نصر النيسابورى ، محمد بن احمد بن الحامد ابو الحسن العطار النيسارى
 محمد بن احمد بن سهل ابو سهل الوراق الزوزنى ، محمد بن احمد بن عمرو النيسابورى
 محمد بن احمد بن على ابو الحسن الصنعى الخنجردى النيسابورى ، محمد بن احمد بن

محمد الفقيه ابو بكر بن ابي سعيد النسوي ، محمد بن احمد بن علي بن عبدالرحيم
ابوالحسن بن ابي احمد الصفار النيسابوري ، محمد بن احمد بن سعيد ابونصر بن
ابي سعيد الوالي النيسابوري ، محمد بن احمد بن علي بن شعيب ابوبكر الكرايسي النيسابوري
من خزن الدستي ، محمد بن احمد بن عبدالله الاردبيلي ابوالعباس الوراق ، محمد بن
الحسن بن سعيد الجرجاني ابوبكر الوراق ، محمد بن احمد بن محمد بن عقيل ابوبكر
القطان النيسابوري ، محمد بن احمد بن سعيد الانماطي البخاري ابو محمد ، محمد بن
احمد بن موسى القاضي ابو عبدالله الحازني الداري ، محمد بن احمد بن يحيى الفقيه
ابونصر السرخي ، محمد بن احمد بن بالويه ابو منصور الكسايني النيسابوري ، محمد بن
احمد بن يعقوب المذكي ابو عبدالله الاديب ، محمد بن احمد بن علي بن نصير المعدل
ابو عبدالله النصيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن عبدوس ابوبكر بن ابو علي بن عبدوس
النيسابوري المزكي ، محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمي ابو الفضل المزكي
النيسابوري و اكثر شيوخ نيشابور في العدالة ، محمد بن ابراهيم بن عمران بن موسى
الجوزي ابوبكر النحوي من جور فارس ، محمد بن ابراهيم بن علي حسنويه الزاهد
ابوبكر الوراق النيسابوري وكان من البكايين من خشية الله تعالى حتى لقب بالبكاء
محمد بن ابراهيم بن الحسن موسى المناشكي النيسابوري ابو العباس المحاملي ،
محمد بن ابراهيم الفامي ابوبكر النيسابوري ، محمد بن ابراهيم بن نصر ابو عبدالله الاربندی
محمد بن ابراهيم بن اسحق ابوبكر الصانع ، محمد بن ابراهيم بن ابي عمران الامير بن
الامير ناصر الدوله ابي الحسن النيسابوري ، محمد بن ابراهيم بن حمش ابو عبدالله
النيسابوري نزيل نسا ، محمد بن ابراهيم بن يحيى الاديب ابو عمرو البشتي وانشد
في ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضها هذا

ودع فكر جرجان فان شيوخنا ببلدة نيسابورا على فما الحزن

فيحيى بن يحيى لا يقاس بغيره
 و تابعهم اسحق لله درة نعم
 ابوالاظهر المفضل ثم ابن هاشم
 فمن مثلهم في حفظهم ومحلمهم
 و منا ابن اسحق الخزيمي شيخنا
 ولقد كان للاسلام ركنا ومركزاً
 و منا ابو عمر بن نصر رئيسنا
 و نفخر بالسراج فخراً مواظباً
 حسين و جاره دنيا و مسدد
 ولم اطمأن الا بذكر مفضل
 و بعدهم الشوقي ثم مؤمل
 و منا ابو عثمان ثم محمد
 و منا الاديب الاريحي الذي مضى
 و منا الفقيه البيهقي محمد
 و منا الرئيس الفاضل ايسد
 اقول له و العقول منى تحيت
 و منا من الاحياء طال بقاءهم
 كمثل ابي بكر بن اسحق صدرنا
 و منا من الاصحاب قامومنه
 لقد بلغوا في الدين اشرف خطبه
 و حسان سيف الله و الصارم الذي

كلاك به عزا اذ ا كنت ممتحن
 و الر باطسى فضلمهم غير مكتمن
 و مسلم ارباب الحديث فلا تجن
 فانارهم يسعى و تدفع في المحن
 و مفخر ناشيخ قوم المشايخ و الزمن
 فبقى الله قبراً فيه ذا شيخ مندفن
 به عرف العز الذي اهله سكن
 و با لحيرى من او ضحو السنن
 و عن جعفر بن العام بالحفظ مقرن
 ابي طالب كن بذكره مطمئن
 اثلت با لمكى يا حيد القران
 غيب ابا بكر افر داية ادن
 ابوالقاسم الشيخ المذكور و امنن
 فكيف الطبارى و موفى اللحد و الكفن
 الذي بنصرته لم ترتفع راس
 سلام على الرئيس ابي الحسن
 دوام لهم فضل و عبر بلا شحن
 امام الا سباب الفريض و السنن
 هو البقى الطالب الحمد بالثمن
 و يحيى بن منصور و هم سادة الزمن
 بدين به ولم يقر و الم يدن

عليهم صلوة الله ما در سارق
وكيل فقيه حاكم و مذكر
ويا صاح قمرى على شعبالنن
فمنا ابراهيم المداين والفظن

محمد بن ابراهيم بن على النيسابورى ابوالعباس من رستق باخرز ، محمد بن
ابراهيم بن سعيد ابوجعفر البوشنجى ، محمد بن ابراهيم بن ابو عثمان الزاهد النيسابورى
وكان من الصوفيد العباد رحمة الله عليه ، محمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد الصنعى
ابوالعباس اخو شيخ ابوبكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن يحيى ابوبكر الكسامى
النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن نصر الوكيل ابوبكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم
ابو سعيد الاديب النيسابورى ، محمد بن اسحق بن محمد بن يحيى الاصفهاني ،
محمد بن اسحق بن محمد المعدل ابوالحسن المولقا بادي النيسابورى ، محمد بن
اسحق بن بشرويه الزاهد من قرية ازاء ابوجعفر الزائى ، محمد بن اسحق بن محمد
السجستاني ابوالحسن النيسابورى ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعيد الكرايسى
النيسابورى المعروف بالبصرى ، محمد بن بكر بن بشر البونى ابو عبدالله الفقيه ،
محمد بن بسطام الحسن ابوجعفر الاستوائى ،

محمد بن جعفر بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابيطال البرضى الله
عنهم السيد ابوجعفر الموسوى وكان اوحدا الاشراف فى عصره ، محمد بن جعفر احمد بن
موسى الفقيه الاديب ، ابوبكر بن ابي جعفر المزكى البشتى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم بن
يوسف ابوبكر القامى النيسابورى ، محمد بن جعفر بن محمد بن مضر العدل ابو عمر و
الزاهد النيسابورى محمد بن جعفر بن محمود ابو سعيد الهروى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم
النسوى ابوجعفر ، محمد بن جعفر بن الحسين بن محمد بن المفيد ابوبكر البغدادي ،
محمد بن الحسن بن ابوطاهر المحمد آبادى النيسابورى ، محمد بن الحسن بن
على بن بكر العدل ابوالحسن النيسابورى ، محمد بن الحسن بن الحسين التاجر العدل

ابوالحسن من اجل مشايخ العلم النيسابورى ؛ محمد بن الحسن بن احمد بن اسمعيل
 ابوالحسن المقرئ السراج النيسابورى ، محمد بن الحسن المولقبابادى ، محمد بن
 محمد الصوفى ابوالعباس البغدادى ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابو عبدالله
 الجرجانى الحسين ، محمد بن الحسن بن فواك ابو بكر الاصبهاني ، محمد بن
 الحسن بن ثابت ابوبكر النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمى
 ابوالحسن الكرايسى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد ابوالحسن الجرجانى
 محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن المادى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن
 يحيى ابوجعفر المؤدب البشتى ، محمد بن الحسين الجرجانى ابو الحسين الخياطى
 النيسابورى الوراق امام نيشابور ، محمد بن الحسن بن زيد ابو احمد الوراق الطوسى
 محمد بن الحسين ابو عبدالله الانبارى الموضحى ، محمد بن الحسين بن داود الحسينى
 العلوى ابوالحسن النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن داود بن على ابو
 على الحمضى النيسابورى العلوى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن موسى السمسار
 النيسابورى ابوسعيد ، محمد بن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسابورى
 محمد بن الحسين بن موسى السلمى ابو عبد الرحمن النيسابورى ، محمد بن الحسين بن
 محمد ابوالفضل قاضى المعروف بالحدادى النيسابورى ، محمد بن الحسين الفقيه
 ابو عمرو البسطامى ، محمد بن حاتم الكشى ، محمد بن حيان التميمى ابو حاتم البشتى
 القاضى ، محمد بن حبان ابوالحسن السحورى النيسابورى ، محمد بن حفص بن عمر
 ابوالعباس النيسابورى المعروف بالهروى ، محمد بن حيان الصوفى ابوبكر صاحب
 الاحوال مدفون فى مقبرة الحسين رضى الله عنه ، محمد بن محمد بن حامد بن محمود
 القطان ابوالعباس السامانى النيسابورى ، محمد بن حامد بن امة النيسابورى ، محمد بن
 حامد بن على ابوبكر النجارى ، محمد بن حام بن متك النيسابورى ابو عبدالله الحمالي

ظفر بن محمد العلوي الحسيني المصنف العالم النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن
 عبدالله بن احمد ابو عبدالله الصفار الاصبهاني محدث عصره بخراسان و كان مهجاب
 الدعوة لم يرفع الاكما بلغنا اربعين سنة توفي رضي الله عنه في سنة تسع وثلثين
 ثلثمائة و دفن في داره في سلمة العنبي ، محمد بن عبدالله التاجر ابو عبد الرحمن
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن دينار العدل ابو عبدالله النيسابوري ، محمد بن عبدالله
 بالويه ابو جعفر الساماني النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو بكر النيسابوري
 محمد بن عبدالله بن محمد ابو عبدالله المزني اخو الشيخ المزني توفي بنيسابور ،
 محمد بن عبدالله بن محمد بن صبيح العمري النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن عبدالله
 بن محمد الرازي ابو الحسين ، محمد بن عبدالله بن جمشاد الغازي ابو بكر النيسابوري ،
 محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر المزني ابو الحسين الهروي ، محمد بن عبدالله بن
 عبدالعزيز ابو بكر الرازي ، محمد بن عبدالله بن قريش الوراق الريديجي النيسابوري ، محمد
 بن عبدالله بن ابراهيم ابو الحسن السلطى النيسابوري ، محمد بن عبدالله محمد
 الاسقرايني ، محمد بن عبدالله بن ابراهيم ابو سعيد الزاهد المرزوي ، محمد بن عبدالله
 ابن ابو جمشاد ابو منصور النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن الحسن الشميمي النيسابوري
 محمد بن عبدالله الشيباني ابو بكر بن الحسن المعدل النيسابوري ، محمد بن عبدالله
 البزازي البخاري ، محمد بن عبدالله بن يعقوب ابو بكر النيسابوري ويعرف بالنسال ،
 محمد بن عبدالله بن شويه الهمداني ، محمد بن عبدالله بن الحسين الفقيه ابو بكر الصنعى
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن احمد البوشنجي ابو بكر الواظ الصوفي ، محمد بن
 عبدالله الفضل الفارسي ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعيل ابو جعفر
 الاديب الرئيس النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو بكر الفارسي محمد وعلى
 انباء عبدالله بن محمد الدورقي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن ادريس ابو عبدالله ، محمد بن

عبدالله بن جمشاد ابو سعيد الحاسب النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن حمدون
ابو سعيد النيسابورى ، محمد بن على بن الحسن الحسينى مولده بهمدان و منشأؤه
بمراق رضى الله عنه ، محمد بن على بن الحسين ابو على الاسفراينى ، محمد بن على بن
الخليل الزمجارى ابوبكر التاجر النيسابورى ، محمد بن على بن على ابو على البرنودى
النيسابورى ، محمد بن على بن احمد الجلاب ابو منصور الفارسى ، محمد بن على بن
محمد بن الحسن الطوسى ، محمد بن على بن الحسن ابوالطيب الخياط النيسابورى
وكان مجاب الدعوة ، محمد بن على الدمشقى ابوبكر ، محمد بن عبدالله الكلاتى ابو
احمد النيسابورى ، محمد بن على الاديب ابوالعباس الكرخى ، محمد بن على بن اسمعيل
ابوبكر القفال الشاشى امام عصره بما وراء النهر ، محمد بن على بن الحسين ابوبكر
المودل النيسابورى ، محمد بن على عبدالله الزوزنى ، محمد بن على بن محمد بن يحيى
النيسابورى ، محمد بن على بن مومل النيسابورى ، محمد بن على العلوى ابو جعفر
اليمانى ، محمد بن على بن عمرو الاصبهانى ابوسعيد ، محمد بن على بن الحسن ابوبكر
المرزى ، محمد بن على سهل ابوالحسن الماسرخسى ، محمد بن على بن بكر
النيسابورى ، محمد بن على بن محمد ابو على المودن النيسابورى ، محمد بن على بن
الزراد ابو عبدالله البصرى ، محمد بن على بن محمد الرازى ابوالحسن القامى النيسابورى
محمد بن عبيدالله بن محمد ابوبكر بن عبيد النيسابورى ، محمد بن عبيدالله ابراهيم
بالويه ابوالقاسم النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالحسين بن ابي
القاسم النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالعباس مامله ابي العباس
الدغولى المسرخسى ، محمد بن العباس بن احمد الصنى ابو عبدالله الهروى الوجيه
الرئيس العالم رضى الله عنه ، محمد بن العباس بن حمويه ابوبكر الصيدلانى النيسابورى
محمد بن العباس احب محمد بن جرير ابوبكر الاديب الخوارزمى ، محمد بن العباس بن

محمد بن قوهنارا بوبكر الكساسى النيسابورى، محمد بن عيسى بن محمد ابوصالح بن
 عيسى احد مشايخ خراسان، محمد بن على بن عبدل ابواحمد الجرجاني، محمد بن
 عيسى بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمد الحلوى النيسابورى من كبار عباد الصوفيه،
 محمد بن عبدالعزيز بن عبدالله بن ابراهيم ابو على الزعوزى النيسابورى، محمد بن
 عبدالعزيز بن على الحشتاب ابوالحسين، محمد بن عبدالعزيز بن على ابوبكر الجرجاني
 محمد بن عبدوس المقرئ ابوبكر المفسر، محمد بن عمر بن قتادة بن نظر ابوالحسن
 الزمجارى النيسابورى، محمد بن عبدان ابو عبدالله خادم الجامع بنيسابور النيسابورى
 محمد بن عمر بن محمد الاسفراينى ابوبكر الفقيه، محمد بن عبدوس بن الحسين
 ابو عبدالله السمسار النيسابورى، محمد بن عون بن اسحق المروزي ابوسعيد الزاهد،
 محمد بن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد
 الكرايسى ابو احمد الوراق النيسابورى وكان من المعروفين بطلب الحديث فى الشرق
 والغرب، محمد بن الفضل بن محمد اسحق المذكور ابوسعيد المقرئ النيسابورى، محمد بن
 الفضل بن العباس الشافعى ابو الفضل النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق
 خزيمه ابوطاهر النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد الاديب البلخى الربيع، محمد بن
 الفضل بن محمد الفقيه ابوبكر اهل بخارا، محمد بن الفضل بن لولو الحلوانى ابوالحسين،
 محمد الفتح الانماطى ابوالعباس المعتل، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور
 الصنعى النيسابورى، محمد بن القسم بن محمد بن الحسين الكرايسى النيسابورى،
 محمد بن القاسم محمد بن بشر بن سالم الفارسى ابوبكر، محمد بن كافر بن كافر مولى
 احمد بن خديقه، محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغدادى ابو جعفر التاجر
 محدث خراسان فى عصره، محمد بن محمد بن يوسف ابونصر الامام الطوسى، محمد بن
 محمد بن الحسن الشيبانى ابواحمد النيسابورى، محمد بن محمد بن يوسف المقرئ

ابوبكر البخاري اللجاني ، محمد بن محمد بن مجمش ابو طاهر الزناطي النيسابوري ،
 محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمى الحنفى ابو الفضل الوزير عالم مرو رحمة الله
 محمد بن محمد بن علي العطار ابو سعيد النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد ابوبكر
 البلاخي ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق ابو الحسن الحرابي النيسابوري ، محمد بن
 محمد بن جعفر ابوبكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن جعفر بن مطر ابو احمد بن ابي
 عمر والمعدل النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق القاضي ابو احمد الحافظ
 امام عصره وصنف على كتاب مسلم البخاري وعلى كتاب ابي عيسى الترمذي وصنف
 كتاب الاسامي والكنى والعلل والمخرج على كتاب العزني وكتاب الشروط وصنف
 النسوح والابواب توفي رحمة الله يوم الخميس الرابع والعشرين من الربيع الاول سنة
 ثمان وسبعين وثلاث مائة وهو ابن ثلث وتسعين سنة وصلى عليه الرئيس في ديوان الجين
 ودفن في داره ، محمد بن محمد بن حامد الترمذي ، محمد بن محمد بن عبدان ابوسهل بن
 ابي عبدالله النيسابوري ، محمد بن محمد بن الحسن الكاذبي وهي قرية على فرسخ
 من البلد ، محمد بن محمد بن اسحق بن النعمان العدل ابو احمد الصفار النيسابوري ،
 محمد بن محمد بن عبدوس المقرئ ابو عمر والزاهد الانماطي النيسابوري ، محمد بن
 محمد بن الحسين الترمذي ابوسهل ، محمد بن محمد بن يعقوب الحافظ المقرئ ابو الحسين
 الحجاجي النيسابوري ، محمد بن محمد بن اسمعيل بن منصور النمامي ابوبكر النيسابوري
 محمد بن محمد بن عبدالله بن عمرو الجرجاني ، محمد بن محمد بن علي النسوي ابو احمد
 المعروف بالبغدادي ، محمد بن محمد بن يحيى بن عامر الفتية ابو الحسين الاسفرائيني ،
 محمد بن محمد بن داود السجزي العدل ابوبكر ، محمد بن محمد بن عبدالله ابو الحسين
 بن ابي عبدالله العزني النهروني ، محمد بن محمد بن اسحق الثقفي ابو عمرو ابي العباس
 السراج النيشابوري ، محمد بن محمد بن ابوزرعة الكشي ، محمد بن محمد بن الحسن بن

علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سبویه بن شاپور الذی بنا نیشابور الفقیه
 الحاکم ابوالحسین الصفار النیشابوری، محمد بن محمد بن شاده الزاهد ابوالخیر
 الکراییسی النیشابوری، محمد بن محمد بن احمد ابو عمر والقمی النیشابوری، محمد بن
 محمد بن علی بن الحسن بن قتیبه، محمد بن محمد بن احمد بن احمد الفقیه ابو سعید المطوعی النیشابوری
 محمد بن محمد بن سمعان الحیری ابو منصور المذکر النیشابوری، محمد بن محمد بن
 احمد بن عثمان البغدادی ابوبکر الطرازی، محمد بن محمد بن سعید المعدل ابوطاهر
 بن الکریمی النیشابوری، محمد بن محمد بن سعد الانماطی النیشابوری و يعرف بابی
 الحسین المدني، محمد بن محمد بن اسحق السعدی ابو احمد الهروی، محمد بن محمد بن
 رجا الامین ابو نصر الزمام علی الفی النیشابوری، محمد بن محمد بن احمد المعدل
 السراج ابوبکر النیشابوری، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن صبیح العمری
 النیشابوری، محمد بن محمد بن الحسن الکراییسی ابو عبدالله الخالیدی، محمد بن
 محمد بن عبدالله المطوعی ابو منصور النیشابوری، محمد محمد بن احمد بن انس
 ابو نصر بن ابی الفضل الصرام النیشابوری، محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمی
 النیشابوری، محمد بن محمد بن احمد بن احمد بن اسحق الکراییسی النیشابوری، محمد بن
 محمد بن اسمعیل الزاهد ابو نصر الکراییسی النیشابوری، محمد بن محمد بن سهل بن
 ابرهیم النیشابوری ابو نصر امام اهل الراى بخراسان، محمد بن محمد بن احمد المرزوی
 ابو الفضل الروحی، محمد بن محمد بن الفضل الخفاف ابو عمر والقهندری النیشابوری
 محمد بن محمد بن ابراهیم بن سیمجور، محمد بن محمد بن عزیز بن محمد ابو الحسن
 دوست محمد بن محمد بن عبدالله بن ادیس ابو عبدالله الاسترآبادی، محمد بن محمد بن
 ابو عمر الرازی، محمد بن عبدالرحمن النیشابوری ابوبکر، محمد بن الموهل بن
 الحسین الماسرخسی النیشابوری وكان احمد وجوه خراسان رضی الله عنه

وما حالاتنا الاثنتا لثلاث شباب ثم شيب ثم موت ومن انما ساه في وقت دخوله على بعض الوزراء
 الم تى انى ازور الوزير و امدحه ثم استغفر و اتى عليه و نثنى على و كل لصاحبه تسخره
 محمد بن موسى بن عمران الفقيه ابو الحسن الصيدلانى ، محمد بن محمد بن موسى
 الحسين بن الثعلبى ابو الحسن الكوفى ، محمد بن موسى بن عمران ابو جعفر المودن
 الطوسى ، محمد بن موسى بن القاسم ابو سعيد الدباس النيسابورى ، محمد بن نصرويه بن
 البغدادى ابو عبدالله البراز ، محمد بن نصر الطبرى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن الوليد
 ابو العباس الزوزنى ، محمد بن هشام ابو عبدالله المروزى ، محمد بن يعقوب بن يوسف
 الاموى مولا هم ابو العباس الاصم النيسابورى رضى الله عنه و ارضاه مدفون فى مقبره
 شاهنبر ، محمد بن يعقوب بن يوسف الشيبانى ابو عبدالله الاحرم الحافظ و كان يعرف بن
 الكرمان ولكن هو نيسابورى وله تصانيف كثيرة و هو صدر اهل الحديث فى زمانه
 رضى الله عنه و ارضاه ، محمد بن يعقوب النحوى الاصهبانى ، محمد بن يعقوب بن اسحق
 ابو مصعب الاسفرائينى ، محمد بن يوسف بن حمدان ابو جعفر التاجر النيسابورى ، محمد بن
 يوسف ربحان النجارى الامير ابو الفضل ، محمد بن يوسف بن ابراهيم المودن ابو عبدالله
 الدقاق النيسابورى ، محمد بن يوسف بن يعقوب ابو سعيد السوسى ، محمد بن يحيى
 ابن محمد بن عبدالله العنبرى ابو العباس بن ابي زكريا النيسابورى ، محمد بن يزيد بن
 محمد العدل اخو عبدالله الزاهد النيسابورى ، منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى
 ابو صادق نيشابورى ، منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى ابو نصر البخارى ، منصور
 بن عبدالله خالدهلى ابو على ، منصور بن عبد الرحمن بن الحسين ابو احمد النيسابورى مكى
 بن احمد بن سعدويه البردعى ابو بكر ، مسيب بن محمد بن مسيب ابو عمرو ابي عبدالله الارغيانى
 موسى بن محمد بن موسى ابو المعشر المالىنى ، سعيد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى
 الطبرى ، موفق بن محمد بن الجراح الاديب ابو سعيد الهرورى ، محمود بن الحسين بن

محمود ابو حامد القطان النيسابوري ، محمود بن محمد بن محمود ابو محمد
 المطوعي من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابو منصور الدهقان القندشني النيسابوري
 منصور بن عبدالله بن حمزه ابو نصر بن ابو نصر النيسابوري ، معاذ بن محمد الحسين المعدل
 ابو الحسن الانماطي المعروف بالمعادي النيسابوري منه المثنان بن محمد بن سلمويه
 ابو رشيد العدل النيسابوري ، مطهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،
 مسلم بن عبدالعزيز اليماني ابو عبدالله الخصيب نوح بن قلعج بن احمد بن ابو حاتم
 النيسابوري ، نصر بن محمد بن احمد بن يعقوب ابو الفضل الطوسي ، نصر بن حاتم بن
 بكر بن ابو الليث الشاشي ، النصر بن محمد بن احمد بن محمد ابو القاسم المحمدي
 النيسابوري ، نصر بن محمد بن عبد الملك الصوفي الاندلسي ، النعمان بن محمد بن
 محمود بن احمد بن الحسن الطوسي ابو الحسن الروغندي ، النعمان الجرجاني ابو نصر ،
 ناصر بن محمد بن ابي المعالي المروزي ، نعيم بن الحسين الجرجاني ابو الحسين التاجر
 ناصر بن عبدالرحمن بن ناصر ابو نعيم الجرجاني ، وليد بن احمد بن محمد الوليد
 ابو العباس الزوزني ، وليد بن بكر بن مخلد بن ابي زياد العمري ابو العباس الفقيه المالكي
 الاندلسي ، هارون بن احمد بن هارون ابو سهل الاسترابادي ، هارون بن محمد هارون
 الصوفي ابو سهل الحيمامي النيسابوري ، هارون بن محمد الازواري الجويني ابو موسى
 هبة الله بن الحسين الاديب النحوي العلامة ابو بكر الفارسي ، هشام بن محمد بن بكر
 ابو نصر السرخسي ، لاحق بن الحسن بن عمران ابو عمر والوراق البغدادي ، يحيى بن
 منصور بن يحيى عبد الملك ابو محمد الحاكم العالم الدين النيسابوري الجروذي ،
 يحيى بن محمد بن عبدالله بن العتير بن عطا مولا ابي خرقا السلمي ابو زكريا العنبري
 النيسابوري ، يحيى بن محمد بن احمد بن محمد الحسيني العلوي ابو محمد ابي الحسين
 بن ابي زياره النيسابوري رضي الله عنه ، يحيى بن محمد بن سهل الاسفرايني ابو زكريا

یحیی بن محمد بن احمد المقرئ ابو بشر القطان النیسابوری قریب محمد بن اسحق،
یحیی بن عمر بن صالح بن محمد بن یحیی ابو زکریا البشتی، یحیی بن احمد بن ابو
عمر و ائمه خلدی النیسابوری، یحیی بن اسمعیل بن یحیی المزکی ابو زکریا الحریری
النیسابوری، یحیی بن یحیی بن عبدالله ابو زکریا المحسودی اثبخاری، یحیی بن
محمد بن احمد بن المذکر الطوسی ابو زکریا، یحیی بن محمد یحیی المعدل ابو القاسم
الصدلانی النیسابوری، یحیی بن زکریا بن الشاه السرخسی ابو منصور، یحیی بن
احمد بن ابو زکریا بن ابی طاهر السکری، النیسابوری، یحیی بن عبدالرحیم بن یحیی
ابو زکریا الحیرری النیسابوری، یحیی بن عثمان الواعظ السحری ابو زکریا، یوسف بن
یعقوب بن اسحق، یوسف بن احمد بن سلیمان الدیر عالی، یوسف بن یعقوب بن ابرهیم
البغوی ابو یعقوب، یوسف بن اسحق الفقیه ابو الحسن الجرجانی، یوسف بن اسمعیل بن
یوسف ابو یعقوب الساوی، یوسف بن محمد بن محمد بن یوسف ابو الجراح الطوسی
یعقوب بن احمد بن محمد بن یعقوب الخسر و جردی ابو یوسف الیبتقی، یعقوب بن محمد
بن اسحق بن یزید ابو یوسف المذکر النیسابوری، یاسین بن محمد بن محمد بن
یاسین ابو یوسف النیسابوری

قال الحاكم الامام ابو عبدالله الحافظ النسابوری وقع الفراغ
بعون الله وحسن تقديره شهر رمضان سنة ثمان و ثمانمائة

فذكرت بعد الاربعمين سنة منها شيوخي واخواني الذين استعدت عنهم حديثاً
او حكاية او انشاداً وخرت امن العلوم الى هذا الشهر فعلقت وفاة من توفي من هذا الوقت،
عبيدالله بن محمد بن عبدالله ابو الفضل القامي النيسابوري ابو علي بن ابي الصامت بن ابي
محمد النيسابوري، محمد بن احمد بن محمد السسختياني النيسابوري، العباس بن

ابي القاسم الرمكى الوزير النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد ابو الوفاء البزاز النيسابورى
 محمد بن محمد بن على بن سهل بن مصلح الفقيه ابو بكر الماسر خسى النيسابورى ، ابو بكر
 بن محمد بن محمد بن على بن بكر النيسابورى ، عبدالعزيز بن عبدالله محمد بن عبدالعزيز
 ابو عمرو النيسابورى المعروف بابى عبدالله الهرزى ، يحيى بن يحيى بن احمد بن ابو زكريا عمرو
 الخلدى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن الحسن الاصبهاني المقرئ ، مهدي بن محمد بن
 محمد ابوسلمة الصيدلانى النيسابورى محمد بن عبدالله ابو العباس الزاهد السخيتانى
 النيسابورى عبدالرحمن بن محمد بن احمد ابو القاسم بن ابي بكر المسكى التاجر النيسابورى
 عبدالله بن احمد بن محمد الماسر خسى النيسابورى ابو محمد ، محمد بن احمد بن عبدالله بن
 سليمان السليطى ابو عمرو والنيسابورى ، ختن ابي بكر بن اسحق محمد بن عبدالاعلى بن
 محمد بن ابو بكر الشاهد النيسابورى ، محمد بن احمد بن حبيب ابو سهل المقرئ النيسابورى
 ابراهيم بن محمد الاصبهاني ابو اسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابو حاتم القمندرى ،
 فاطمة ام على بنت ابي جعفر النيسابورى ، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد ابو سهل بن
 اخو الحاكم المصنف النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن ابراهيم ابو الحسين النيسابورى
 ابو على ، الحسين بن شيخ الرئيس ابي الحسين النيسابورى ، على بن عبدالله محمد بن
 جعفر ابو الحسن اليبسكى احمد بن عبد الحميد بن عبدالرحمن النيسابورى ، محمد بن
 احمد ابو بكر الفرائضى البطحى النيسابورى ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الزومى ابو
 محمد الحيرى النيسابورى ابو عبدالله ، سعيد بن محمد بن سعيد ابو عثمان السكرى
 النيسابورى ابو القاسم على بن محمد بن على الجرجانى ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد
 بن حمد ابو سعيد النيسابورى ، الحسن بن داود رضوان ابو على الفقيه السمرقندى ، عبدالله
 بن احمد المذكور ابو الحسين الحنبلى وهو ابن بنت على الجنابدى ، محمد بن على بن الفضل
 بن محمد الخزاعى ابو نصر النيسابورى ، محمد بن على بن الحسين الخلقانى المعروف بابى

نصير القصار ، محمد بن القاسم ابو منصور المنادي النيسابوري ؛ محمد بن احمد بن محمد
 ابوبكر المقرئ النيسابوري ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن احمد ابو القاسم المزكي
 النيسابوري الحسين بن محمد بن ابراهيم ابو علي النسوي ، ابوسهل بن ابي بشر بن محمد
 هارون النيسابوري ابوسهل بن ابي القاسم النيسابوري ابوبكر ، محمد بن محمد بن
 جمش النيسابوري ، محمد بن ابي اسحق الكيال المطوعي الجرجاني ، محمد بن محمد بن
 احمد المعدل ابو عبدالله شيخ اهل الرأي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن عبدالرحمن ابو احمد
 النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن احمد الصوفي الزاهد ابو العباس السخيتاني النيسابوري ،
 يحيى بن عبدالرحمن ابوزكريا العاصمي النيسابوري طغرل الترك مولى الشيخ العميد
 محمد ابو عمرو السليطي النيسابوري ، السيد ابو الفضل احمد بن محمد الحسيني الغلوي
 النيسابوري ، محمد بن عبدالاعلى بن محمد ابوبكر الفقيه النيسابوري ابو اسحق
 محمود التاجر الاصهباني ابوسهل بن حبيب المقرئ ابو عمرو بن علي الانماطي ،
 عبدالرحمن بن عبدالله بن حمدون ابوسعيد ابونصر العسلي العارضي ، محمد بن احمد
 بن سهل ابوسهل الدستي علي بن محمد المذكور ابو الحسين المبراني ، عبدالله بن محمد
 بن علي ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن عبدالله ابو القاسم المطوعي النيسابوري
 المعروف بالحرصي ، محمد بن عبدالله بن محمد ابونصر الصوفي الانماطي النيسابوري ،
 علي بن محمد بن احمد ابو الحسن السليطي النيسابوري ، علي بن محمد بن احمد بن
 الحسن ابو الحسن المعادي النيسابوري ، ابراهيم بن احمد بن حمزه ابواسحق الوزير
 الحسين بن علي بن الحسين الجوري النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد بن يعقوب
 النيسابوري ؛ شيبه بن محمد بن احمد بن ابو محمد الشعبي النيسابوري ، عاصم بن يحيى
 النيسابوري ، ابراهيم بن محمد بن ايوب الفقيه ابواسحق الطراحي النيسابوري ، محمد بن
 احمد بن حاتم ابوخاتم الطوسي ابو عمرو الحموسي احمد بن ابي القراقى الاستوائي ، احمد

بن منصور بن عبدالله اخو المعتز النيسابوري ، عبدالرحمن بن محمد ابوسعید الشريفي
 الصوفي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد ابو الفضل بن الرئيس النيسابوري ،
 محمد بن احمد ابوبكر الحموسي الفقيه النيسابوري ، محمد بن احمد بن حمويه ابو الحسن
 الرئيس بایورد ، الحسن بن محمد بن شادان الشاهد ابو محمد النيسابوري ، محمد بن
 احمد بن معاد ابوبكر الفامي النيسابوري ، عبدالرحمن بن عبدالله بن الشيخ ابوبكر
 علي بن محمد الغازي ابو الحسن القطان الجرجاني ، عبد الحميد بن محمد المذكر الخانقاهي
 ابوالقاسم ابوسهل البقال الواعظ ، اسمعيل بن الشيخ ابی علی العبدي النيسابوري ،
 علي بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله ابو الحسن الحداد النيسابوري ، علي بن محمد
 ابوالجسين بن غلکان الخياط النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن علي الصفار ابو محمد الشاهد
 محمد بن احمد المولى ابونصر النيسابوري ، محمد بن علي بن الفضل الخزاعي ابوبكر
 النيسابوري ، محمد بن علي الطبري ابوجعفر البلاذري الشريف ، ابوجعفر بن ابی محمد
 العالوي العباس بن محمد بن علي بن معدويه ابوجعفر بن ابی الحسن صهر الحاكم المصنف
 النيسابوري ابوسهل بن ابی بشر ، محمد بن هارون التاجر عبدالرحمن عبدالله بن علي بن
 محمد بن سختويه النيسابوري ، محمد بن علي المذکر ابوجعفر الجوردي ابوسهل بن
 مهران العدل النيسابوري ابوسعد الفلاحی الفقيه وتوفي سنة اربع مائه ، محمد بن يعقوب
 الفقيه الزاهد ابوبكر بن مخلد بن بنت ابی بكر بن ابی عثمان الزاهد النيسابوري ، احمد
 بن محمد ابو نصر البالوي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن محمد بن عبدالله العنبري
 النيسابوري ابو احمد ، عبدالله بن محمد بن الحسن المهر سنان بن عمرو بن محمدك ابو
 منصور فاطمه بنت بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمه سمعت اباها وحديث و تسوقت
 رحمها الله في رجب سنة اثنين اربعمائه والله تعالى اعلم.

قال المحاکم الامام ابو عبدالله النیسابوری سألتی جماعة من اخوانی ان اذکر بعض ما انتهى
الی من بناء المسجد القدیمه بنسب بور و قهندز و المدينة الداخله و ذکر الأودیة و الحال
و الرساتیق و الارباع فلم احد السبیل الی الاستقضاء فیہ بالاسانید فقد اجبتهم ان اذکر
بعض ما یمکن ذکره بالاسانید و هذا کلامه الامام الفقیر محمد بن الحسین الخلیفه
النیسابوری فترك الاسانید اعتماداً علی صحة قوله رضی الله عنه و اجتناباً من الأطلالة

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و محولات
نیشابور و آنچه تعلق بامثال ابراه و در دارد

امام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنانهاد انوش بن شیث بن آدم بود
علیه السلام اساس آن بر سنگی بزرگ سفید مدور لعن نهاد و از این جهت در افواه
خلق بود که آنرا قلعه چجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند
کام مانند قزوایکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و تا زمان ابرج بن
افریدون مهمل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر بالشکر عظیم بر ملک ایران غلبه
کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در ساحره حاضر بود و قع از متعذر
بود در اثناء اینکه در ملک ایران میگشت بصحراء قهندز رسید نزول کرد شهری نبود
بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید از این طرف کوهی قوی خوش منظر از آن طرف
کوهی مقابل از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال و ادبیا روان چشمه جاری اشجار
مشمره شمار لذیذ میدانی مستنیر جبال محیط در شکفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنا
کرد و دیوارها احکام کرد و بنی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در
زمان ابرج افریدون غارت آن بیشتر و تمامتر شد

ذکر حفر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبه حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بعمارة و رفع دیوار و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که بچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند پس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیداشد و درون قلعه مسکون گشت و اجتماع مردم دست داد.

ذکر بناء شهر قندیم

امام حاکم فرمود که چون هرگز پادشاه شد و ملک او را مسخر گشت منجمان وفال گویان او را خبر کردند که فرزندی او را متوقع است که همه روی زمین را مسخر کند و فرزند در راه بود هرگز بود مادرش را از حال پسرش خبر کردند در عیاض آن بسر قوی جدی مینمود و وزراء پدرش طریق و فاداری رعایت نمودند تاج پدرش می فرستادند و مادرش تکیه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پسر است و آنج مصالحت میدیدند در مملکت جهت آن بسر حکم میکردند و احکام می نوشتند و بسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند و او را شاپور نام نهاده بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر یعنی پسر پادشاه بقصد آنک چون پیداشد هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود بهمین اختیار کرد و بشاپور شهر یافت یعنی شاهزاده و حسب دنیا عالی همت بود و رأی صائب داشت ملک شرق و غرب او را مسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور در حوالی قهندز بنا نهاد و معماران و عماله تعیین کرد و گفت که بر جوانب شهر خندق حفر کنید و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد و مداین است و آن جوانب بودرفت و ایوان مدائن
 ساخت و در دیار شام شهر انبار بنا کرد و شهر کرخ و سجستان در اطراف بصره ساخت
 و شهری ساخت فیروز شاپور نام نهاد و بعد ما بنیساپور عود کرد و بر حوالی شهر خارج
 خندق عمارت آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات
 شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران را امر کرد که هر روز بیش از آفتاب بسر
 کارها روند و هر که از رعایا بیش از آفتاب حاضر نشود زنده در میان خشت و گل
 دیوار گیرند و جتان کردند و خاق بر آن رنج قرار گرفتند و بعد از منین کثیره که چندین
 و بنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم از سر تا قدم از میان گل برخاک
 میافتاد و آن انبارده از سده بنا بود تا قریب زمان سلطان محمود عمرو بن لیث که
 والی نساپور بود خراب بود و از خاک آن بازاری مقابل جامع شهر بنا نهاد چه شهر
 قوی و وسیع بود و اسباب عمارت بغایت متعذر

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

امام چاکم فرمود که چون شاپور بمملکت دررفته بود لشکر ترک بار دیگر
 بر ملک ایران غلبه کردند چون شاپور باز آمد خلق از آن فتنه فریاد بر می آوردند تا
 بلشکر چار بسر آن اتراک رفت و بمحاربه و مقاتله ایشانرا از ملک ایران اخراج
 کرد و باز بنیساپور آمد بوقت طیب هوا و زینة فضا و کثرة غذا و سعة معاش و رتبه
 ارتباش و سکون غبار و ثمار بسیار و عذوبه میاه و اسطاهه جایگاه فارغ البال منتظم
 الحال مملکت مسخر و مهمات میسر دشمن مقهور و لشکر منصور اینجا مقام نمود
 و بناء شهر متصل بقهندز و اقامه شهرستان و اخراج ابراج و تشییه اساس فرمود و محلات
 و عمارات بهم واصل کرد و خندق شهر و قهندز بهم متصل کرد و بر جارجانب شهر چار

دروازه مرتبه داشت شرقی و غربی و جنوبی و شمالی و مهندسان را فرمودد طریق بنای
 بایشان نمود تا چنان بنا نهادند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن از هر چهار دروازه
 در درون شهر سطوع کردی و آن از عجایب بناها بود و بوقت غروب از هر چهار دروازه
 آفتاب در نظر بودی که پوشیده شدی همچنین ساختند و بسی زهان بنیان بر آن سان
 بود و بنام خود شهر را نام نهاد.

امام حاکم فرمود و آن بناست که تا غایب اثر آن نیدا و علامه آن هویداست
 و در وقت حفر خندق بوی خیر آوردند که گنجی پیداشد اندک اهتمامی نمود و ضبط
 آن یکی از نواب فرمود گفتند هشتاد خروار زر بود از آن اهتمام بشیمان و از آن التفات
 پریشان شد چه آن مقدار را کم داشت و اندک پنداشت و ترسید که بر قصور همه اثر
 فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه را نطقه کنید و دیگر ذکر آن نکرد

ذکر ارتفاع زمین نیشابور نسبت با بلاد دیگر

امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نیشابور ارفع
 مقام مسکون است و یک دلیل آنست که در دو این قدیمه نام این شهر ابر شهر نوشتندی یعنی
 شهریکه بابر نژاد یکست از کمال ارتفاع خصوصیه دارد بابر از ابر بابر اضافت کنند
 و دیگر دلیل آنکه معتدل الهواست نه حار و نه سرد و معتدل است و معتدل است و معتدل است
 بخلاف باقی ممالک

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر وقفند ز بود باز دیاد عمارات در شهر و سور
داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه با اسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهر است
و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوچها و محله‌ها شهر معدود از بنیان بلده اما:
آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

و نا میا، دیه‌ها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این

است.

الزریق بویاباد، حنانه خشک، شحنه علیا، شحنه سفلی، ماهکاباد، سورین

کوی، دزدان، زمچار سفلی، زمجا علیا، باغ کبار، وینکاباد، عارکاباد، دودیه پیود

باغک و شهر ستانه، شاپور و این را نصر آباد گفتندی، لعانچی سفلی، بشماناباد، داربجرد

حیره طیرانه و این را کوی دزکان گفتندی، وافکر سلیط، وافکر معاد، مناسک سفلی

مناسک علیا، خر قن علیاباد، حافظ محفوظ، باغ بوله، برزگر آباد، محمد آباد، خول،

خندزون، کنار سفلی، راقعه، سیمجر دعلیا، سیمجر دسفلی، حفصا باد، تلاجرد علیا،

تلاجرد سفلی، حنجر و دعلیا، حنجر و دسفلی، سهیل تاشیش، قناده، خشانه قناده حمزه علیا،

خرکاباد، عمرویاباد، قناده علیا از جودی، باب طاق، و مسجد قریه بود، جوری علیا،

جوری سفلی، حوسق، سیسنویه، حایط، سلمه، سوانقادر علیا، سوانقادر سفلی،

ورودهای و فراتاباد، و دستجرد، سهرامقان، قناده جهم از دستجرد مانین، گرم بکر،

فازرشک و ورقاب فارس، این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر بکثره عمارات همه محلات

ر کوچها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت و بقضاء ازلیه
در سنه خمس و خمسين و خمسمائه دور و قصور خارجها و داخلها
توقيع اذالزلزلت الارضش کرد دريك دوسه دم عالیها سافلها

ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

و تمامی محلات جل و هفت بود و يك محله متوسطه را که نه بزرگ و نه
خرد محله جولاهاکان گفتندی سیصد کوچه زیادت داشت: محله حیره، محله جاهه،
فایده بود. اشرف محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق شهر بود و اول بازار
از سر حیره بود و مقطع او قریبی روضه سلطان حسین و يك فرسخ هست تقریباً
و تمام پوشیده بود

محله بویاباد در عماره و رتبه و جلالت اهل محله و اوضاع را بآن مثل زدندی
ابو مسلم مروزی رحمه الله پیش از ظهور سلطنت در آن محله فرود آمد در کاروان
سرائی بر زبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی
جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند چون دید بر رسید که نام این محله چیست
گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را کند آباد گردانم و برفت دیگر
بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد و همچنان خراب ماند دیگر معمر نشد

محله مولقا باد بیوسته اعلاء حیره است

محله میدان زیاد بغایه بزرگ بود.

محله نصر آباد اعلاء شهر بود بزرگ و عریض محله علما و تجار بود

امام حاکم فرمود جل بازرگان بود در آن محله بوقت عبدالله طاهر بهر عیدی
یکی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلائق شهر را فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهند ترست و طریق تر گفتند حسین بن محمد نصر آبادی او را حاضر کرد و از رسوم دعوت و عاده ایشان پرسید قضا بگفت در ترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد و جاه و مال و حشمة و دعوه و سخاوه نفس او بیش از اندک نمود گفت خراب مباد شهری که دروچنین ارباب مروءه باشد.

محلّه دیگر بود بزرگ درو مسجدی بود متبرک و حوضی که باب آن تبرک جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محلّه و حوض مستوفاً ذکر خواهد شد بطریق اوضح.

محلّه الزریق ، محلّه مناسک علیا و سفلی گوید اعلی حدّه شهری بود

محلّه دیز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارک طلبه دیز و اهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت .

محلّه نمد آباد بزرگ بود

محلّه باب ابی الاسود محلّه قباب محلّه خواست متصل شادیاخ است

محلّه شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن شهر شد

محلّه جلاباد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلّه تالاجرد محلّه قوی بزرگ بود یکطرف بیلاباد دیگر طرف متصل بحنجرد و محلّه حفص آباد

محلّه خمز کاباد محلّه بزرگ بود

محلّه محمد آباد درو ریاض و حیاض است

محلّه قزّ محلّه بزرگ معمور بود بعلم وهدی وعمارّه و ارفع محلّها بود و آب
وهوای او خوشتر بود ووصف او بیاید

محلّه درباغ و آن باغ ابو مسلم بود صاحب دوله

محلّه باب عقیل محلّه باب عسگر همه بازار، اش بزان و طعام فروشان بودی و بازار
علافان

محلّه باب عرودمحلّه حرب، محلّه باب معاذ، محلّه بیدستان درخت بید بسیار بود درو،
محلّه سرتهه محلّه سریل، محلّه دزدان موضع کنار ننگ بود و او در جاهلیه ملک
خراسان بود

امّا بعبدالله بن عامر او کفّذ و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد
محلّه باب معمر، محلّه در باغ مازجرد، محلّه میدان حسین و او صاف بسیار
دارد محلّه سمیجرد، محلّه الرقیما، محلّه جولاهگان محلّه جودی علیا عیدگاه آنجا بود
و در و بساتین و انهار بسیار بود

محلّه جووری سفلی محلّه سرکوی محلّه سنجد ستانه،

محلّه باغ رازیان اهل علم و تجاره آنجا بسیار بودی

محلّه باغک متصل بود بمحلّه قزّ عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او
آنجاست

محلّه زمجار محلّه خر کلّاباد متصل بز مجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودندی

محلّه سر راقه طرف مغرب بود محلّه کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات

معمور بوده و اوصاف بسیار هریک رافی الجملة نوشته بود چون حال نیست نبشته نشد

یا قومی را ابو مسلم از شهر بیرون کرد محلّه داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.
 اسامی حاکم رحمة الله و رضوانه علیه فرمود که بتقل صحیح از نقلات اثبات ثابت شد کی
 بوقت حکومت عبدالله بن عامر بن کریز بن حبیب بن ریع بن عبدالشمس در بصره
 و حکومت سعید بن عاص در کوفه در خلافت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه کنار نک
 که والی خراسان بود و او مجوسی بود نامه فرستاد بایشان و ایشانرا بخراسان خواند
 و بفتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مرو در مرو کشته گشته و مقصود نامه این بود
 که اشاره بساره ظبور نور اسلام و سطوع طلوع شمس هدایه و احکام سید انام و
 شفیع روز قیام ماحی ظلام و هادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة والسلام باستماع جموع
 این اماکن و مقام رسیده بیماران ضالاله فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء
 هدایه تشنگان شربت عنایه دلزندگان عهدازل کمر بستگان عبودیه ابد چشم بر راه و
 گوش بر آواز منتظرند.

گریک نظر بسوی من خسته میکنی همچون مسیح مرده بدم زنده میکنی

ایشان این خبر بامیر المؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد و وعده
 خلعة جنة داد که هر کدام سبقه گیرند و در نشر نور اسلام جدم نمایند و بوالد و حافرو
 ولد و جدم باز نمایند حکومت درین جهان و درجه جنان در آن جهان او را باشد
 فرمان مدینه را ز جابر جستم احکام حمی گفت کمر می بستم

عبدالله بن عامر سرعه نمود و سعی فرمود و عن قریب بازادوار جوین نزول کرد
 و سعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید و هر يك از راهی دنیوی بطلب
 جاهی اخروی می شتافتند خبر سبقه عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود و اهل آزاد وار

کرمان، و باجیشی همه موافق، و در استان بناحیه قهستان، نزول کرد و قلاع آنرا
بعده بسیار، و مدت اندک، فتح فرمود و بدست هدایه، بپروانه، مکتوبات فرستاد، و ایشانرا
باتباع طریق رشاد، و شداد، و سرعت خروج بسوی او و اداء خراج باز دلالت کرد جواب
فرستادند که مال حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، ابر شهر مشهور
یعنی نیشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، و طوس را بیورد، و نسا دران
تاریخ توابع نسابور بود بس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و
اعلام میجامده فی سبیل الله بر افراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره
پوشیدند بر زان جاه طغائی و یغائی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولت
وصوله، بدیدند او نیز باحمران دیگر از میدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز
دویدند، بکره و اجبار دستار چون افسار بر گردن زیر دستان کرده بر بالای دیوار حصار
و دزقهندز کشیدند، و یکماه تمام از صباح تا شام و از اول شام تا بانگ خروس آواز
خروش جنگ بود، ناگامی شبانگامی هوامتغیر و حرکه متعذر گشت و غمام بر تمام
جوانب ابر شهر احاطه کرد، و از میغ بی دریغ برفها چون تگرگ بازان شد، و غموم بر
دلهای مؤمنان هجوم یافت، اقربا از زبان ضعفا بیش عبدالله عامر گفتند که ما غریبیم و از
غریبیم در برف سرما، سرما فرود آمد: الحریوذی والبردیقتل لعن الله العیجم یموتون

من البرد و یقولون خنکل گرما گریبان چاک کند اما سرما ابدان هلاک کند

نی روی سفر کردن و نی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و ابواء کوچ بر افراشت
و آن لشکر را بملاطئه و مکالمه اجلی از قند بمرغزار غند برد چه از دید که
آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون جندروزی نجح و فیروزی در آن

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف بر طرف جویباران مرغزار
متر اکم شد که از تلوج بروج آن: اشد البلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان
دست بردی نمود که از خوف شر او شرر آتش را از جوف آهن و سنگ قوه
حرکت نماند.

سرماست جنان که بینی گوش و فسرده
سرماست جنان که دیک در جوش فسرده

کر آتشکی مانده بدور دوزخ
آن نیز پریرودینه و دوش فسرده

ضعفا دلها از غم بختند، و سرما و هواء نسابور باز جستند،
معتق که بدی از مقربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم،
و هر آینه نصرت ما راست، دل اعداء ما مقهورست، بیرون در خانها با جامها زمستان
بگذرانیم، چون ربیع بدیع و روزگار بیار آید بصلح یا بجنک آن شهر بچنگ آوریم
و هر جا فرمایی برویم صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلیمه لشگر کردند و عبدالله
عامر در آن زمستان بنیساپور باز عبور فرمود، و بر زبان جاه مذکور ضال مضل نسابور
را از آن معاد و مخافة تمام مراجعه کرد، و قوی ضعیف و سخت سست و حال او تنگ
بد شد. و آن قلعهها و حصارها بتأیید خدای در زمان قریب همه فتح شد، و کنارنگ
بآستانه عبدالله عامر آمد، و خراج ابر شهر یعنی نسابور و طوس هفتصد هزار درم که
قریب بیانصد هزار مثقال نقره باشد با بسیاری از انواع اشیاء ذکر قبول کرد، و چون این
فتح دست داد ملوک خراسان از هراه و بلخ و مرو و غیر آن دیدند، جاء نصر الله و الفتح و
رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا و اموال کثیره از انواع زرو نقره و ثیاب و افراش

و هواشی آوردند و باضعاف قبول کردند

آن فوج مسلمان شد تا باد جنین بادا
کفرش همه ایمان شد تا باد جنین بادا

و عبدالله عامر درون شهر ببقعه مجاهد شاهنیر فرود آمد، و آنجا مسجد ساخت
و سرائی برای خود بنا نهاد، و خراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود درین کرامه و شرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی

ان عامر بن کربزاتی با بنه عبدالله الی النبی صلوٰة الله و سلامه علیه و هو ابن خمس اوست

سنین فقبل النبی صلوٰة الله و سلامه علیه ان ابنک لم سقاً قال فکنن یقال لو ان عبدالله قدح

حجر الماء یعنی یخرج الماء من الحجر من بر کته: ترجمه و انعم عند الله آنست که عبدالله

بسر خود عامر را به حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه یرد و او پنج ساله بود یا

شش ساله پس بوسه دادند حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه در دهن او آن سعادت مندازل

و ابد بس شروع کرد یعنی عبدالله فر و میبرد آب دهان حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه

بس فرمود حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه بدرستی که بسر تو این هر

آینه آب داده شده است

بس جنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سر پائی بر سنک زدی و خواستی

انفجرت منه اثنتا عشرة عیناً روان شدی از یک سنک ده سنک آب از برکت آن تربیت.

امام حاکم فرمود رحمة الله: که چون عبدالله نسا بور فتح کرد عبدالله بن طاهر

را در نسا بور بگذاشت و خود ببصره رفت و بدر خود را بنازیافت بعد ها باز به

نسا بور باز گشت و در همان حوالی و سرای خود که بشاهنیر ساخته بود نزول فرمود

و از نسا بور بهمه بلاد و اماکن امر افرستاد و نسا بور دارا ماره و سلطانه کرد و اموال این

ممالک همه بنیسا بور آوردندی آنچه بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی از باب تاریخ گفته اند که نسا بور بجنک مسخر شد واضح آنست و بیشتر

مشایخ بر آنند که نسا بور بصلح فتح شد

و تقاضاست که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نیشابور خواجگان شهر را جمع کرد و مال خراج برایشان الزام میکرد و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند و زمینها بحیاط موات راضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چهار ربع و همه ولایاتی که تعلق بنیشابور داشت چنین کنند

احمد بن حاج بکر از کبار نیشابور بود گفت تو امیر نمایی نه شریک مایی و این شهر ما بصلح فتح شد نه بقتل و جنگ آنج بقتل و جنگ فتح کنند در آن خراج است و آنج بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنج حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم و معینا خراجی نیز بتو بدیم اما مساحتی در این ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا و سلطان سلیمان بن مطر و در دو این ثابت است اگر بآن رضا دادی فبها ونعم، و اگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم از شهر بیرون رو و ما را یکسال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و بحصار بریم و آنج خواهیم ذخیره کنیم پس بیا و جنگ کن اگر بقتل و غلبه بگیری و مسخر کنی مساحت تو کن و هرج خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد و تأمل نمود و بر مساحت سلیمان بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل ابر شهر یعنی نیشابور برد و باز هزار هزار دوم و دویست هزار درم که تسلیم نمایند مجموع هزار هزار و پانصد هزار و جل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمه الله فرمود که باین روایات معلوم شد که نیشابور بصلح فتح شده نه بجنگ و آنک نیشابور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره و سلطنت و مال کبار اماکن و بلاد حفظت عن الفتور الی یوم النشور

مفاخر نیشابور قدیم که بر که آن تا ابد برسکان این بلد
فایض و باقی است

از جمله انک چون سلطان اولیا برهان اتیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار
رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامم و کشف الغمة یوم الاخذ بالناص و
اضطر از المذنبین الی الخالص لامتحان الاعمال بموازیین الاخیرین حین النجات و الاستبانت
یوم البعث کما و عدفی المواقف الثلث عند المیزان و بظفر الصحف و الصراط یبسط
بساط الشفاعة و السری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر و الجزا الامام ابو الحسن
علی بن موسی الرضا صلوة الله و سلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم
اجمعین الی یوم الدین

در مدینه در شهر ثمان و اربعین و مائه نور مقدس ایشان ظهور یافت
در شهر اربع و تسعین و مائه بیصره بدرس حدیث و نشر علم بنصره دین آفتاب
هدایة ایشان برامة تافت و بتدوین نسخه مبارک صحیفه تقوید علیه حنیفه فرمودند بس
بمقتضای قضای ازل و حکم میرم قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند و در سنه
مائین من الهجرة نیشابور بمقدم حضرت ایشان روضات جن شد و چون بشاره سطوات
شعشعه اشعه آن نور بر قطر نیشابور میان سکان شهر مشهور شد قطب الانام کبیر العلماء
برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه مروزی
قدس سره شیخ شهر و مقدم از باب کشف و ولایه بود در کبر سن آن شیخ مسن زمین منن
باقدام بر اشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیته تا قریه مویدییه جند هزار صدیق رفیق در
بی پیشوا رفتند

و نقلست که حضرت سلطان صلوة الله علی رسولاته و علی آلهم در محفه بر

ناقه عضیاء خود سوار بودند و قدوة اهل انس و انیاس شیخ محمد بن اسلام طوسی را قدس سره در محفة دیگر اجلاس فرموده بودند فایده فیر این دو بزرگوار در نیشابور بر کناره خندق شاد یاخ بر طرف راه روضه تاجرد در بناء يك صنعة قوی بهم قریب است و ان اسوه احرار کمر بندگی بسته و بحکم من اغبرت قدماه فی سبیل الله حرمة الله تعالی علی النار دامن تاتمه ساق بر کشید و شربت وعده کمال قربت چشیدند زمام خطام مر کب حضرت انام اولیا ملک اعلام بردوش احترام گرفته

و تقاسمت که متوجه آن ابرار ذره وارد ره واه و لاء از و راه قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار می کرد و بزبان فصیح و عباره صریح میگفت که بروز قیام ملک اعلام جل جلاله وسیله نجات و وسیله فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم و مہرہار کش مر کب حضرت سلطان خود بوده ام و چون بنسب ابور و رود فرمودند در محلة قز در کوجه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواء و استماع قسراء مشہور بود کہ جار سال در نیشابور توطن فرمودند و العلم عند الله

و آن استانه منزل مبارک کہ مہبطه ارواح مقریین و مطاف ملائکتہ علیین بود ممانده بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابہ دعا اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانہ ولایت ہر تب و بسا انواع اعزاز و اکرام موظف میبودند و بعضی از کرامہ کہ در آن محله واقع شد آن بود کہ بر سر آن کویجہ حمامی خراب و قناتی بایر و محوطه بود کہ آنرا حمام و قناتہ و محوطه کہلان گفتندی اهل محله بعماره حمام اہتمام کردند تا بوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات نباشد و قصد میداشتند کہ چون عمارہ تمام شود اسان آب از چاہ یاغیر آن پیدا کنند و چون حمام تمام شد بی خرج و خرچ و سعی مقنی از قناتہ کہلان بشتاب آب روان شد و حضرت سلطان صلوات الله علی رسول الله و علی الہ الاممہ المعصومین اجمعین بآن

حمام درآمدند و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرک شد و آن حمام بنام مبارک ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی ..

و امام حاکم از زبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست و متبرک خاق است ، يك كرامه ديگر آن بود که روزی يك بادام بيکی از خدای دادند و فرمودند که در طرفی از محوطه کهلان غرس نماید خدام چنان کرد غرس الغردوس پیده سبز شد و در همان تابستان بادام بسیار بار آورد و برگ و شکوفه و بوست و میوه آن درخت سبب برگ و نوا و صحت و شفاء مرضی آن زمان بودی تا چون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهنگر حاکم شد و از قصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل قصر او می بود و درخت را نضاره بذبول بدل رفته بود و بعضی اجرا و معمار و نجار را گفت تا آنرا قطع کنند عماره تمام نشده آن ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و بر آن منصوب بود هم در زمان اندک مردند بعد از چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد عماره همان قصر قصد کرد چون بناء دیوار می کنند اصل آن درخت در زمین نمود تمام قصه گذشته با او گفتند چون دلش سیاه و قصدش تباہ بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد و چون درخت نیست و این در زیر خاک پنهان بوده سهل بنداست و آن بی اصل آن اصل را برداشت عماره ناساخته او همه آن اقوام در اندکی از ایام هلاک شدند.

واز فواید مقام خدام ایشان نیشابور

یکی دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلوات الله وسلامه على رسول الله وعلى آله الائمة المعصومين التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوت بیشتر طیفیایان را بنشانندی بس آنرا که اول مقصود بود آخر حاضر کردی تا انتظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا و اعظام و علما و اشراف آن شهر را جمع کرد و عاده دیگران بود که در مجامع ایشان صفها صدر بودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی و خدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلوات الله علی رسول الله و علی الائمة المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف ایشان صفها صفا بانیل سعادت و اقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکا و نمارق مصفوفه ایشان صفه التفات نفرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تا قیام قیامت درین دیار و سایر اقطار کنارها صفها صدر صدور و منازل افاضل شد و منبعدان يك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمه و تغرز برداشت.

واز مفاخر نیشابور

دیگر آنستکه روزی حضرة سلطان صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی الائمة المعصومین در مجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند و بانگشت مبارک اشاره فرمودند باب کعبه در مواجهه نموده شدند محل باغایه متعین است بر طرف قبله شارع عام از امام قهندز میگذرد واقع است.

واز مفاخر نیشابور

دیگر آنستکه حضرة سلطان صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی الائمة المعصومین و سلم روزی فرمودند که عبارتتی که فی الجملة حکایت آن اینست

واژه فاخر شهر قدیمی

این قصه کریم در السنه مذکور و در افواه مشهور است که حضرت سلطان صلوات
 الله وسلامه علی رسول الله و علی آله وسلم در نسا بوز به منبر بر آمدند و نقلست که چند
 هزار دوات و قلم اعیان و اہم مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افادہ ایشان می کردند
 حضرت سلطان این حدیث معنی از ابناء اولیا اصفیا خود با حضرة خواجہ کائنات صلوات
 الله وسلامه علیہم و علی الہم الائمة المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند :
 التعظیم لامر الله والشفقة علی خلق الله

دیگر از فاخر نیشابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت
 و ائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیہم اجمعین
 درین اجزا و اوراق سابقه ذکر شده و هر یک را از کرامات و مقامات بسیار بود که این
 نسخه قابل بیان آن نبود.

واژه فاخر نیشابور

امام حاکم رحمة الله فرمود کنی از دلایل ارتفاع بقاع نیشابور بر بلدان و اماکن
 قریب و دور آنستکه: شمار در هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الا نیشابور کنی
 مثل امرو و سیب و بی بی در دوازده مائة هر گاه که خواہید فی الجملة موجود است و
 در قریب نه مائة و دوماہ انکور و خربزه تر و تازه در بیوت و اسواق و دروازه بنہا و
 در یوزہ توان یافت و از آن شمار شربتہای نافع توان گرفت و در بلاد شرق این مذکور است
 اگر باشد زود منقص شود و نیشابور بر کمال خود باقی ماند مگر در محافظہ مسامله
 نموده باشند.

امام حاکم فرمود که نسابورست، هوای او صافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری از وبا و اکثر بلاها، مصر انصار حلیه مقدار، عروس بلدان، خزانه خراسان، داراماره بطیف، عماره معدن فتوه مخزن مرو، و موطن ادیان، مقر سلطان موضع اعلام هدی، مطلع انوار بقی، رحمت دروی نازل، برکت باد واصل در نسابور زنیور کند و جهان پرانگین کند، زیره اوفیر و زه، و حصول آن نجر هر روزه، حجر او جوهر کمر او تفسره و زر، نبات او بر اطراف عیون و جالسان زیبای در و مخافه سهوم نی مرض او را عموم نی سلاخین با ماره ان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کبرا، مناهل عظمسا، ماوی اشراف، مثنوی عدل و انصاف، همه چیز او موصوف، سکان او بسخا وجود موصوف اهل کمال را درو مقام همه کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم شد.

ذکر وادیهاء نیشابور

امام حاکم فرمود که میان یکی از نیشابور و دیگری از شهری دور معارضه شد غریب گفت در شهر شما مسافر را باب نیست و در صحرا راهگذری را آب نیست در بلاد دیگر مثل دجله و جیحون و در اطراف این شهر همه مأمون است. نسابوری گفت این سخن هر نادانست و مرا بر صدق خود روشن صد برهان است از دیر باد که طرف ولایت ما کالکا باد که آن کنف ناحیه است وادیهها و جویها و چشمها که بر دیدهها عیان است زیاده از سیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر از جیحون و سیحون شدی و نزد همه عقلا معقول است که از متفرق بودن آن بیش محصول است و از عین اخضر و آب انبوه آن که در کوه است

جهه مجال مقال است و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناره است غیر قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و باک تر از آب بلاد دیگری است که بسیار قاذورات در آن واقع شود تا بخانهها رسد

و اول کسیکه کاریز و بپندیسه آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسابور آزاد شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کردن و آبها بر بلندیا بردن بدولاب و مثل آن ابی الریحان حکیم خوادزمی اخراج و اما آن وادیا که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یاد داخل شهرست شغاندیر و وادی بوشتقان و حر و اسب و آنج داخل نمی شود جارست : و عطی رود و وادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

اما رابع نسابور جارست

ریوند، مازل، شامات، بشفروش و کیفیه قسمت و مساحت آنست که از جار طرف مسجد جامع بهر طرفی رفتند و ما کبار زمین ولایت قری و قنوات را با آن ربع نسبت دادند و بقریه که در آن جانب معمور و میسر بود اضافه کردند
اما ربع ریوند از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمد آباد

اول حدود بیهق طول او سیزده فرسخ از حدود ولایت طوس تا حدود پشت پانزده فرسخ مشتمل بر زیاده از پانصد دبه که بعضی را یک قناره بود یا دو یا سه یا چهار پنج و ریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره معموره بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منیع رفیع و خانقاهای بسیار و در اول اسلام حکام ماوراء النورسه برادر بودند محمد و عطریف و مسیب هر سه از ریوند هر یک در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود پشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ جارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است.

ربع مازل از همه ارباع، قری بیشتر دارد، متزهات و موضع تفرج و تنزه اهل بلده قرای این ربع است و اکثر قرای این متصل است.
فرهنگ و موسنقان و باغ فرک در ربع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است و دیهها بزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کمی از نواحی واقطار خراسان نیشابور
نسبه دادندی اشراف و اکابر آنرا نیشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول و عرض یعنی آن از سی فرسخ و بیست و پنج کمتر نباشد بهر یکی از آن قری و قنوات و باغات و عمارات مالا بعد و لایحسی منها

ولایة بیهق من حدود ریوند تا ولایة دامغان بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این

ولایة جوین منشأ اولیاء و علما، قری و قنوات در عمارات بحدغایات بیکدیگر قریب جناج همه را بمنابه یک ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین و دیانت و خداوندان باهوس و همه ایوان خانها رفیع و مهمان خانها وسیع اصناف اشراف و عوام ایشانرا همه متباعالی و دل اکرام اصناف و اتمام الطایق دلها از ملال خالی

بتبرک بيماران و غير ايشان بآن ارتفاع يافته بي ثمن، درودرختها ناز و ثنوت که از هر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زیاده از صد خادم و فراش داشت و در موضعی از و مثل خانه مبنی بر دوازده ستون بعماره ممتاز شش ستون از مرمر و دو ستون از یشه طرف دجله آورده بر نك مهره‌اء سیاه و سفید و چهار ستون از کج و خشت پخته ساخته سقف و ستون‌ها آن بزرگ تذهیب کرده و قبّه مذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر را تقدیر می کردند اما حاکم فرمود کی سقف و ستون و بلها و منابر و صنادیق و مصاحف و قنادیل و حصیرها و فرشها و توابع اینها را قیمة کردند صد هزار مثقال زر رسید و صد هزار مثقال زر طلا را اوقاف مسجد جامع زیاده بود و بخراسان مبنی احسن تر از آن منبر نبود که ابو مسلم درین جامع نهاده بود.

ذکر دو منار جامع

ابو مسلم در جامع منار ساخت بعد از و از باب مناصب را آن منار قصیر و آن بنا بنسبت با جامع حقیر نمود چون حکومت به منصور بن طلحه بن طاهر برادرزاده عبدالله طاهر رسید آن منار را منهدم ساخت و منار دیگر برافراخت و بیسیاری از اول بلندتر و قوی تر و عمارة او بزینت و تذهیب آراسته تر کرد و بطریق هندسه چنان کردند که در دوره سال از ظلال آن انتقال شب و روز معلوم شدی بعد از زمان ابو بحر کتی در ایامی میلی دروی میداشت چون نوبه بعمر ولایت رسید آنرا نیست کرد و دیگری برداشت و نام و لقب خود بر آن بینگاشت بعد از آن چون نوبت بنخمار تکین رسید مناری رفع کرد و وصیت آن دو منار دفع کرد چنانچه در دنیا ارفع از آن و اعجب و آراسته تر و بپراسته تر و دایر تر

منار در هیچ دیوار پنج نجار ندیدار فوق عالی بام جامع تا سرمنار نمود و چار ذراع بود اجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و بهندسه جنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه بآدان منار حرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی و جزئی از وی فاسد نشدی

ذکر مسجدها و متبرک شهر قدیمی

که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنا نهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنیر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرگ جمع صحابه بانفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند و برای علامه بگذاشتند

مسجد مجله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم و عزیز بود

و مسجد باب معمر میان دو مقبره

مسجد رجا بن معاذ بن مسلم

مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کردند

مسجد سرا معار مسجد که مصالی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل

سرای بستان ، مسجد ابن حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة

دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

ذکر میادین نیشابور

میدان تلاجر در در صدر این میدان قصر مطبوع مرفوع مرغوب محبوب مزین بود
 هر روز رشید چون به نیشابور رسید مده اقامه او آن گوشک مقام او بود .
 میدان هانی، میدان حسین بن معاذین مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و
 میدان زیاد

ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود

مقابر و قبور اولیا و اصفیا در محلات و قری بیشتر بود از عدد و احصاء تا آنچه
 علی التعمیم زیارة کردند از مقابر و قبور بیشتر آنست
 مقابر صحابه در بالای مقبره حیره و آنرا مقبره نصر بن زیاد القاضی گفتندی و
 سه صحابی در آنجا مدفونند اما آن قبر که سر حلاب است یقین قبر همام بن زید
 است که از صحابه کبار و قدوة ابرار بود در همین مقبره در حیره روضه شیخ ابی
 حفص و ابی عثمان و زهاد بسیار است و شیخ ابو جعفر مدنی در بالای مقبره است ،
 مقبره تلاجر در مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی الله المقتول فلذنه کبد
 الرسول صلوة الله و سلامه علیه و آله و علی آله المعصومین اجمعین نام و نسب مبارک
 ایشان بر لوحی مسطور بر سر روضه ایشان باین ترتیب است: هذا قبر الامام محمد بن
محمد بن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ایطالب علیه السلام و رضی الله عنهم اجمعین
 مقبره سر میدان قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم و ابی عبدالله
 البوشنجی و ابی الولید و ابیوب الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح
 و بشر بن الحکم و عبدالرحمن بشر و محمد بن عبدالوهاب ؛
 مقبره شاهنبر بسیاری از علماء و اولیاء تابعین آنجا مدفون اند و در آن مقبره

بزرگان که بعد از آن تا ششصد و شصت و شش که خرابی شادیاخ شد و بعد از آن در آن شهر دیگر که عدد و حصر این بزرگان مقدور و میسر نیست یکی از ایشان درین اسامی مذکور نیستند

فایده

و بعضی از وقایع نیشابور آنست که در حواشی تاریخ یمینی که در جارد و کسری از هجرت نوشته شده آورده که نیشابور از ابتداء بناء آن تا این غایه هیترده بار بزلزله خراب شده و بعد از آن در تاریخ پانصد و پنجاه و پنج از شهر قدیم خرابی کلی یافت و قومی که ماندند بمحله شادیاخ اجتماع کردند و شهر ساختند صد و ده سال مجال بقاء شهر بود مجمع افاضل و معدن کرام و عظام ایام بود و در آن ایام بزرگان شادیاخ بر اشراف سایر بلاد فضیله داشتندی خصوصاً سید بزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب عام و عمل لاحق با ولین و سابق بر آخرین بودند و از مکارم حضرت ایشان یکی آنست که امام امة و مقتدای ملة امام فخر الملة و الحق و الدین الراضی رضوان الله علیه مکتوبی نوشته اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من هراة ضینت عن الافات رایت

فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسی یا موسی احب ربك بكل قلبك

وانا اخبر سیدی و سندی و مولای الصدر الاجل المنجل السید السند الطاهر الازهر التقی

التقی صدر الملة و الدین شمس الاسلام و المسلمین ملک السادات افتخار العترة الطاهره

قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالی من السادات القدسیه و الکرامات العلویه

باکمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی و احب ان احبه الی

اخرا المکتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنک فرمود امام که خواندم در سفر بنجم از توره که

حق سبحانه و تعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر می‌کنم سید خود و سند خود و خواجه خود را که من ایشان را دوست میدارم انک ایشان را دوست میدارد با آنچه در آن مکتوب است از بر همین برین معنی بعدها در شب جمعه سنه ست و ستین و ستمائه این شهر و طایفه بزلزله خراب شده افتاد کس بصحراها ماندند آن شهر سیم بنانهاند آن نیز بجاست یکشنبه آخر جمادی الاولی سنه ثمان و عمانه بزلزله خراب شد

اندر سه زمان سه زلزله واقع گشت بدیناصد و اند آنک شد شهر جو دشت
شش سال فزون دوم و دره از ششصد و شصت از زلزله بارسیم هشتصد و هشت

چون بیان اسامی و کرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء

کرام و علماء عظام مقدر و مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر

اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات

بحرمة النبی، محمد و آل الخیر البریات و ادخلهم برحمتک فی روضات الجنات و الحمد لله

رب العالمین آمین رب العالمین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ رَبِّ یَسَّرْ وَتَمِّمْ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على حبيبه و رسوله محمد وآله

اجمعين . قال الله تعالى ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم

يرزقون وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اولياء الله لا يموتون ولكن يتقلون من

دار الى دار وقال صلى الله عليه وسلم كنت نهيتكم عن زيارة القبور الا فزروها

بر مقتضى آيه و حديث جون زياره دوستان خداى متضمن ثواب بسيار و قوايد

بى شمار بود بعضى از احببه كه امثال التماس ايشان واجب بود درخواست كردند از بنده كمينه

احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخليفه النيسابورى تاب الله عليه باسامى بزرگان

كه در نيسابور آسوده اند در قلم آورد و ذكر اسامى از جمله بزرگان متعذر بود از

بهر اناك نيسابور كه به كه محط رجال: رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله بوده جهل

و هفت محله داشته كه يكى از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندى و

آنرا سيصد كوجه زيارت بودى و هر محله را مقبره بوده و شصت ديه در ربض در آمده

بود و مقابر آن ديهها كه مملو باوليا و صلحا بوده در ميان شهر نا پيدا گشته و بعد از

خرابى آن شهر بسبب غارات و تاراج مرارات مندرس و قبور منطمس شده و كسى

نمانده كه گورستانها را بازشناسد فكيف بالقبور و هر چند جنين بود اسابر موجب ان

لم يدرك الكل لم يترك الكل . اسامى اين بزرگان كه در طبقات شيخ عبد الرحمن

ص ۱۰۰
ص ۱۰۱
ص ۱۰۲
ص ۱۰۳
ص ۱۰۴
ص ۱۰۵
ص ۱۰۶
ص ۱۰۷
ص ۱۰۸
ص ۱۰۹
ص ۱۱۰
ص ۱۱۱
ص ۱۱۲
ص ۱۱۳
ص ۱۱۴
ص ۱۱۵
ص ۱۱۶
ص ۱۱۷
ص ۱۱۸
ص ۱۱۹
ص ۱۲۰
ص ۱۲۱
ص ۱۲۲
ص ۱۲۳
ص ۱۲۴
ص ۱۲۵
ص ۱۲۶
ص ۱۲۷
ص ۱۲۸
ص ۱۲۹
ص ۱۳۰
ص ۱۳۱
ص ۱۳۲
ص ۱۳۳
ص ۱۳۴
ص ۱۳۵
ص ۱۳۶
ص ۱۳۷
ص ۱۳۸
ص ۱۳۹
ص ۱۴۰
ص ۱۴۱
ص ۱۴۲
ص ۱۴۳
ص ۱۴۴
ص ۱۴۵
ص ۱۴۶
ص ۱۴۷
ص ۱۴۸
ص ۱۴۹
ص ۱۵۰

سلمی و رساله استاد ابوالقاسم و تذکره شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری مسطور است که در نیشابور آسوده اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنان را رعایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کند و از برکت و شفاعت ایشان محفوظ گرداند و هوولی الاجابه و التوفیق

اسامی سادات کبار

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب صلوة الله علی رسول الله و علی آلہ الطیبین الطاهرین مدفونست بمقبره تالاجرد، ابو جعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی ابن ابیطالب، محمد بن احمد بن عبدالله و بسر - بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب بزیاده نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرگ و اولاد و احفاد ایشان رضی الله عنہم در مقبره عبدالله طاهر اند و آنرا گورستان سادات گفتندی

اسامی صحابه رضی الله عنهم

عامر بن سلیم الاسلامی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان بن حیب، همام بن زید بن ایضه این سه صحابی و سه صحابه دیگر که نام ایشان معلوم نیست یقین در نیشابور آسوده اند و گفته اند که نیز: ابو بربره اسلمی در نیشابور آسوده است

اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیشابوری؛ ابو عثمان حیری نیشابوری، حمدون قصار نیشابوری، محفوظ بن محمود نیشابوری، ابو علی تقفی نیشابوری، یحیی بن معاذ رازی ابو الحسن علی الفوشنجی، ابو بکر طمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیشابوری

آنست که هانی آنجاست؛ ابوبکر الزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی طالب
 ابویعقوب اسحاق، ابو عمر و الحیری، ابو عمر و المستملی؛ ابو عمر و الخفاف، ابو عمرو
 الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصم، ابوالحسین الخفاف، الحسن الحداد،
 ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابو عبدالله الصفار، ابوالفضل النواظ، زکریا بن ولویه
 ابرهیم بن محمد بن شعبان، عبدالله بن عمر الریاح؛ یاسر بن نصر الباهلی، حسن بن
 الفضل الحلّی، بشر بن الحکم العبّدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب
 احمد بن سعید داری، ابوزکریا عنبری، بعضی از این بزرگان مجاب الدعوه بوده اند
 و دعا بر سر خاک هریکی از بزرگان مرجو الاجابه است،

این بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر
 آسوده اند از آن جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد
 میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورک اصبهانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی،
 شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی
 ارزقنا الله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضله و کرمه و هو اکرم الاکرمین و ارحم

الراحمین صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین

اسامی بزرگانی که در شهر نسا بور مدفون اند .

نقل از خط خواجه قطب الدین رحمه الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره در مقابر منسوب بنصر بن زیاد القاضی،
 سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و هو محمد بن
 محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه و رضی الله عنهم،
 جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر یشین است، تربة ارحم
 اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبر او مشهور است ،
 جوانمرد نرد باد او نیز از شهداء صدر اول است ، احمد حرب رحمه الله تربت
 او تربت یحیی معاذرازی که از کبار طبقات است رحمه الله در مقبره معمر است ، شیخ
 محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تاجرد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام
 عالی بن موسی الرضارا دریافته صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و حدیث از او شنیده
 امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی ترباباد در شرقی کهن
 دیر نیشابور قدیم است رحمه الله
 امام ابوبکر فورك و یحیی بن یحیی در بر حیره هر دو در یک حظیره اند از
 زاهدان و عباد زمان بوده ،
 امام الحرین عبدالماک ابوالمعالی بن الامام ابی میحمت یوسف الجوینی
 رحمه الله تربت او در جوار مزار تاجرد است ،
 شیخ محمد فنال تربت او در قبله مقبره حیره است ، رحمه الله
 شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف
 رحمه الله تربتهاء ایشان در قبله مقبره حیره است
 امام بیان الحق قاضی محمود نیشابوری مصنف عمل الغرائب و غیره تربت او در
 جوار نمازگاه عید در شهر شادیاخ ، رحمه الله قنبر امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه
 تربت او در جوار فرات آباد ،
 شیخ علی مؤذن رحمه الله تربت او در جوار مقبره حیره است
 استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی رحمه الله در یک
 حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،
 شیخ فریدالدین عطار رحمه الله تربت او در شادیاخ است ،
 شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمه الله تربت هر دو بهم نزدیک

است در شادیاخ ،

شیخ ابو حفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادک است در غربی علمدار رحمهم الله ؛

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارجم صندوق او را نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیاخ است رحمه الله

شیخ طبسی و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیک است رحمهم الله
 شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جل سر ، مقبره باب عروه فیب حسن بن الولید
 و جعفر بن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالرماج و حسن بن الفضل و ابوالعباس السراج و
 ابرهیم بن ایطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار و ابوعلی تنفی و عبدالله مبارک در
 جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیها قبره و قبر اولاده و قبر امام الحدیث ،
 محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهای ایشان در جوار ترخک زرکان نسیبداست
 قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب
 بشرین الحکم العبدی استاد ابوالولید مقبره حداباد

امیر طاهر میفرمود که علماء و زهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند
 فیها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الراقعی القشیری
 و احمد بن مؤید الروقی و اسحق بن المنصور و ابو زکریا القشیری رحمه الله
 علمهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر

هذه أسماء المشايخ الذين ساهموا السلف مشايخ الطبقات نقلت من الرسالة

التي هي معروفة بطبقات السلمي مما جمع الشيخ العالم الرباني المحقق الصمداني

عبدالرحمن السلمي رحمه الله عليه

الطبقة الاولى منهم

فضل بن عياض بخارى الاصل مات في الحرم ووفاته سنة سبع وثمانين و

كنيته ابو عالى

و منهم : ابواسحق ابراهيم بن ادعم بن منصور مات بالجريد فحمل الى

صور ودفن لها في الشام

و منهم : ذوالنون المصري قيل مات سنة ثمان واربعين ومائتين وقيل سنة

خمس واربعين وكنيته ابو الفيض

و منهم : شيخ بشر خافي مات سنة سبع و عشرين و مائتين ببغداد و دفن

فيها وكنيته ابو نصر

و منهم : الشيخ سري مسقطي رحمه الله مات سنة احدى وخمسين ومائتين

وكنيته ابو الحسن

و منهم : الشيخ ابو عبدالله حارث المحاسبي من بصره مات ببغداد سنة ثلث

واربعين ومائتين

و منهم : الشيخ ابو يزيد البسطامي رحمه الله مات سنة احدى وستين ومائة و اربع مائة ببغداد

و منهم : الشيخ ابو سلمان داراني مات سنة خمس عشرة ومائتين واسم عبد الرحمن

بن عطية

و منهم : الشيخ معروف الكرخي مات ببغداد سنة مائتين وقيل سنة احدى و

مائتين وكنيته ابو محفوظ

و منهم : الشيخ حاتم الاصم مات سنة اربع عشر ومائتين وكنيته ابو عبد الرحمن

وقيل سنة سبع وثلثين مائتين

الطبقة الثالثة

- ومنهم : الشيخ ابو محمد الحريري مات بسنة احدى عشر وثلاثمائة واسمه احمد بن محمد الحسين
- ومنهم : الشيخ ابو العباس العظامات بسنة تسع وثلاثمائة و قيل سنة احدى عشر واسمه احمد بن محمد سهل بن عطا
- ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابي حفص النيسابوري مات بسنة ثلاث ارباع وثلاثمائة بنيسابور ودفن بجانب ابي حفص —
- ومنهم : الشيخ ابو عمر والدمشقي مات بسنة عشر بن وثلاثمائة هو مشايخ الشام
- ومنهم : الشيخ محمد بن حامد الترمذي من مشايخ خراسان و كنيته ابوبكر
- ومنهم : الشيخ طاهر المقدسي من اصل مشايخ الشام
- ومنهم : الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد الحرار من مشايخ الرازيين مات قيل البعد الاربعين و ثلاثمائة
- ومنهم : الشيخ نعمان بن محمد الجمال الواسطي ساكن مصر مات ببافى رمضان سنة ست عشر وثلاثمائة و كنيته ابو الحسن
- ومنهم : الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص مات في جامع الرى بسنة احدى وتسعين و مائتين و كنيته ابواسحق
- ومنهم : الشيخ ابو حذرة البغدادي مات قيل الجنيدي سنة تسع وثمانين ومائتين واسمه محمد بن ابراهيم
- ومنهم : الشيخ ابو الحسن الوراق من مشايخ نيسابور مات قيل العشرين وثلاثمائة واسمه محمد بن سعد

ومنهم: الشيخ ابوبكر الواسطي اصله من خراسان استوطن كورة مرو ومات
 بها بعد العشرين وثلاثمائة واسمه محمد بن موسى
 ومنهم: الشيخ ابوالحسن الدينوري من مشايخ الجيل اقام بمصر ومات بها بسنة
 ثلثين وثلاثمائة اسمه علي بن محمد بن سهل
 ومنهم: الشيخ ابوالمغيث حسين بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد
 يوم الثلاثاء من ذي القعدة سنة تسع وثلاثمائة
 ومنهم: الشيخ خير النساج اصله من سامره اقام ببغداد وكنيته ابوالحسن
 ومنهم: الشيخ حمشاد الدينوري من كبار مشايخها مات بسنة تسع وتسعين ومائتين و
 ومنهم: الشيخ ابو حمزة الخراساني من نيسابور من محل مايقابا بمات بسنة تسعين ومائتين
 ومنهم: الشيخ الصبحي من اهل البصرة وكنيته ابو عبد الله مات بالسوس وقبر بها
 ومنهم: الشيخ ابواسحق ابراهيم بن داود الرومي مات بسنة ست وعشرين ومائتين وقيل ثلاثمائة
 ومنهم: الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان بن علي بن سنان من مشايخ نيسابور مات
 في سنة ست عشر وثلاثمائة

الطبعة الرابعة

ومنهم: الشيخ ابوبكر الشبلي خراساني الاصل عاش سبعا ومائتين سنة ومات
 في ذي الحجة سنة اربع وثلاثين وثلاثمائة ببغداد واسمه دلف بن مجدر
 ومنهم: الشيخ المرتضى وهو ابو محمد بن عبد الله بن محمد النيسابوري من
 محلة حيره مات ببغداد سنة ثمان وعشرين وثلاثمائة وقيل من محلة مايقابا
 ومنهم: ابو علي الرودباري توفي بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة بمصر واسمه
 احمد بن محمد بن ابي القاسم

ومنهم: الشيخ ابو الحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنة اربعين وثلاثمائة
ومنهم: ابو علي الثقفي مات بسنة ثمان و عشرين وثلاثمائة بنسب نيسابور واسمه
محمد بن عبد الوهاب

ومنهم: ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها
بسنة تسع و عشرين او ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم ابو الحسن المزين واسمه علي بن محمد اصله من بغداد جاور بمكة
ومات بها سنة ثمان و عشرين وثلاثمائة

ومنهم: الكتاني و هو محمد بن علي بن جعفر الكتاني امام بمكة و مات بها
بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة وكنيته ابو بكر

ومنهم: النهرجوري و هو ابو يعقوب اسحق بن محمد امم بمكة و مات
بها سنة ثلاثين و ثلاثمائة

ومنهم: ابو الخير بن منار من مشايخ مصر مات في البيت

ومنهم ابو الكاتب من كبار مشايخ المصريين مات بسنة ست و اربعين وثلاثمائة

واسمه الحسين بن احمد

ومنهم: ابو بكر عبدالله بن طاهر الاهري من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: الفرسي من مشايخ الجبل مات في سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الحسين علي بن هند الفارسي من كبار مشايخ الفرس

ومنهم: ابو اسحق بن شيبان الفرسي

ومنهم: الحسين بن علي مر دمن اهل ارمينه مات في الصفر سنة ثلاث و ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: محمد بن احمد بن سالم النصري وكنيته ابو عبدالله

ومنهم ابراهيم بن احمد بن مشايخ الرق وكنيته ابو اسحق

وسبعین وثلثمائه

ومنہم : ابوالقاسم النصر آبادی نیشابوری الاصل والمؤید خرج آخر عمره الی مکہ سنہ ست وستین وثلثمائه واسمہ ابرہیم بن محمد .

ومنہم : بندار بن الحسن من اهل شیراز مات بسنہ ثلث و خمین و ثلثمائه و کنیته ابو الحسن

ومنہم : الحضیری وهو ابو الحسن علی بن ابرہیم بصری لاصل مات بیغداد یوم الجمعة ذی الحجہ سنہ احدى وسبعین وثلثمائه

ومنہم : ابوبکر الطمستانی الفارسی ورد نیشابور مات بہا بعد سنہ اربعین وثلثمائه

ومنہم : ابو عبد اللہ البروغندی واسمہ محمد بن محمد بن الحسن من مشایخ مات بعد الخمین وثلثمائه

ومنہم : ابو العباس الدینوری مات بسمرقند بعد الاربعین وثلثمائه واسمہ محمد بن احمد بن محمد

ومنہم : محمد بن احمد و کنیته ابوبکر مات قبل الستین وثلثمائه وهو من مشایخ نیشابور

ومنہم : ابو عبد اللہ الرودباری واسمہ احمد بن عطابن احمد مات سنہ تسع وستین وثلثمائه

ومنہم : ابو الحسن بن علی بن بندار الحسن الصوفی من مشایخ نیشابور مات بسنہ تسع و خمین وثلثمائه

ومنہم : ابو عبد اللہ و ابو القاسم ابناء احمد بن محمد المقری فیما ابو عبد اللہ مات بسنہ ست وثلثمائه واما ابو القاسم مات نیشابور بسنہ ثمان وسبعین وثلثمائه

ومنہم : محمد بن احمد بن حمدون القرار من کبار مشایخ نیشابور مات سنہ سبعین وثلثمائه

ومنہم : محمد بن عبد الخالق الدینوری مات بہا کنیته ابو عبد اللہ

ومنہم : ابو عبد اللہ محمد بن محمد الواسی

پایان

الف

١٣٠، ١٢٨، ١٢٧، ١٢٠	ابر شهر
١٤٥	ابراهيم بن محمد سفيان
١٥٣، ١٤٥	ابراهيم بن ابي طالب
١٥١	ابراهيم بن شعبان
١٥٩	ابراهيم بن احمد
١٦١	ابراهيم بن محمد
١٥٩	ابو اسحق بن الشيبان
١٥١	ابو الحسن الخفاف
١٦٠، ١٤٩	ابو الحسن الفوشنجي
١٥٠	ابو الحسن الوراق
١٤٥	ابو الحسن علي البوشنجي
١٦١	ابو الحسن علي بن ابراهيم بصري
١٥٦	ابو الحسن بن علي
١٥٠	ابو الحسن علي بن بيدار
١٤٥	ابو الحسن علي بن احمد البوشنجي
١٥١	ابو الحسن كوفي
١٥٩	ابو الحسن المزين

١٤٥	ابوالحسن قاضي الحرمين
١٥٩	ابوالحسن علي بن هند
١٥٩	ابوالخير بن منار
١٥١	ابوالعباس العابد
١٤٥	ابوالعباس الاصم
١٤٥	ابوالعباس السراج
١٥٠	ابوالعباس مغربي
١٦١	ابوالعباس الدينوري
١٦٠	ابوالعباس السيار
١٥٠	ابوالفوارس شجاع كرماني
١٥٠	ابوالفضل الواعظ زكريا بن ولويه
١٦١	ابوالقاسم
١٥٩	القرسي
١٥٩	ابوالكاتب
١٥٢	ابوالمعالى
١٥٣، ١٥١	ابوالوليد
١٥٣	ابوأيوب بن الحسن
١٤٩	ابو بربره اسلمى
١٥١	ابوبكر الزاهد
١٥٠	ابوبكر السهوى
١٥٠	ابوبكر مرار
١٦١، ١٤٩	ابوبكر الطمستاني
١٥٩	ابوبكر بن منار
١٥٩	ابوبكر عبدالله بن طاهر الاهرى

۱۶۰	ابوبکر محمد بن احمد
۱۶۰	ابوبکر داود الدینوری
۱۵۷	ابوبکر
۱۲۷	ایورد
۱۴۹	ابو جعفر الصوفی
۱۴۹	ابو حفص حداد
۱۵۰	ابو حمزه مدینی علی بن هانی بن قنبر
۱۵۰	ابو حمزه خراسانی
۱۵۱، ۱۴۵	ابوز کریای عنبری
۱۵۳، ۱۴۵	ابوز کریا
۱۵۱	ابو سعید الاصم
۱۶۰	ابو سعید الاعرابی
۱۵۱	ابو شختویه
۱۵۵	ابو عبدالله جلا
۱۵۱	ابو عبدالله الصفار
۱۱۷	ابو عبدالله النیسابوری
۱۳۵	ابو عبدالله داود بن علی
۱۶۰	ابو عبدالله محمد بن حنفی شیرازی
۱۶۱	ابو عبدالله البروغندی
۱۶۱	ابو عبدالله الرودباری
۱۶۱	ابو عبدالله
۱۶۱	ابو عبدالله محمد بن محمد الواشی
۱۴۹	ابو عثمان جدی
۱۶۰، ۱۵۰	ابو عثمان مغربی

١٥٨	ابو علي الرودي باري
١٥٩، ١٥٣، ١٤٩، ١٤٥	ابو علي الثقفي
١٥١	ابو عمر والحيري
١٥١	ابو عمر والخفاف
١٥١	ابو عمر والزاهد عباس بن حمزة
١٦٠	ابو عمر والسلمي
١٦٠	ابو عمر والزجاجي النيسابوري
١٥١	ابو عمر والمستملي
١٥٠، ١٤٥	ابو عمرو بن جنيد
١٤١	ابو قابوس
١٥٩	ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل
١٤٢، ١٤١، ١٢٤، ١٢٢	ابو مسلم مروزي
١٤١	ابو مهلب
١٥٥	ابو يعقوب
١٥٩، ١٥١	ابو يعقوب اسحق
١٥٥	ابو محمود
١٥٥	ابي الريحان
١٥٧	ابي حفص نيسابوري
١٦٠، ٢٤٩، ١٤٨	احمد
١٣٨	احمد آباد
١٥٥	احمد القصار
١٣١	احمد بن حاج
١٥٠	احمد بن حرب نيسابوري
١٥٢، ١٥٠	احمد بن حرب

١٤٥	احمد بن سعيد
١٤٥	احمد بن مبارك
١٥٧	احمد بن محمد الحسين
١٥٧	احمد بن محمد بن سهل بن عطا
١٦١	احمد بن عطاء بن احمد
١٦١	احمد بن محمد المقرئ
١٥٨	احمد بن محمد بن ابي القاسم
١٤٩	احمد بن عبد الله
١٥٣	احمد بن مؤيد الزوقي
١٥٥	احمد بن يحيى
١٥٤	ادهم بن منصور
١٤٠	ارعيان
١٥٢، ١٥١	استاد ابو القاسم قشيري
١٥٢	استاد ابو علي دقاق
١٥٤	اسحق بن ابراهيم
١٥٣	اسحق بن ابراهيم الحنظلي
١٥٣	اسحق بن منصور
١٥٠	اسحق راويه
١٤٠	اسفراين
١٤٠	استوا
١٦٠	اسماعيل بن جنيد بن احمد سلمى
١٥٥	اسماعيل بن سعيد منصور
١١٧	افراسياب
١١٧	افريدون

١٤٦	التورة
١٦٠، ١٥٦	الجنيد
١٥١	الحسن الحداد
١٤٩، ١٤٥	الحسين
١٥٩	الحسين بن علي
١٥٩	الحسين بن احمد
١٤٥	الحسين بن الوليد
١٦١	الحضيري
١٢١	الزيق بوياباد
١٥٣، ١٤٥	امام الحديث محمد بن يحيى الذهلي
١١٧	امام الفقيه محمد بن حسين الخليفة النيسابوري
١٥١	امام الحرمين ابو المعالي
١٥٢	امام الحرمين عبدالمطلب
١٥١	امام بن فورك اصبهاني
١٥٢	امام بيان الحق قاضي محمود
١٥٢	امام جمال الاسلام
١٤٥	امام جعفر بن زيارة
١٣١، ١٣٠، ١٢٩، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤، ١٢٢، ١٢١، ١٢٠، ١١٩، ١١٨، ١١٧	امام حاكم
	١٤٢، ١٤٠، ١٣٧، ١٣٦، ١٣٣
١٤٥	امام زكريا
١٥١	امام علي واحد
١٥٧	الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص
١٥٨	الشيخ ابو اسحق ابراهيم بن داود
١٥٧	الشيخ ابو الحسن الوراق

١٥٤	الشيخ ابو سلمان داراني
١٥٧	الشيخ ابو محمد عبد الله بن محمد
١٥٧	الشيخ ابو محمد الحريري
١٥٤	الشيخ ابو يزيد بسطامي
١٥٥	الشيخ احمد بن الخواري
١٥٨	الشيخ الصبحي
١٥٨	الشيخ المرتعش
١٥٤	الشيخ المعروف الكرخي
١٥٤	الشيخ بشر خافي
١٥٤	الشيخ حاتم الاصم
١٥٨	الشيخ حمشاد الدينوري
١٤٥	الشيخ حمدون العصار
١٥٨	الشيخ خير النساج
١٥٦	الشيخ سهل بن عبد الله التستري
١٥٦	الشيخ سمنون بن حمزه
١٥٧	الشيخ طاهر المقدسي
١٥٦	الشيخ محمد بن الفضل البلخي
١٥٧	الشيخ محمد بن محامد الترمذي
١٥٥	الشيخ منصور عمار
١٥٧	الشيخ نعمان بن محمد الحمال الواسطي
١٥٥	الشيخ يوسف بن احمد
١٥٩	الكتاني
١٥٩	النهرجوري
١٥٠	امام ابو القاسم الواعظ

١٥٠

١٥٠

١٥٢

١٥٠

١٤٩

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٤٥

١٥٢

١٤٥

١٥٠

١٤٥

١٥١

١٤٥

١٥٢

١٥٠

١٤٥

١٣٥

١٥٠

١٥٠

١٥٠

امام ابو الطيب الصعلو كى

امام ابو العباس الاصم

امام ابوبكر فورك

امام ابو عبدالله السراج

امام ابو عبدالله النيسابورى

امام ابو على النيسابورى

امام ابو على الكوفى

امام ابو سهل الصعلو كى

امام ابو محمد حصيرى

امام ابو يعقوب الكرمانى

امام ابى جعفر صوفى

امام ابى محمد يوسف الجوينى

امام احمد حرب

امام احمد الكندرى

امام احمد بن سعيد الدارمى

امام احمد ميدانى

امام اسحق بن ابراهيم الحنظلى

امام على بن موسى الرضا

امام قاضى الحرمين

امام محمد بن اسلم العابد

امام محمد بن الامام محمد

امام محمد بن يحيى زهلى

امام محمد بن اسحق خزيمه

امام محمد بن الهيثم

١٥٠

١٥٢

١٣٥

١٢٦، ١٢٥

١٥٣

١١٩

١١٩

١٤٠، ١٣٨

١١٧

١١٩، ١١٧

١١٧

امام محيي السنه

امام مسلم بن الحجاج القشيري

امام موسى بن الامام جعفر

امير المؤمنين عثمان

امير طاهر

انبار

انبارده

انوشروان

انوش بن شيث بن آدم

ايران

ايرج

ب

١٥٨

١٢١

١٣٩

١٢١

١٢١

١٢١

١٣٩، ١٣٨

١٥٣

١٣٩

١٢١

١٥٨، ١٥٤، ١٣١، ١٢٩، ١٢٥، ١١٩

باب الطاق

باغ بهله

باغ فرك

باغك

باغ كبار

باب طاق

بشت

بشر بن الحكم العبدى

بشفروش

بشمانا باد

بصره

١٦١، ١٦٠، ١٥٩، ١٥٨، ١٥٦، ١٥٥، ١٥٤، ١١٩

بغداد

١٥٦، ١٢٨

بلخ

١٤٠

بلاش

١٢٢

بویاباد

١٣٩، ١٣٨

بیهق

١٢١

بندار بن الحسین

ن

١٢١

تلاجر د علیا

١٢١

تلاجر د سفلی

١٥٢، ١٤٩، ١٣٥، ١٣٢

تلاجر د

١٤٠

ترکستان

١٤٦

توره

١٥٢

تریا باد

١٥٣

ترخک زرکان

١٥٦

ترمذ

ج

١٢٢

جامعه (محلہ)

١٤١

جرجان

١٥٣، ١٤٩، ١٤٥، ١٣٥

جعفر

١٢١

جوری علیا

١٢١

جوری سفلی

١٢٢

جولاهکان (محلہ)

١٤١، ١٣٩، ١٣٦، ١٣٥

جوین

١٣٧

جیحون

۱۱

۱۵۲	جوانمرد علمدار
۱۵۲	جوانمرد شردباد
۱۵۶	جیل طور
۱۵۹، ۱۵۸	جیل
۱۵۰	جعفر الخلدی

ح

۱۲۱	حافظ محفوظ
۱۲۱	حایط
۱۲۵	حیب
۱۵۳	حدا باد
۱۴۸، ۱۳۵	حسن
۱۵۳، ۱۵۱	حسن بن الفضل
۱۵۳	حسن بن الولید
۱۴۹، ۱۳۵	حسین
۱۲۳	حسین بن محمد نصر آبادی
۱۲۱	حفصا باد
۱۴۵	حفص بن عبدالرحمن
۱۲۱	حنجرود علیا
۱۲۱	حنجرود سفلی
۱۲۱	خمزه علیا
۱۴۹	خمدون قصار
۱۲۱	خوسق
۱۲۳	خوض کسلان
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۲۲	خیزه

۱۴۰ خارزنج
۱۴۰ خاقان ترك
۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲ خراسان

۱۵۸
۱۲۱ خر قن عليا باد
۱۲۱ خر كباد
۱۲۱ خشابه قناه
۱۴۲ خمار تكين
۱۲۱ خندرون
۱۲۳ خنج رود
۱۴۱ خوشب
۱۲۱ خول
۱۵۲ خوارزم

۱۲۱ دزدان
۱۲۱ دوديه يهود
۱۲۱ دارا بجر د
۱۲۱ دستجرد
۱۲۲ درز قهندز
۱۳۵ داود
۱۳۷ دجله

١٣٩

١٥٨

دامغان
دلف بن محدر

ذ

١١٧

١٥٤

ذوالايبك
ذوالنون المصرى

ر

١٢١

١٢٥

١٣٩، ١٣٨

١٣٩

١٥٥

راقعه
ريبعه
ريوند
ربع مازل
رويم بن احمد

ز

١٢١

١٢١

١٣٥

١٣٥

١٤١

١٥١، ١٤٩

١٥١

زمجار عليا
زمجار سفلى
زين العابدين
زيد بن الامام زين العابدين
زوزن
زيد
زكريا بن ولويه

۱۵۸	سامره
۱۱۹	سجستان
۱۲۲	سرحيره
۱۱۹	سلطان محمود
۱۲۲	سلطان حسين
۱۳۰	سلطان سليمان بن مطرود
۱۳۰	سليمان بن مطرود
۱۴۱	سلو مد
۱۲۱	سلمه
۱۲۵	سعيد بن عاص
۱۲۵	سمنان
۱۲۵	سوانقادر عليا
۱۲۱	سوانقا درسقلي
۱۲۱	سورين كوي
۱۲۱	سهل تاشيش
۱۲۱	سهرامقان
۱۵۰	سيزجان
۱۴۶	سيد صدرالدين الحسيني
۱۲۱	سيمجرد عليا
۱۲۱	سيمجرد سقلي
۱۲۱	سيسنويه
۱۶۱/۱۵۶	سمرقند
۱۵۸	سوس (شوش)

ش

شاپور

شاپور (شهر)

شادیاخ

شام

شاه پسر

شاهنبر

شحنه علیا

شحنه سفلی

شهرستانه

شیخ ابواسحق راهویه مروزی

شیخ فریدالدین عطار

شیخ عبدالرحمن سلمی

شیخ علی مؤذن

شیخ طبسی

شیخ مجدالدین بغدادی

شیخ مجنون اولیاء

شیخ محمد بن اسلم طوسی

شیخ یحیی معاذ

شیخ عبدالرحمن کوف

شیخ محمد قنال

١٤٢

طاهر

١٤٢

طلحه

١٤٠٠١٣٨٠١٢٨٠١٢٧

طوس

١٥٤

طيفور

ط

١٢٧٠١٢٥

عامر

١٤٩

عامر بن سليم الاسلامي

١٥٦

عباس

١٥١

عباس بن حمزه

١٢١

عاركباد

١٤٩٠١٤٢

عبدالله

١٤٥

عبدالله الرماح

١٥٠

عبدالله النيسابوري

١٥٣٠١٤٩

عبدالله بن مبارك

١٥٣٠١٥١

عبدالله بن عمر الرماح

١٥٣٠١٢٩

عبدالله بن طاهر

١٦٠

عبدالله بن محمد رازی

١٢٩٠١٢٥

عبدالله بن عامر

١٥٣

عبدالله الفوشنجي

١٢٥

عبد الشمس

١٤٩٠١٣٠٠١٢٧٠١٢٣٠١٢٢

عبدالله طاهر

١٢٨٠١٢٦

عبدالله حازم

١٤١، ١٢٩، ١٢٨، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤	عبدالله عامر
١٥٤	عبدالرحمن بن عطيه
١٥٣	عبدالرحمن السلمى
١٥١	عبدالرحمن بن بشر
١٥٣	عبدالرحمن
١٢٦، ١٢٥	عثمان
١٤٩، ١٤٥، ١٤٠، ١٣٥	على
١٥٣	علمدار
١٥٢، ١٣١	على بن موسى الرضا
١٦٠	على بن احمد بن سهل
١٦٠	على بن محمد بن سهل
١٦٠	على بن محمد
١٤١	عكرمه
١٤٢	عمرو
١١٩	عمرو بن ليث
١٤٥	عمر
١٤٩	عنان بن حبيب
١٣٥	عيسى

ف

١٥٢	فراة آباد
١٢١	فراة آباد
١٢١	فازرشك
١٤٩	فرهنگ

١٤٠	فيروز
١١٩	فيروز شابوز
١٥٤	فضل بن عياض
٢٠	
١٦٠	قاسم بن محمد
١٤٠	قباد
١٤٤	قبر الامام محمد بن محمد
١٤٤	قبر امام احمد بن ابراهيم
١٤٤	قبر امام مسلم الحجاج
١٤٤	قبر ابي عبدالله البوشنجي
١٤٤	قبر ابي الوليد
١٤٤	قبر ايوب الحسن الزاهد
١٤٤	قبر سرخلاب
١٤٤	قبر همام بن زيد
١٤٤	قبر بشر بن الحكم
١٤٤	قبر عبدالرحمن بن بشر
١٤٤	قبر محمد بن عبدالوهاب
١٤٤	قبر نصر بن زياد القاضي
١٢١	قرية بود
١٣١	قرية مويديه
١٤٠	قرية فريمان
١٢١	قناة
١٢١	قناة عليا

۱۲۱
۱۲۵
۱۴۱-۱۴۰-۱۳۴-۱۳۳-۱۲۱-۱۱۹-۱۱۸

قناة جهم
قوس
قیندر

ک

۱۱۹
۱۲۱
۱۲۷
۱۴۰
۱۲۱
۱۴۱-۱۲۵
۱۴۰
۱۲۱
۱۳۲
۱۲۵
۱۳۳-۱۳۲
۱۵۲

کرخ
کرم بکر
کرمان
کسری
کنار سفلی
کنار تک
کندر
کوی دزکان
کوچه بلاس آباد
کوفه
کهلان
کهن دیر

گ

۱۲۲
۱۲۵

گند آباد
گزیب

۲۰

ل

لعانچی سفلی

۱۲۱

م

ماغین

۱۲۱

ماہکباد

۱۲۱

ماکالکباد

۱۳۲

ماورالنہر

۱۳۸

مارل

۱۳۹، ۱۳۸

ملقباد

۱۵۸

محمد آباد

۱۲۱

محمد بن ابراہیم

۱۵۲

محمد بن سعید

۱۵۲

محمد بن موسیٰ

۱۵۸

محمد بن یحییٰ

۱۵۲

محمد بن عبدالوہاب

۱۵۹، ۱۵۱

محمد بن علی بن جعفر الکنانی

۱۵۹

محمد بن احمد بن سالم النصری

۱۵۹

محمد بن علی بن النسوی

۱۶۰

محمد بن جعفر

۱۶۰

محمد بن محمد بن الحسن

۱۶۱

محمد بن احمد بن محمد

۱۶۱

محمد بن احمد

۱۶۱

١٦١	محمد بن احمد بن حمدون
١٥٦	محمد بن احمد بن ابي الورد
١٦١	محمد بن عبد الخالق دينورى
١٥٦	محمد بن عمر الحكيم
١٥٠	محمد بن اسلم
١٤٩٠١٤٨٠١٤٥٠١٣٨٠١٣٥	محمد
١٥١٠١٣٥	محمد محروق
١٥١	محمد بن زيد
١٥١	محمد بن محمد
١٥٣	محمد بن الرافعي
١٤٥	محمد بن رافع القشيرى
١٢٤	محلہ الرتعيا
١٢٣	محلہ الزيق بويباد
١٢٣	محلہ باب ابي الاسود
١٢٤	محلہ باغ رازيان
١٢٤	محلہ باغك
١٢٤	محلہ باب عسكر
١٢٦	محلہ باب معمر
١٢٤	محلہ باب عقيل
١٢٤٠١٢٣	محلہ بزرگ
١٢٢	محلہ نوينباد
١٢٤	محلہ شهرستان

۱۲۳	محلہ تالاجرد
۱۲۲	محلہ جامعہ
۱۲۳	محلہ جلاباد
۱۲۴-۱۲۲	محلہ جولانگان
۱۲۴	محلہ جودی علیا
۱۲۴	محلہ جودی سفلی
۱۲۲	محلہ حیرہ
۱۲۴	محلہ خر کلاباد
۱۲۳	محلہ خفصا باد
۱۵۸	محلہ خواست
۱۲۳	محلہ خمز کلاباد
۱۲۴	محلہ درباغ
۱۳۴	محلہ درباغ ملاجورد (تالاجرد)
۱۲۳	محلہ دیز
۱۲۴	محلہ زروان
۱۲۴	محلہ زمجار
۱۲۴	محلہ سنجد ستانہ
۱۲۴	محلہ سرپل
۱۲۲	محلہ سر حیرہ
۱۲۴	محلہ سیم جرد
۱۲۴	محلہ سر کوی
۱۲۳	محلہ شادیاخ
۱۲۹	محلہ شاہنبر
۱۴۳-۱۳۲-۱۲۴	محلہ قز

۱۲۳	محلہ قباب
۱۲۳	محلہ قوی بزرگ
۱۲۲	محلہ گند آباد
۱۲۳	محلہ غدا آباد
۱۲۳	محلہ محمد آباد
۱۲۲	محلہ مولقا باد
۱۲۲	محلہ میدان زیاد
۱۲۳	محلہ مناسک علیا
۱۲۳	محلہ مناسک سفلی
۱۲۴	محلہ مرتعد
۱۲۲	محلہ نصر آباد
۱۲۴	محلہ میدان حسین
۱۵۷، ۱۴۹	مخفوظ بن محمود نیسابوری
۱۱۹	مداین
۱۳۱	مدینہ
۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۲۸، ۱۲۵	مرو
۱۵۲	مصطفیٰ
۱۲۸	معتق
۱۴۶	موسیٰ
۱۳۹	موسقان
۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹	مکہ
۱۵۳	مسجد ابن حرب
۱۴۳	مسجد امام یحییٰ
۱۴۳	مسجد ایوب بن الحسن

۱۴۳	مسجد باری معمر
۱۴۳	مسجد جمش
۱۴۳	مسجد دروازه قهندز
۱۴۳	مسجد جابن معاذ بن مسلم
۱۴۳	مسجد سر امعاد
۱۴۳	مسجد مصلى جنبان
۱۵۰	مسلم قشیری
۱۳۸	مسیب
۱۵۹، ۱۵۷، ۱۳۷، ۱۲۱	مصر
۱۵۳	مقبره باب عروه
۱۴۵	مقبره باب معمر
۱۴۵	مقبره امیر عبدالله بن طاهر
۱۴۹، ۱۴۴	مقبره تلاجرد
۱۴۵	مقبره و جلاباد
۱۵۳	مقبره جل سر
۱۴۴	مقبره حیره
۱۴۴	مقبره سر میدان
۱۴۴	مقبره شاهنبر
۱۴۵	مقبره دقز
۱۲۵	مقبره حسن بن معاذ بن مسلم
۱۵۲	مقبره معمر
۱۴۴	مقبره نصر بن زیاد القاضی
۱۲۱	مناسك سفلی
۱۲۱	مناسك علیا

۱۳۸۱۱۸	منوچهر
۱۴۲	منصور
۱۳۵	موسی
۱۴۰	مهرجان
۱۴۴	میدان تلاجرد
۱۴۴	میدان حسین بن معاذ مسلم
۱۴۴	میدان هانی

ن

۱۴۰، ۱۲۷	نسا
۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۷	نسابور، نسابور، نیشابور، نیشابور
۱۴۶، ۱۴۴، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۲۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹	
۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸	
۱۲۱	نسرآباد
۱۲۱	نیل
۱۵۲	ناصرالین محمد کوف

و

۱۴۱	ولایت ارقند
۱۴۰	ولایت اسفاین
۱۴۰	ولایت ارغیان
۱۴۱	ولایت باخرز
۱۴۰	ولایت بشت

۱۴۱	ولایت جاجرم
۱۴۱	ولایت جام
۱۴۱	ولایت خواف
۱۴۱	ولایت رخ
۱۴۱	ولایت زوزن
۱۴۰	ولایت خبوشان
۱۳۸	وادی بشفروش
۱۳۸	وادی بوشغان
۱۳۸	وادی دیزباد
۱۳۸	وادی شامات
۱۳۸	وادی شغاندیر
۱۳۸	وادی عطی رود
۱۲۱	وافکر سلیمط
۱۲۱	وافکر معاد
۱۲۱	وزقاب فارس
۱۲۱	وینکاباد

۱۲۸-۱۲۷	هراة
۱۴۴	هر وین الرشید
۱۴۹	هماد بن زیدین وایسه

٥

١٢٥	يزدجرد
١٢٣	يعقوب ليث
١٥١	ياسر بن نصر الباهلي
١٤٥	ياسين بن القصر الباهلي
١٥٢، ١٥٠، ١٤٥	يحيى بن يحيى
١٥٠	يحيى بن معاذ رازي